



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# بهترین راه احجاب، سر (خواستگاری و نامزدی)

فریاد خاموش درون (بدن و دل)

طاهره یوسفی

شکریه پادشاهی

با همکاری:

دکتر پروین محمدیان

دکتر سحر پادشاهی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# بهترین راه انتخاب همسر و دوران خوب نامزدي...

نویسنده:

علي بابايي خورزوقي

ناشر چاپي:

دارخوين

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	بهترین راه انتخاب همسر و دوران خوب نامزدی...
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	فهرست:
۱۲	اشاره
۱۳	مقدمه گردآورندگان
۱۴	انتخاب همسر
۱۶	عهدنامه ازدواج (غزل)
۱۸	پیشگفتار
۲۵	علت اساسی ازدواج و تشکیل خانواده از نگاه قرآن کریم چیست؟
۴۲	فلسفه وجود گزینه جنسی و تبعات آن چیست؟
۴۷	آیا می توان نیاز های شهوانی خود را از هر طریق ارضاء نمود؟
۵۰	تفاوت عشق و هوس در چیست؟
۵۴	پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) در خصوص ازدواج و اهمیت آن چه فرموده اند؟
۵۶	پرسش هایی در خصوص ازدواج و اهمیّت آن از جوانان و پاسخ از معصومین (علیهم السلام)
۵۷	ازدواج چه جایگاهی در نزد خداوند دارد؟
۵۹	فلسفه ازدواج چیست و مهمترین آثار و نتایج آن کدام است؟
۷۵	چه مواردی مسیر انتخاب درست همسر را به انحراف می کشاند؟
۸۳	آیا باید در انتخاب همسر حساسیّت و دقّت لازم به خرج دهیم؟
۹۱	آیا می توانم همسر بی عیب و نقص پیدا کنم؟!
۹۳	چرا رابطه دختر و پسر نامحرم اشکال دارد؟
۱۱۰	پیامدهای منفی دوستی های قبل از ازدواج چیست؟
۱۱۵	شروط اصلی برای ازدواج چیست؟

- ۱۲۱ ..... آیا شباهت‌ها باعث به وجود آمدن ازدواج موفق می‌شود؟
- ۱۲۲ ..... عوامل اختلافات زناشویی که در هنگام انتخاب همسر باید مد نظر باشد کدام است؟
- ۱۲۴ ..... ضرورت‌ترین مسائلی که قبل از ازدواج باید مد نظر باشد کدام است؟
- ۱۳۶ ..... کم و کیف گفتگو در مراسم خواستگاری چگونه باید باشد؟
- ۱۴۷ ..... وظایف مشاوران در رابطه با برخی از مسائل مربوط به انتخاب همسر چیست؟
- ۱۵۱ ..... در انتخاب همسر شایسته به چه شرایط و معیارهایی باید توجه ویژه نمود و اهمیت آنها بخاطر چیست؟
- ۱۶۰ ..... معیارهای انتخاب همسر چیست؟
- ۱۷۶ ..... حال بصورت خاص زن شایسته و مناسب چه خصوصیتی باید داشته باشد؟
- ۱۸۴ ..... حال بصورت خاص مرد شایسته و مناسب چه خصوصیتی باید داشته باشد؟
- ۱۸۸ ..... با چه زنان و مردانی نمی‌توان ازدواج کرد؟
- ۱۹۴ ..... لطفاً درباره‌ی ازدواج از زبان شخصیت‌ها و ملل مختلف نکاتی مطرح گردد؟
- ۱۹۹ ..... آیا می‌توان برای یافتن همسر باتقوا و مناسب دعا کرد؟
- ۲۰۰ ..... راهکارها و دستور العمل کنترل مثبت غریزه جنسی و شهوت چیست؟
- ۲۲۴ ..... مآخذ:
- ۲۲۸ ..... اشاره
- ۲۳۱ ..... درباره مرکز

## بهترین راه انتخاب همسر و دوران خوب نامزدی...

### مشخصات کتاب

سرشناسه: بابایی، علی، 1342 -

عنوان و نام پدیدآور: بهترین راه انتخاب همسر و دوران خوب نامزدی... / مولف، سخنران و شاعر علی بابایی با همکاری مجتبی بابایی، پریناز سجادیان، زینب بابایی.

مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، 1394.

مشخصات ظاهری: 219 ص

فروست: فریاد خاموش درون؛ 8.

شابک: 180000 ریال : 6-289-380-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: عنوان روی جلد: بهترین راه انتخاب همسر (خواستگاری و نامزدی).

یادداشت: کتابنامه: ص. 322-325 ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد: بهترین راه انتخاب همسر (خواستگاری و نامزدی).

موضوع: همسرگزینی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Mate selection-- Religious aspects-- Islam

موضوع: خواستگاری

موضوع: Marriage proposals

موضوع: نامزدی (فقه)

موضوع: Betrothal (Islamic law)

موضوع: زناشویی (اسلام)

موضوع: Marriage -- Religious aspects -- Islam

موضوع: زناشویی (اسلام)

شناسه افزوده: بابایی، مجتبی، 1365 -، [ دکتر ]

شناسه افزوده: سجادیان، پریناز، 1367 -

شناسه افزوده: بابایی، زینب، 1367 -

رده بندی کنگره: 5/258BP/ب23ب9 1394

رده بندی دیویی: 297/725

شماره کتابشناسی ملی: 4027306

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

**اشاره**



بسم الله الرحمن الرحيم

بهترین راه انتخاب همسر

جلد هشتم: فریاد خاموش درون

مؤلف، سخنران و شاعر: دکتر علی بابایی

باهمکاری: دکتر مجتبی بابایی، دکتر پریناز سجادیان، کارشناس زینب بابایی سال 1394

جوانانی که طالب انتخاب همسر شایسته و رسیدن به آرامش واقعی در زندگی مشترک خود می باشند حتما این کتاب را بخوانند

(کلیه اشعار این کتاب توسط مؤلف با تخلص حقیر سروده شده است)

ص: 2

- 5..... مقدمه گردآورندگان.
- 6..... انتخاب همسر. (قصیده).
- 8..... عهد نامه ازدواج (غزل).
- 10..... پیشگفتار.
- 17..... علت اساسی ازدواج و تشکیل خانواده از نگاه قرآن کریم چیست؟.
- 34..... فلسفه وجود غریزه جنسی و تبعات آن چیست؟.
- 39..... آیا می توان نیاز های شهوانی خود را از هر طریق ارضاء نمود؟.
- 42..... تفاوت عشق و هوس در چیست؟.
- 46..... پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) در خصوص ازدواج و اهمیت آن چه فرموده اند؟.
- 48..... پرسش هایی در خصوص ازدواج و اهمیّت آن از جوانان و پاسخ از معصومین (علیهم السلام).
- 51..... فلسفه ازدواج چیست و مهمترین آثار و نتایج آن کدام است؟.
- 67..... چه مواردی مسیر انتخاب درست همسر را به انحراف می کشاند؟.
- 75..... آیا باید در انتخاب همسر حساسیّت و دقّت لازم به خرج دهم؟.
- 83..... آیا می توانم همسر بی عیب و نقص پیدا کنم!؟.
- 85..... چرا رابطه دختر و پسر نامحرم اشکال دارد؟.
- 102..... پیامدهای منفی دوستی های قبل از ازدواج چیست؟.
- 107..... شروط اصلی برای ازدواج چیست؟.
- 113..... آیا شباهت ها باعث به وجود آمدن ازدواج موفق می شود؟.
- 114..... عوامل اختلافات زناشویی که در هنگام انتخاب همسر باید مد نظر باشد کدام است؟.
- 116..... ضرورترین مسائلی که قبل از ازدواج باید مد نظر باشد کدام است؟.
- 128..... کم و کیف گفتگو در مراسم خواستگاری چگونه باید باشد؟.
- 139..... وظایف مشاوران در رابطه با برخی از مسائل مربوط به انتخاب همسر چیست؟.



در انتخاب همسر شایسته به چه شرایط و معیارهایی باید توجه ویژه نمود و اهمیت آنها بخاطر چیست؟ 143

معیارهای انتخاب همسر چیست؟. 151

حال بصورت خاص زن شایسته و مناسب چه خصوصیتی باید داشته باشد؟. 167

حال بصورت خاص مرد شایسته و مناسب چه خصوصیتی باید داشته باشد؟. 175

با چه زنان و مردانی نمی توان ازدواج کرد؟. 179

لطفا درباره ی ازدواج از زبان شخصیت ها و ملل مختلف نکاتی مطرح گردد؟. 185

آیا می توان برای یافتن همسر باتقوا و مناسب دعا کرد؟. 190

راهکارها و دستور العمل کنترل مثبت غریزه جنسی و شهوت چیست؟. 191

مآخذ: 213

تصویر



**اشاره**

رسول اسلام (صلی الله علیه و آله) به تمامی پیروان خود می فرمایند: "کسی که با زنی به خاطر مال و دارایی ازدواج کند، خداوند او را به حال خود واگذار می کند و کسی که به خاطر جمال و زیبایی با او ازدواج کند، در او امور ناخوشایند خواهد دید! و کسی که به خاطر ایمان و ارزش های دینی، با او ازدواج نماید، خداوند همه آن امتیازات مادی و ظاهری را برای وی فراهم می کند."

ص: 4

## مقدمه گردآورندگان

به نام خالق عشق و زیبایی

انتخاب خوب بود نوعی جهاد

زندگی را می کند آرام و شاد

داد خاموش درون بی هر گمان

از تو خواهد زوجی با ایمان راد

بعد از حمد و سپاس ایزد منان و درود و صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) یکی از مسائل مهمی که دین اسلام نیز آن را از مهمترین مسائل جامعه بشری می داند، ازدواج است البته ازدواجی سالم و در چارچوب شرع و قانون. مقدمه این ازدواج شرعی و قانونی سالم، انتخابی سالم است که با خواستگاری میسر می گردد. این خواستگاری نیز شرایط بسیار دقیق و اصولی دارد که اگر این شرایط به درستی رعایت نشوند، خدایی ناکرده این راهی که باید در مسیر تکامل سیر کند به بی راهه خواهد رفت و نه تنها شخص را به کمال نمی رساند بلکه شخص را به منجلائی از بدبختی می کشاند.

از طرفی همانگونه که مستحضر هستید متأسفانه تشکیل خانواده و ازدواج در حال حاضر با ورود ماهواره، اینترنت و... به نوعهای مختلف از هر طرف تهدید می شود. یعنی باید

اعتراف کرد که ازدواج و تشکیل خانواده که از طرفی با تار و پود بشری و نیاز فطرت، جهت رسیدن به آرامش و خوشبختی عین شده و از طرفی سلامت

جامعه را تضمین می نماید بطور جدی مورد تهاجم و ناتوی سنگین فرهنگی ی دشمنان انسانیت قرار گرفته و هر لحظه ستونهای مقدس آن تهدید و تار و پود الهی و ارزشمندش مورد حمله واقع می شود.

لذا احساس شد که حقایق پیرامون آن باید به هر صورت ممکن مخصوصا از قول معصومین (علیهم السلام) که مشرف بر نیاز درون و برون آدمی می باشند در اختیار جوانان قرار گیرد؛ تا قلبهای آماده از آن جرعه ای بگیرند و به وسیله آن به سعادت و آرامش واقعی دست یابند. مع الوصف مقرر شد عناوین و مطالب این کتاب که خلاصه شده دو جلد مجزا بوده، از بین سوالات دختران و پسران در جلسات آموزش خانواده، مجامع هم اندیشی و بحث و انتقاد که بصورت پرسش و پاسخ، توسط مولف پاسخ داده و به رشته تحریر در آمده بود؛ استخراج و به این صورت که ملاحظه خواهید فرمود به لطف الهی تدوین گردد. انشا.. که بتواند گرمی، صمیمیت و آرامش را در خانواده ها با انتخاب خوب و عاقلانه تثبیت و مورد رضایت یار قرار گیرد.

## انتخاب همسر

گر که خواهی ای عزیز با مرام

راه فطرت را روی هر روز و شام

انتخاب کن نامزدی را مثل ماه

با همان معیاری که گفته امام

دین و خلق وی بود اصل و اساس

چون دو عالم را همی آرد به کام

ص: 6

دین وی باشد برایت چون حصار  
حافظ جان و دل است از دیو و دام  
یار دلسوزت بود بهر حلال  
می برد بیرون تو را از هر حرام  
سیرتش اصل است و باشد ماندگار  
چون که فردا را کند آرام و رام  
نامزد پارسا همانند طلاست  
پاک و کم عیب است بدون هر کلام  
خلق وی باشد مطابق با امام  
از همان خلق خوشش گیری پیام  
با حجاب و عفت است در این جهان  
خود نمایی کی کند بهر عوام  
صورتش باشد عزیز و با حیا  
چون که ایمانش قوی باشد مدام  
اهل و بیتش سالم و دور از گناه  
عقل و هوشش مثل دژی با دوام  
چون که باشد متقی و اهل راز  
می کند فرزند خود را چون غلام  
آن غلامی که بود تابع حق  
بهر مولایش ز نفس گیرد زمام

## عهدنامه از دواج (غزل)

در زمان خواستگاری کن تو تحقیقی عجیب  
تا بری بالا شناخت خود به مقیاس و ضریب  
چون که فرصت داری تا تحقیق خود کامل کنی  
از محلّ زندگی و کار و هر جای مهیب  
پس عزیزم با درایت کن تو تحقیقی قوی  
تا که تصمیمت شود قطعی بدون هر نهیب  
با همان روح الهی تو نما خود را بصیر  
گر سعادت خواهی و رمز و رموز من یجیب

ص: 8



کن مهیا جان و دل را بهر عقدی پر ثمر  
چون که خطبه می شود جاری عزیزم عن قریب  
بار سنگینی رود بر دوش تو ای نازنین  
بند و بند آن سند امضای تو گیرد ادیب  
پس نما خود را مقید بهر حفظ آن سند  
تاشوی راحت ز نفس دون وهم گردی حبیب  
با هوا و هم هوس بی شک روی در راه پست  
در همان راهی که شیطان می کند عهد را غریب  
گر که عیبی را تو دیدی در مسیر زندگی  
با گذشت خود نما آن را برون از سطح شیب  
دار دنیا می شود روزی تمام اندر زمین  
دار عقبا بوده باشد ای عزیزم همچو سبب  
چون که تو خواهی همی پند و نصیحت در مسیر  
داد خاموش درون خواند تو را سوی خطیب  
گر وفاداری نکردی بهر آن قول مهم  
بی شک و شبهه شوی بانفس خوب خود رقیب  
گر خلاف آنچه در بطن سند دیدی عزیز  
عهد تو خنثی شود با دید مولا و طیب  
پس عزیزم بی دلیل هرگز نروسوی طلاق  
چون طلاق مطرود حق و تو مده خود را فریب

گر کنی همسر خوبی انتخاب \*\*\* می شوی فارغ ز هر نوع اضطراب

چون که با وی می روی راه فلاح \*\*\* روح تو آرام و گیرد وقت خواب

ازدواج یک سنت دیرینه اجتماعی است که از زمانهای بسیار قدیم، بلکه از آغاز زندگی بشر مرسوم بوده است، پیمانی است مقدس که در بین تمام اقوام و ملل، مذهبی و غیر مذهبی، و در تمام زمان ها و مکان ها، وجود داشته و دارد. در این پیمان مقدس، زوجین یعنی زن و مرد زندگی مشترکی را تاسیس می کنند و پیمان می بندند که در کنار هم و یار و غمخوار یکدیگر باشند. ازدواج برای انسانها یک نیاز طبیعی است که از آفرینش ویژه آنها سرچشمه می گیرد. چنانکه انسان به آب و غذا نیاز دارد، در سنین مخصوصی به ازدواج هم نیاز پیدا می کند. آری ای عزیز ازدواج یک خواسته طبیعی است که همه جوامع بشری و ادیان آسمانی بر آن صحنه نهاده اند. مخصوصاً دین اسلام پیروان خود را بطور جدی به ازدواج دعوت نموده. ازدواج نه تنها منفور نیست، بلکه از دیدگاه اسلام مستحب مؤکد و گاهی به علت های مختلف واجب هم می گردد. و اگر با قصد قربت انجام گیرد، عبادت نیز محسوب می شود. پیامبر گرامی اسلام، درباره ازدواج می فرماید: «هیچ بنایی در اسلام بنیانگذاری نشده که نزد خدا محبوبتر از ازدواج باشد» آری ای خوب:

ازدواج است که بود محبوب یار \*\*\* این همان حرف نبی (صلی الله علیه و آله) است ای نگار

بنابر این ای عزیز، خانواده، مناسب ترین نظام برای تأمین نیازهای روحی و معنوی بشر است و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم می آورد. خانواده کوچکترین، مهم ترین و مقدس ترین نهاد اجتماعی و بخش بزرگی از دنیای اجتماعی کودک است و از پیوند بین یک دختر و یک پسر تشکیل می شود و فرزندان ثمره و مکمل آن هستند و در صورتی که این پیوند و سرمایه گذاری درست و اصولی انجام شود، این شراکت سوددهی خواهد داشت؛ یعنی ضمن ایجاد آرامش؛ فرزندان صالح و با آینده ای روشن تربیت خواهند شد و اگر زن و شوهر بدون علاقه و صرفاً بر اساس جنبه های مادی و یا رفع تکلیف اقدام به ازدواج نمایند، این شراکت زیان می دهد و علاوه بر عدم آرامش در زندگی زناشویی؛ فرزندان حاصل از این ازدواج، آینده ای مبهم و تاریک در انتظارشان خواهد بود.

آری ای بزرگوار، ازدواج بنابر نوع خلقت انسان و نیاز فطرت برای هر فردی لازم می باشد. بر همین اساس یکی از سنتهای متقن و محکم نبی گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیه السلام ازدواج است. لذا هر مسلمانی برای اینکه از آلودگی و گناه در امان باشد و به سکون و آرامش دست پیدا کند؛ باید ازدواج نماید.

بنابراین ای عزیز بزرگوار، ازدواج و همسر اختیار کردن با عنایت به آیات و روایات یک مسئله مهم و ضروری در زندگی ات می باشد. چرا که فطرتا دوست داری برای خود همسری اختیار کنی؛ تا در کنار او آسایش جسمی و آرامش روانی خود را حفظ کرده و بسوی تعالی و کمال انسانی حرکت نمایی!

مع الوصف باید بزرگترین آرزوی تو همانند سایر جوانان این باشد که ازدواج نمایی و کانون گرم و پر مهر خانواده را با لطف و عنایت خداوند منان تشکیل دهی، تا به وسیله آن یار و مونس و محرم راز پیدا کنی و از نعمت زندگی مشترک زناشویی بهره مند گردی. بدون شک فریاد خاموش درونت؛ سعادت را در سایه زندگی مشترک جستجو می کند. چنین میلی بطور طبیعی و فطری در تو وجود دارد و نمی توانی از آن صرف نظر کنی. آری بزرگترین پناهگاه مطمئن برای تو، کانون گرم خانوادگی است که می توانی اضطرابهای درونی خود را در آن به اطمینان و آرامش تبدیل کنی و غمها و نگرانیهای خود را از یاد ببری.

افلاطون در کتاب ضیافت خویش آورده است: " ارواح آدمیان در آغاز به صورت کروی و کامل بود. آن گاه هر کدام به دو نیمه شده و از هم جدا شدند و از آن پس، هر یک به دنبال نیمه گم شده خویش می گردد. با پیوند زناشویی، آدمی به گم شده خویش می رسد و آرام می گیرد. " این حکایت نمادین صرف نظر از جنبه افسانه ای آن، اشاره به این حقیقت دارد که همان گونه که اگر انسان چیز گران بهایی را گم کند، همواره در نگرانی به سر می برد و با پیدا کردن آن به آرامش می رسد، در امر ازدواج نیز آن دلهره و سرگردانی پیش از ازدواج، با دست یافتن به همسر مناسب و دلخواه، به آرامش و خرسندی تبدیل می شود.

آری ای جوان انتخابگر، در بحث ازدواج نکته ای که قابل اهمیت می باشد کم و کیف انتخاب همسر با رعایت کلیه شرایط آن می باشد. متأسفانه برخی ازدواج را همانند هندوانه درسته دانسته و آن را یک نوع بخت آزمایی می داند. اسلام معتقد است که پیچیدگی روابط انسانی ایجاب می نماید که مقوله عقل آزمایی در انتخاب همسر ملاک قرار گیرد و همسران براساس تدبیر خوب، تقدیر خوب را دنبال نمایند. زیرا طبیعت انسان طوری خلق شده که تا چیزی را نشناسد از آن بهره صحیح نخواهد برد و این شناخت صحیح است که منشأ و مبنای اقدام و عمل صحیح در آینده خواهد شد. بدیهی است مرد یا زن ضعیف الایمان و هوس باز، بد اخلاق و خشن، معتاد و الکلی و . . . بامرد یا زن مومن و باهوش، خوش اخلاق و مهربان، اهل معنویت و دعا و . . . یکی نیستند این تمایز و شناخت فقط در اثر تحقیقات منطقی و معقول برای دیگری به دست خواهد آمد و قبل از آن که خطبه عقد جاری شود؛ فرصت بسیار خوبی است برای سنجش طرف مقابل و در یک کلام، همه یا بیشتر مسائل و خصوصیات روحی و اجتماعی یک فرد باید قبل از عقد روشن شود. چرا که قبل از خواستگاری، خانواده دختر از کم و کیف تصمیم پسر اطلاعی ندارند و پسر و خانواده اش می توانند از منابع مختلف و از هر طریق ممکن تحقیقات لازم را با دقت انجام دهند. علاوه بر آن در زمان خواستگاری می توانند بصورت رسمی و از نزدیک به نوعهای متفاوت با روحیات دختر و خانواده وی آشنا شوند. از آنطرف دختر و خانواده اش بعد از خواستگاری می توانند به هر اندازه که مایل بودند وقت بگیرند و از منابع مختلف و از هر طریق ممکن تحقیق نمایند. علاوه بر آن در

زمان خواستگاری می توانند بصورت رسمی و از نزدیک به نوعهای متفاوت با روحیات پسر و خانواده وی آشنا شوند. بدیهی است صحبت‌هایی که دو زوج در زمان خواستگاری خواهند داشت می تواند در نزدیک نمودن افکار و ایده ها و سلیقه های آنان مؤثر واقع شده و در مجموع درک متقابل را بیشتر نماید. در این زمان سؤالات، ابهامات، اشکالات و ایراداتی که در نظر هر یک از نامزدها مطرح است به روشنی بیان گردیده و براساس برداشت هایی که الان و در تحقیقات خود بدست خواهند آورد، می توانند همسر آینده خود را با معیارهای مطلوب خود، مقایسه و در صورتی که از هر جهت وی را برای همسری آینده خود مفید تشخیص دادند تصمیم گیری نمایند. بنابراین پسر باید با دقت تمام انتخاب کند و دختر هم بدون هر نوع اجبار و عجله بعد از تحقیقات جامع و کامل می تواند بله را بگوید. یعنی ای عزیز بزرگوار تا قبل از عقد با ظرافت تمام و دقت لازم باید تحقیق و بررسی و نهایتاً انتخاب کنی. چرا که بعد از انتخاب و عقد یعنی در دورانهای نامزدی، زناشویی و همسر داری وظیفه ای دیگر بر عهده داری و باید همواره با دید مثبت به همسرت و زندگی مشترک نگاه کنی؛ که کم و کیف آن در جلد دوم و سوم مخصوصاً در جلد سوم آن تحت عنوان "تنها راه خوشبختی در زندگی زناشویی" به صورت مفصل مطرح شده است که خواندن کتابهای مورد نظر، به تمام همسرانی که طالب آرامش واقعی در زندگی و سعادت حقیقی در دنیا و آخرت می باشند سفارش می شود.

آری ای عزیز، واقعیتی که متاسفانه در رابطه با برخی از جوانان در سنین جوانی مطرح می باشد این است که جوانان با رؤیاهایی مانند قد بلند، چشم های نافذ،

سیاه یا رنگی و درشت. . . و در یک کلام ظاهر؛ تصمیم می گیرند و در نهایت تاسف بدون تحقیق و شناخت لازم دل می بندند و یکسره شیفته و عاشق می شوند و اگر با چنین تمایلی فوراً ازدواج نمایند به ندرت زندگی آنها پایان خوشی خواهد داشت. زیرا اگر قرار بود براساس این معیارها و یا عشق های این چنینی زندگی ادامه یابد، دیگر نباید هرساله شاهد این همه طلاق باشیم. پس داشتن قیافه آنچنانی و مسائلی از این قبیل، کافی نیست. بلکه ایمان، اخلاق، انسانیت و همچنین دارا بودن خصائص روانی لازم و خصوصیات انسانی دیگر است که استمرار زندگی را در آینده تضمین می نماید. والا در صورت عدم توجه به این ویژگیها؛ انسانها با عشق ازدواج می کنند و با عقل از یکدیگر جدا می شوند. بنابر این هرگونه اقدام شتاب زده و نامعقول، آسیب های جبران ناپذیری را ایجاد می نماید که هیچ چیز جای آن را نمی تواند پر نماید.

آری ای فهیم عاقل، حقیرکیس های متعدد و موارد مختلفی را شاهد و پیگیر آنها بوده ام که متاسفانه احساسی و از طریق کوچه و خیابان عاشق و شیفته هم شده و در دوران نامزدی به وظیفه خود به نحو احسن عمل نکرده و بدون درک درست از ویژگیها و خصوصیات همدیگر؛ مبادرت به ازدواج نموده و بعد از مدتی در نهایت تاسف کارشان به طلاق کشیده و با تنفر و ذهنیتی کاملاً منفی از همدیگر جدا شده اند که در صورت لزوم در مجموعه ای جدا و یا بنابر ضرورت در همین کتب به برخی از آنها اشاره خواهد شد. بله:

دختران کوچه ای مثل گدا\*\*\* می شوند خوار و ذلیل و بی بها

چون که خود را کم فروشنده در جهان \*\*\*بهر همسر کی کنند جان را فدا

آری ای خوب، مسئله ازدواج و انتخاب همسر برای تو و همه جوانان از مهمترین مسائل حیاتی است. پیوند زناشویی در زندگی انسانها نقطه عطفی است که ممکن است صدها پیروزی و کامیابی و یا شکست و ناکامی در پی داشته باشد. به خاطر همین است که با اطمینان خاطر می توان گفت: یک ازدواج خوب و شایسته می تواند مایه آسایش جسم و آرامش روان گردد و اساس سعادت و بهروزی انسان ها را بنیان نهد و موجبات خوشبختی و شادکامی آنان را تا پایان زندگی فراهم آورد. همچنین یک ازدواج بد و نامناسب ممکن است برای انسان منشاء بزرگترین نگرانی و ناراحتی ها گردد و پی آمدی شوم و نامیمون به دنبال داشته و موجبات بدبختی و تیره روزی آنان را پایه گذاری کند و آنان را در سراسر عمر و زندگیشان به خاک سیاه نشانده و مایه سخت ترین شکنجه های روحی و جسمی آنان گردد. . .

مع الوصف ای بزرگوار به خاطر همین اهمیت است که علمای اخلاق و دانشمندان علوم مختلف جهان این مسئله را از اهم مسائل زندگی بشمار آورده و درباره اهمیت آن مطالب زیادی گفته اند که چکیده گفته هایشان این است که: ((مسئله ازدواج و زناشویی در ردیف نظم ها و اموری قرار دارد که آفریدگار جهان اساس آن را بنا نهاده است و هیچ امری در زندگی انسان ها نمی تواند به اندازه ازدواج، بهروزی و خوشبختی و یا تیره روزی و بدبختی بیار آورد، پس برای هیچ چیز در زندگی نباید بیشتر از مسئله ازدواج اهمیت قائل شد و هر کسی باید در

ص: 16



زندگی به این مسئله بزرگ اهمیت داده و روح و قلب خود را برای تنظیم آن آماده سازد)).

حال با عنایت به مطالب مزبور باید ازدواج نمایی تا:

1- به دستور خدا عمل کرده باشی، خدائی که با لطفش تو را آفریده و همسر تو را از جنس خودت خلق کرده و مهر و محبت او را در دلت قرار داده است.

2- به سنت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) عمل کرده و وظیفه شرعی و الهی خود را اداء نموده باشی.

3- ازدواج می کنی که نظم جهان به حرکت خود ادامه داده و تو را بسوی آرامش، تعالی و کمال حرکت دهد.

4- ازدواج می کنی که گزینه جنسی خود را از راه حلال و مشروع اشباع کرده و از خطا و گناه محفوظ و مصون بمانی. و نیز فرزندان از نسل خود به یادگار گذاری. و... و...

### **علت اساسی ازدواج و تشکیل خانواده از نگاه قرآن کریم چیست؟**

در خصوص ازدواج این را بدان \*\*\* آنچه قرآن گفته در سرّ و عیان

تصویر



بهر فطرت بوده و راه کمال \*\*\* غیر از آن باشد تباهی بی گمان

پس عزیزم

کن ز قرآن کریم پرسش ز جان \*\*\* تا روی راه سعادت در جهان

چون که آیاتش بدون هر گمان \*\*\* راه خوشبختی کنند بر تو عیان

آری ای عزیز بزرگوار، قرآن کریم کتاب زندگی است و تمامی آموزه های آن در راستای بیان روش زندگی و انتخاب بهترین گزینه ها برای یک زندگی همراه با نیک بختی و سعادت است. علت اساسی ازدواج از منطق و نگاه قرآن کریم بدست آوردن آرامش می باشد چرا که با ازدواج است که انسان به یک نوع آرامش و اطمینان خاطر می رسد. بنابراین کسانی که می گویند وقتی ازدواج می کنیم اول بدبختی و مشکلات است، در حقیقت ازدواج ننموده اند؛ چرا که هدف اصلی از ازدواج را قرآن به آرامش و امنیت رسیدن معرفی نموده است. چنان که خدای تعالی در این مورد فرموده است: **وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ** (1) یعنی: و از نشانه های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و میان شما و همسرانتان علاقه ی شدید و

ص: 18

---

1- سوره روم/آیه 21

رحمت قرار داد بی شک در این (نعمت الهی)، برای گروهی که می اندیشند نشانه های قطعی است. لذا باید گفت: وجود همسر که مایه آرامش زندگی است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می شود. این آرامش از اینجا ناشی می شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می باشند. بطوری که هر یک بدون دیگری ناقص و ناتمام است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد؛ و از اینجا می توان نتیجه گرفت، آن ها که پشت پا به این سنت الهی می زنند وجود ناقصی دارند. چرا که یک مرحله تکاملی آن ها متوقف شده (مگر آنکه به راستی شرائط خاص و ضرورتی ایجاب تجرد کند). به هر حال این آرامش و سکون هم از نظر جسمی و روحی و هم از جنبه فردی و اجتماعی است. بیماریهایی که به خاطر ترک ازدواج برای جسم انسان پیش می آید قابل انکار نیست. همچنین عدم تعادل روحی و نا آرامی های روانی که افراد مجرد با آن دست به گریبانند کم و بیش بر همه روشن است. از نظر اجتماعی افراد مجرد کمتر احساس مسئولیت می کنند و به همین جهت جنایات هولناک نیز از آن ها بیشتر سر می زند. هنگامی که انسان از مرحله تجرد گام به مرحله زندگی خانوادگی می گذارد شخصیت تازه ای در خود می یابد، و احساس مسئولیت بیشتری می کند و این است که معنی احساس آرامش در سایه ازدواج نمود پیدا می کند. (1)

آری این که در قرآن از کسی که ازدواج کرده، به «مُحصن و محصنه» تعبیر شده: «فاذا احصن. . .»، به جهت این است که زن و مرد، با ازدواج در حصن و

ص: 19

سنگر مستحکمی قرار می گیرند و خود را حفظ می کنند تا وسوسه های شهوانی در آنان اثر نگذارد؛ علاوه بر آن ازدواج، زمینه گناهان دیگر را نیز از بین می برد؛ زیرا پذیرفتن مسئولیت تامین و تربیت اولاد، انسان را به استفاده بهینه از عمر و او می دارد و برای گناه و معاشرت های گمراه کننده جایی باقی نمی گذارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: "من تزوج فقد احرز نصف دینه" با ازدواج، نیمی از دین صیانت می شود. در روایتی دیگر آمده است: بدترین مردم، کسانی اند که در تجرد به سر می برند.

بنابراین اسلام با در نظر گرفتن نیازهای واقعی و طبیعی انسان از یک سو و با عنایت به مصالح فرد و اجتماع از سوی دیگر، ازدواج را به عنوان بهترین راه و مناسب ترین شیوه برای تسکین و تأمین برخی از نیازهای بشر برگزیده است. آری اسلام، آدمی را به ازدواج توصیه فرموده و برای رسیدن به آرامش و ارضای غریزه جنسی و . . . انجام ازدواج را به وی سفارش نموده و حتی در مواردی که خطر انحراف و فساد وجود دارد؛ ازدواج را بر او واجب و ضروری می گرداند.

آری ای عزیز، غریزه جنسی، نیرویی است که در زن و مرد قرار داده شده و ازدواج، وسیله ای مجاز برای اطفای نیروی شهوت و پاسخی به این غریزه خدادادی است: «و الذین هم لفروجهم حفظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین» در حدیث آمده است: میان لذت های مادی و جسمانی در دنیا و آخرت، هیچ کدام به پایه لذت زناشویی نمی رسد؛ سپس امام به آیه 14 آل عمران استشهد می فرماید که در میان شهوات گوناگون، علاقه به زن را مقدم داشته است: «زین للناس حب الشهوت من النساء و البنین و القناطر المقنطره. . .»

قرآن این اندیشه افراطی که ازدواج مانع ترقی و تکامل معنوی و اخلاقی انسان است، را مردود و مغایر با روش معمول انبیای الهی دانسته است. چرا که در سوره رعد / آیه: 38 آمده است: «وَلَقَدْ اٰزَمْنَا رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ اَزْوَاجًا وَّ ذُرِّيَّةً. . .» ما پیش از تو (نیز) رسولانی فرستادیم و برای آنها همسران و فرزندان قرار دادیم.

خداوند متعال، زوجیت را در متن زندگی انسان قرار داده است و نیز طبق بیان قرآن، ازدواج وسیله ای برای تولید و بقای نسل در انسان است؛ آنجا که در سوره نحل آیه 72 می فرماید: از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه ها قرار داد. . . «و جعل لكم من ازواجکم بنین و حفده. "قرآن، بقای نسل انسان و اجتماع را به ازدواج منوط فرموده و روی آوردن به زنا و لواط را ناپود کننده راه بقای نسل می شمارد: «ولا تقربوا الزنی انه کان فاحشه و ساء سییلا»، «اِنَّکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل»؛ زیرا با رواج راه های نامشروع، رغبت به نکاح کم می شود؛ جاذبه اش از بین رفته و در نتیجه، آسان ترین راه های اشباع غرایز که نامشروع است، رایج می شود و هدف بقای نسل، رنگ می بازد.

البته این یک واقعیت است که ازدواج موجب گسترش نسل بشر است ولی درعین حال؛ از این آیه نمی توان فقط این نتیجه را گرفت که ازدواج موجب گسترش نسل بشر است، بلکه نعمت های خداوند را مانند دو آیه قبل از آن برای انسان ناسپاس تشریح می کند. از آنجا که ازدواج نقش اساسی در پاکدامنی انسان دارد و تداوم عفت بدون آن، با مشکلات بسیاری همراه است؛ بدین جهت از کسانی که توانایی ازدواج ندارند، خواسته شده است که از فرورفتن در لجنزار فساد خودداری نمایند و با خویشنداری، عفت خود را حفظ کنند، تا برای آنان امکان ازدواج فراهم شود. :

«وَلَيْسَ تَعْفِيفِ الدِّينِ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» کسانی که (امکانی برای) ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند.

آری ازدواج از نظر قرآن از چنان ضرورت و اهمیتی برخوردار است که هیچ چیز، حتی تهیدستی نمی تواند مانع انجام آن شود، چنان که می فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَأَمَانِكُمْ أَنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید. همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. بنابر این نگرانی از تنگ دستی، یکی از بهانه هایی است که برای گریز از ازدواج، مطرح می شود. قرآن، این گونه به انسان امیدواری می دهد: از فقر و تنگ دستی افراد مجرد نگران نباشید و در ازدواج آنها بکوشید. چرا که اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش، آنان را بی نیاز می سازد: «وَأَنْكِحُوا الْيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَأَمَانِكُمْ أَنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. . .» برخی گفته اند: مفاد این آیه، وعده خداوند به غنا و بی نیازی است برای کسانی که تشکیل خانواده دهند. روایاتی نیز این معنا را تایید می کند. در حدیثی، امام صادق (علیه السلام) ترک ازدواج به سبب ترس از گرسنگی را سوء ظن به پروردگار دانسته است؛ زیرا پس از وعده قرآن به توسعه رزق، نگرانی در این زمینه، جز بدگمانی به خدا نیست.

بنابر این کسانی که فکر می کنند ازدواج خود به خود یک عمل بد و شیطانی بوده و دارای ارزش منفی می باشد؛ باید بدانند که چنین فکری از نظر قرآن مطرود است.

چیزی که به اقتضای حکمت الهی در آفرینش انسان لحاظ شده و تدبیر الهی اقتضا کرده که تکثیر افراد انسان به این وسیله تحقق پیدا کند و . . . ، نمی تواند خود به خود دارای ارزش منفی باشد. این در واقع یک نوع هماهنگی، بین تکوین و تشریح و بین

نظام هستی و نظام اخلاقی است! یعنی نظام اخلاقی هیچ تنافی با نظام تکوینی ندارد؛ بلکه مکمل آن است. مع الوصف با توجه به آیات مزبور این نظریه که ازدواج و به دنبال آن، آمیزش زن و مرد فی حدّ نفسه یک عمل زشت و پلیدی است؛ قابل قبول نمی باشد.

چرا که یکی از ابعاد وجودی انسان، لذت جویی و سعادت طلبی است. یعنی هر انسانی بالفطره طالب خوشی و لذت جویی است. با این توضیح که لذت بردن انسان از راه های مختلفی حاصل می شود، بنابر این کثرت مجاری لذت، مربوط به قوای مختلف جسم و روح است. یعنی هر چه از مقام بساطت نفس به طرف مقام کثرت حرکت شود؛ جسم و روح دارای قوا و شؤون مختلفی می شود. از جمله وسایل یا مجاری و راه های التذاذ انسان، مربوط به علاقه به همسر و غریزه جنسی او می باشد. وجود این میل ها و کشش های درونی لازمه ساختمان روح انسان است و خود به خود نه دارای بار اخلاقی مثبت بوده و نه فی نفسه منفی می باشد. توضیح اینکه این میل فطری، خود به خود دارای ارزش مثبت و منفی نیست. بلکه میزان ارزشمندی آن در کیفیت و کمیت؛ بر می گردد به نوع نیت و هدفی که هر فردی در ازدواج دنبال می کند. یعنی هر چه هدف ارزشمندتر و نیت الهی و ازدواج برای رضای حق و به عنوان انجام تکلیف باشد؛ بار ارزشی آن افزونتر خواهد شد. تا آنجا که لحظه لحظه

ازدواج، همسرمداری و عملیات زناشویی بنا بر احادیث و روایات، ارزش عبادت پیدا خواهد کرد.

آری ای بزرگوار، وقتی که گزینه جنسی از راه صحیح و بصورت شرعی ارضا شود و در کنار آن روح پر اضطراب انسان اعتدال و آرامش یابد. بدون تردید حقایق زندگی را بهتر درک می کند و به سوی دین و سعادت خود، گام های بزرگ تری بر می دارد و قطعاً به فریاد خاموش درونش پاسخ مثبت خواهد داد.

بدون شک کانون ازدواج یک کانون میمون و مبارک در قرآن بوده و یکی از سنت های ارزشمند اسلام به شمار می رود و این سنت نیکو علاوه بر ارضای جنسی و تولید نسل؛ باعث آرامش و بالندگی روحی و معنوی و تکامل انسان می گردد و به بیانی اگر به موقع و طبق ضوابط عقل و شرع انجام شود، باعث تقرب انسان به خدا و نزول خیرات و برکات می گردد. حقیقتی که در قرآن کریم همانگونه که به آن اشاره شد: "و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آن آرامش بیابید و در میانتان محبت و رحمت قرار داد." در آخر این آیه، خداوند، "محبت" و "رحمت" را دو رمز بقای آرامش به دست آمده در سایه ازدواج معرفی می کند. در اثر محبت قلبی به همسر، خلق و خوی شایسته در انسان ایجاد می شود و همین امر ملاک پایداری زندگی می گردد و اموری چون زیبایی ظاهری و مسائل مادی، در مرحله بعدی اهمیت قرار می گیرد.

گر چه زیبایی عزیز است بر بشر \*\*\* دین مداری بهتر است از هر نظر



همسر با دین بود محبوب حق \*\*\* زندگی را می کند شیرین چو زر

و ویژگی رحمت موجب چشم پوشی و گذشت از لغزش های همسر و دل سوزی و خیرخواهی در حق او می شود. در نتیجه، آرامش راستین بر زندگی همسران صاحب رحمت و محبت حاکم می شود. مع الوصف ازدواج، باعث بوجود آمدن مودت و رحمت بین زن و مرد می شود: «و جعل بینکم موده و رحمه. . .» آن چه در زندگی مشترک بین زن و شوهر، یگانگی برقرار می کند، رحمت و مودت می باشد. لذا آن دو به تعبیر قرآن، از نشانه های الهی و ضامن به پا ماندن بنای زندگی و تداوم وحدت بین زن و شوهر است.

لازم به ذکر است که برخی از افراد دچار سوء برداشت شده و آرامش خود را در ازدواج نکردن می دانند و حال آن که این برداشت بسیار غلط است. زیرا همانطور که اشاره شد خدای تعالی حفظ آرامش را در ازدواج نمودن می داند و نه این که انسان ازدواج نکند. چرا که مهمترین کارکرد ازدواج و تشکیل خانواده، تامین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است. فضای محدود و امن خانه، حریمی برای ابراز احساسات، بیان اسرار، ارضای غرایز و تامین نیازهای جسمی و روحی انسان است. این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می دهد و می فرماید: و الله جعل لکم من بیوتکم سکنا: خداوند از خانه های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرار داد. (1) واژه سکن به معنای هر چیزی است که

ص: 25

انسان به وسیله ی آن تسکین یابد. (1) انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رها شدن از برخی قیودات اجتماعی، استراحت به نحو دلخواه، خلوت کردن با محارم و راز و نیاز با خدا نیاز دارد. اگر خانه تامین کننده این نیازها نباشد، مسکن نخواهد بود. بنابراین لازم است که در خصوص اهمیت خانه و خانواده در ادامه بیشتر صحبت شود.

خانواده وفق سنت در جهان \*\*\* بوده اصل و هم اساس در ملک جان

یا که بنیانش همی محکم بدان \*\*\* این حکایت را تو در قرآن بخوان (2)

چون که باشد خواست هر روح و روان \*\*\* در صراط حق چو جامی در فشان

گر کنی حفظش بدان در هر زمان \*\*\* می شوی شاد و شوی دور از فغان

همسر و فرزند بدون هر گمان \*\*\* می شوند آرام و گیرند صد نشان

ص: 26

---

1- مفردات راغب، ماده سکن

2- خداوند در قرآن می فرماید: « وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ » (روم، 21) و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است. و نیز آمده است که محکم ترین بنا نزد خدا، خانواده است.

گر چه در دنیا تمام مفسدان \* با شبیخون در عیان و هم نهان  
می کنند تهدید همه پیر و جوان \* در زمین و هم ز اوج آسمان  
از درون و هم برون او همچنان \* با چت و اینترنت و مثل همان  
یا که با ماهواره و فارسی ی وان \* غیرت و دین را کند هر دم خزان  
گر تو می خواهی همی گیری امان \* کن توکل بر خدای مهربان  
شو مسلح با نماز و هم اذان \* تا شوی فارغ ز مکر این و آن  
چونکه ایمان حافظ است همچون شبان \* باز و می دارد تو را از نا کسان  
حرمش را پاس و دار در کهکشان \* گر که می خواهی روی تا آن کران  
خانواده در دل پیغمبران \* برتر است از آنچه آید بر زبان  
کن ز آسیبها رها در هر مکان \* تا شوی راحت ز شرّ ملجدان

زن و شوهر هر دو همچون دلبران\* از همان خانه روند سوی جنان

با گذشت و عشق و ایثار و بیان\* تا ثریا می روند با صد توان

حق فرزند و عیال و خانمان\* کن ادا اندر نهان و هم عیان

این حقیر گوید به هر خرد و کلان\* کن حفاظت خانه را از شوکران(1)

اسلام برای خانواده قداست و منزلت خاصی قایل شده است؛ به نحوی که بنا و نهادی با آن قابل مقایسه نیست. تعبیراتی که در قرآن و روایات در باره خانواده بکار رفته است، به خوبی این مدعا را روشن می‌نماید. در فرهنگ قرآن، همانطور که اشاره شد هدف اصلی از ازدواج رسیدن به آرامش روان و آسایش خاطر، پیمودن طریق رشد، نیل به کمال انسانی و تقرب به ذات حق است.(2) و این بدست نمی‌آید مگر از طریق انتخاب درست و در دامن همسران برتر. نه با ازدواج گریزی می‌توان به

ص: 28

1- ای عزیز بزرگوار، اگر همسران متوجه گردند که خالق عشق و محبت؛ چه سرمایه عظیمی تحت عنوان مودت و رحمت، در خانواده ایجاد فرموده و برای لحظه لحظه آن ارزش والایی همانند عبادت قرار داده و آنرا نخستین هدیه الهی برای یک زوج معرفی و تسکین و آرامش آدمی را با آن عین نموده است، به سادگی آن را از بین نمی‌بردند و پیوسته برای حفظ آن تلاش می‌کردند و با کمی گذشت با رفتار و گفتار صحیح این پیوند عاطفی را تقویت می‌نمودند. تا سعادت دنیا و آخرت خود را با آرامش کامل در پرتو آن تضمین نمایند. اما در نهایت تاسف احساس می‌شود که خیلی از همسران نسبت به عظمت این موهبت الهی غافل و یا خیلی کم توجه هستند؛ چرا که این حقیر در جلسات آموزش خانواده که در سالهای متوالی تحت عنوان بهداشت روانی و زناشویی برای همسران در شهرهای مختلف داشتم. بنا بر اذعان و اعتراف خودشان به این نتیجه رسیدم که متأسفانه جمع کثیری از همسران نسبت به ابتدایی ترین توصیه ها و سفارشات اسلام عزیز در خصوص خانواده و مسائل زناشویی و همسراری علم و آگاهی ندارند.

2- افروز، غلامعلی، همسران برتر، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، چاپ اول، 1377، ص 24.

آسایش و آرامش دست یافت و نه با ازدواج های نابرابر و طلاق های متعدد و متنوع. (1) قرآن شریف می فرماید: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا. (2) یعنی «او خدایی است که (همه و) شما را از یک فرد آفرید. و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید.» خود ازدواج باید آرامش روح و زندگی را به همراه داشته باشد و این بدست نمی آید، مگر در سایه تفاهم و درک درست از همدیگر و زندگی. در واقع اساس زندگی بر انس و الفت استوار است. (3) خدای

سبحان، در آیه 21 سوره مبارکه نساء، از پیوند ازدواج که موجب تشکیل خانواده می شود به «میثاق غلیظ» یا پیمان محکم یاد نموده است. در آیه 72 سوره مبارکه نحل، خانواده «نعمت الهی نامیده شده است. و نیز رسول گرامی اسلام آن را محبوب ترین و عزیزترین بنا نزد خدای سبحان توصیف کرده و فرموده است: «مَا بَيْنِي فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّرْوِيجِ» (4)

حال وقتی که این تعریف و تمجید را از کانون خانواده در معتبرترین متون دینی، یعنی در قرآن و سنت می بینی، باید از خود بپرسی که مگر خانواده چه فایده و کارکردی دارد که چنین از آن ستایش شده است. برای پاسخ به این پرسش، کافی است به ظاهر برخی از آیات با تامل و دقت لازم توجه فرمایی.

الف. از نظر قرآن، خانواده «فراموش خانه رنج های روزانه» است. در آیه 21 سوره مبارکه روم، خانواده به اعتبار وجود همسر در آن، مایه سکون و آرامش معرفی

ص: 29

---

1- مراجعه شود به کتاب امامی، حقوق مدنی. ج 5.

2- اعراف: 189.

3- تفسیر نور، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ اول، 1375. ج 4، ص 255

4- نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 153.

گردید. آنجا که فرمود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...». تعبیر «لتسكنوا» آیه فوق مبین علت خلقت همسر برای انسان است. در این تعبیر، حرف لام، تعلیل را می‌رساند و «تسكنوا» علت آفرینش زن و مرد برای یکدیگر است. بنابراین، انسان در کنار جنس مخالف (همسر) آرامش می‌یابد. و «مَسْكَن» به معنای محل آرامش و سکون است. روشن است که این خصوصیت نه از «خانه» بلکه از خانواده است.

ب. خانواده مأمنی برای ارضای مشروع غریزه جنسی است. دین اسلام با سرکوب نیاز جنسی مخالف بوده و آن را مذمّت کرده است. از سوی دیگر، از رها بودن انسان از نظر جنسی و بی بند و باری نیز مخالفت کرده است. اسلام خواستار تعدیل نیاز جنسی و ارضای صحیح و مشروع آن است. بدین منظور، ازدواج را یگانه راه ارضای غریزه جنسی می‌داند. (1)

ج. خانواده کانون مهر و محبت است. خانواده نیاز انسان به دوست داشتن و محبوب واقع شدن را تأمین و تضمین می‌نماید؛ زیرا خداوند میان زوجین مودت و محبت برقرار نموده است. تعبیر «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» در آیه 21 سوره مبارکه روم، می‌فهماند که زن و شوهرها، باید این نعمت را قدر بدانند و از آن مراقبت کنند و از هر چه که ممکن است این رابطه عاشقانه و عاطفی را تهدید نماید اجتناب نمایند. د. خانواده بقای نسلی متمایز را تضمین می‌نماید. (2) و کانون پرورش نسل صالح است. (3)

ص: 30

---

1- آیات 32 و 33 سوره نور و آیه 223 سوره بقره

2- آیه 72 سوره مبارکه نحل

3- آیه 6 سوره تحریم

آری ای عزیز، در قرآن، خانواده محبوب ترین بنیاد اجتماعی معرفی گشته است. برای آن که ارزش و قداست این بنیان محبوب پابرجا و محفوظ بماند، خدای متعال برای هر یک از اعضای خانواده، تکلیف، وظایف و حقوقی (1)

تعیین کرده است که رعایت آن ها، موجب دستیابی خانواده به آرامش و آسایش، خواهد شد. کارکردهایی که در فوق بیان گردید، خانواده را یک «نهاد بی بدیل» ساخته است. به عبارت دیگر، نقش خانواده در تامین نیازهای طبیعی زوجین به گونه ای است که هیچ چیز نمی تواند جانشین آن گردد. اگر نیاز زن و مرد به یکدیگر تنها برای ارضای غرائز جنسی باشد، این مقصود در روابط آزاد جنسی نیز تامین می شود و تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت های آن بیهوده می نماید. ارتباط غیرمشروع با جنس مخالف، میل جنسی انسان را برای لحظات کوتاهی برآورده می سازد ولی به هیچ وجه قادر به ایفای کارکردهای فراوان خانواده نمی باشد، بلکه زیان های جبران ناپذیری را نیز به دنبال دارد و به همین دلیل اسلام برای آن مجازات های سنگینی را پیش بینی نموده است.

هم جنس گرایی نیز که امروزه در برخی کشورهای به ظاهر متمدن صورت قانونی به خود گرفته است، خود داستان دیگری دارد. قرآن کریم، این نوع رابطه را نیز با ذکر داستان قوم حضرت لوط نبی تقبیح نموده و آنان را به خاطر این عملشان، قومی نادان، مسرف، مفسد و ستم پیشه نامیده است. بدین ترتیب، آنان که در تلاشند برای خانواده جانشینی نشان دهند، بی گمان به بی راهه می روند. آری ای عزیز معتقد و مقید:

ص: 31

دان که همجنس بازی در سر و عیان \* ظلم وافر بوده بر روح و روان  
هر گه گردد اهل آن در هر زمان \* می شود خوار و ذلیل بی هر گمان  
آن که وحشی بوده و دور از آنان \* می کند دوری ز همجنسش بدان  
چون که حیوانی نیابی در جهان \* کین چنین با مثل خود کرده چنان  
همسری که بوده پر عشق و نشان \* بهر چه محروم و گردد از جنان  
حیف انسانی که با داد نهران \* راه کج را هی رود تا آن کران  
از هوس بگذر چو آن پیر مغان \* تا شوی راحت ز شرّ این و آن  
ذات هر موجود رود سوی همان \* جفت خود که می برد درد و فغان  
دان زن و شوهر ز هم گیرند توان \* طبق حرف خالق هفت آسمان  
هر دو تسکین هم اند در هر مکان \* می دهند آرامشی فوق بیان



از زناشویی خود با صد نشان \* می برند حظّی که ناید بر زبان

کارشان باشد عبادت همچنان \* عکس همجنس بازی با خرد و کلان

داد خاموش همه پیر و جوان \* همسر حق را همی خواهند ز خان

قوم لوط کردند ستم بر جسم و جان \* بر خلاف داد موسی و شبان

این حقیر گوید به مردان و زنان \* همسران واقعی آرند امان دان

با توجه به آنچه بیان گردید، حراست از خانواده امری لازم و مقدس و تلاش در جهت تقویت و تحکیم پیوندهای خانوادگی قابل ستایش است. بگونه ای که اسلام عزیز برای آن، پاداشی معادل جهاد در راه خدا قایل شده است. روایت «تلاش کننده برای خانواده مانند مجاهد در راه خدا است»<sup>(1)</sup> و نیز حدیث «جهاد زن خوب شوهرداری کردن است»<sup>(2)</sup> دشواری و ارزشمندی کار زوجین در همسررداری را به خوبی بیان می نماید؛ زیرا جهاد امری پرمشقت ولی با ارزش است. در مقابل، انحلال خانواده امری نکوهیده است. دین مبین اسلام طلاق را «حلال مَبْغُوض» نامیده است. در این صورت، زن یا شوهری که با کارش موجب سستی بنیان خانواده یا انحلال آن گردد، عمل وی مَبْغُوض و منفور است. بیگانه

ص: 33

---

1- کلینی، الکافی، ج 5، ص 88.

2- همان، ج 5، ص 9.

ای نیز که در جهت خلاف مصالح خانواده حرکتی نماید یا سخنی بگوید، خداوند را به خشم آورده است. مع الوصف ای همسر با وفا:

گر وفا باشد نیاز روح و جان \* بهر حفظش کن تلاش با صد توان

با وفا گردی عزیزم و ناز و شاد \* چون طلاق آرد همی درد و فغان

### **فلسفه وجود غریزه جنسی و تبعات آن چیست؟**

نیک و می دانی غرایز سر به سر \* داد خاموش نهان است در بشر

گر که خواهی کنترل گردند ز شر \* با خدا باش و جدا شو از خطر

یکی از قدرتمندترین نیازها و غرایزی که در انسان وجود دارد غریزه جنسی است. نیاز جنسی مانند نیاز به آب و غذا از نیازهایی است که باید از روش صحیح ارضاء گردد. برای دستیابی به پاسخ پرسش فوق توجه جنابعالی را به نکات زیر معطوف می نماید:

1- حکمت غریزه جنسی در بشر: استمرار و بقای موجودات زنده برخوردار از حکمت و فلسفه ای است که در اصل وجود آنان بوده است و خداوند حکیم و مهربان، میل به جنس مخالف را در وجود انسان قرار داد تا احساس لذت کرده و به انگیزه ارضای این خواست طبیعی خود، اقدام کنند.

2- خطرات شهوت گرایی: میل به لقاح که در اصل آفرینش به جهت تأمین بقای موجودات زنده، در نهاد آنها به ودیعت سپرده شد، آن گاه که در اختیار بشر قرار

گرفت، با سوء استفاده از آن، در جهت هلاکت و تباهی او نیز به کار رفت. چرا که ای عزیز، اگر این غریزه، رها شود، همچون موریانه که بی رحمانه بر درختان تناور هجوم می آورد و از درون آنها را پوک و تهی می سازد، جسم و جان آدمی را به تحلیل برده و رفته رفته به ویرانی و سقوط می کشاند. آری ای بزرگوار، شهوت جنسی، غریزه ای بسیار مقتدر و بی رحم است که اگر با بی بند و باری پیروی شود، تمام قوای انسانی را مقهور خویش می سازد. نیروی جسمانی و مغز و اعصاب را به سرعت رو به تضعیف می برد، ذهن را مسموم، اندیشه را مغشوش و قدرت تصمیم گیری و اراده بشری را تباه می کند. مع الوصف ای خوب، پیروی بی چون و چرا از این غریزه، همت آدمی را پست، فکر را نزدیک نگر و محدود و شخص را در مواجهه با مشکلات حیات و فراز و نشیب های آن ناتوان و علیل می کند و قلب را که می تواند حرم خداوند و جایگاه او گردد، به لانه ی شیطان و جولانگاه ابلیس تبدیل می سازد. سخن گران بهایی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که آن حضرت فرمودند: «پس از خود از سه چیز بر امت خود نگرانم: گمراهی و انحراف پس از معرفت و هدایت؛ حوادث و وقایع گمراه کننده و شکمبارگی و شهوترانی»<sup>(1)</sup>

3- راه حل اصلی بحران: همان طور که اشاره شد، حکمت از غریزه جنسی استمرار و بقای نوع بشر است و لذا مطلوب ترین نوع مواجهه با آن و بهترین راه حل مقابله با آن، ازدواج است. انسان با نکاح به موقع و در وقت نیاز، به نیازمندی خویش پاسخ مثبت می دهد و پیش از آن که به عواقب و پی آمدهای آن دچار گردد، با پاسخ طبیعی و مشروع بدون اضطراب و نگرانی آن را فرو نشانده است و این نخستین

ص: 35

توصیه دین در این مورد است. رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) می فرمایند: "ای جمعیت جوانان هر کس از شما توانایی ازدواج دارد ازدواج کند. . . (1)"

و نیز از حضرت صادق(علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: مردی به محضر پدرم - که درود خدا بر او باد - رسید، آن حضرت به او فرمود: آیا همسری داری؟ عرض کرد: نه! پدرم فرمود: من دوست ندارم همه دنیا و آنچه در آن است از آن من باشد در حالی که یک شب را بی همسر، سر به بالین گذارم! سپس فرمود: دورکعت که مرد متأهل به جای آورد بهتر است از مرد بی همسری که شبش را به نماز قیام کند و روزش را با روزه تمام کند. آن گاه پدرم هفت دینار داد و گفت: با این پول ازدواج کن. سپس پدرم از رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) نقل کرد که فرمود: برای خود تشکیل خانواده دهید که برای روزی شما بهتر و مفیدتر است. (2)

4- کنترل: اگر برای کسی به هر دلیلی امکان ازدواج نباشد، چنین شخصی تحت هیچ عنوان مجاز نیست روی به گناه آورد. زیرا خطر گناه و الوده دامنی بسیار فراتر از فشارها و رنج های بی همسری است و در صورت خوف وقوع در گناه، ازدواج به هر صورت ممکن واجب می شود و لذا چنین کسی یا باید خود را کنترل کند و یا مقدمات ازدواج خود را از هر راه ممکن فراهم آورد. قرآن کریم می فرماید: ولیستعفف الذین لا یجدون نکاحا و باید آن کسانی که ازدواج برایشان مقدور نیست عفت بورزند. (3) ای عزیز مومن، کنترل این غریزه، به دو صورت ممکن است تحقق پذیرد:

ص: 36

---

1- مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج 2، باویا مقدمات نکاح، ص 531، ح 21

2- وسائل الشیعه، انتشارات مکتبه الاسلامیه، ج 14، ص 7

3- سوره نور، آیه 33

الف- کنترل منفی: غالباً وقتی سخن از کنترل غریزه جنسی به میان می آید، توجه اشخاص به سمت و سوی نوع منفی آن جلب می شود و آن این است که کسی با وجود تحریکات مختلف و مواجهه با عوامل انگیزش این غریزه، بخواهد با میل تحریک شده اش مبارزه و مقابله کند و به سوی ارتکاب جرم نرود، چنین کاری گرچه قطعاً بهتر از آرایش دامن و عمل به جرم است، ولی پیامدهای سوء و مخرب آن بر کسی پوشیده نیست. این کار هم به غایت دشوار است و هم زیانبار و بدین جهت هرگاه شخصی به کنترل غریزه سفارش می شود با چنین برداشتی از آن و تصور دشواری و زیانباری آن، از پذیرفتن چنین توصیه هایی سرباز می زند.

ب- کنترل مثبت: غریزه جنسی اگر با ازدواج مهار نگردد، مطلوب ترین راه تسلط بر آن، کنترل مثبت است و آن پرهیز از صحنه ها و کارهایی است که به تحریک این غریزه می انجامد. این نوع از کنترل، که در حقیقت جنبه ی پیشگیری دارد هم راحت

است و هم بی زیان و بلکه مفید. راحت است، زیرا در این صورت همچون وسیله نقلیه ای است با سرعت معمولی و قانونی که در مواجهه با خطر، مهار حرکت آن زحمت چندانی ندارد. مع الوصف کنترل غریزه، فشاری بر جسم و روان تحمیل نمی کند تا به آن صدمه ای وارد شود و مفید است چون موجب می شود مغز و اعصاب و قوای بدن در حالت عادی به سر برند و تعادل روانی شخص محفوظ بماند و انرژی و سرمایه های جسمی و روحی او بیهوده مصرف نشوند. در اینجا نظر جنابعالی را بطور خلاصه به راه کارهایی چند برای کنترل مثبت و جلوگیری از تحریک شهوت جنسی مخصوصاً رفتار پر خطری همچون خودارضایی که جسم و روح را می آزارد معطوف می نماید.

1. تقید به عبادات و واجبات مخصوصاً نماز و انجام مستحبات و توکل به خدا، دعا، توسل به اهل بیت - علیهم السلام
2. پرهیز از چشم چرانی و دوری از نگاه به نامحرم. (کنترل چشم ها، گوش ها و ذهن)
3. انتخاب دوستان سالم و صالح، افرادی که به شما روحیه دهند و افکار مثبت القاء کنند نه افرادی که دائماً زمینه های تحریک جنسی را فراهم کرده و از نقص ها و کاستی ها بگویند. و آیه یأس بخوانند.
4. اجتناب از تماشای فیلمهای تحریک کننده، پرهیز از دیدن عکس های شهوت انگیز، مناظر محرک و نخواندن کتاب ها و رمان های عشقی و . . . )
5. پرهیز از شوخیهای جنسی و محرک.
6. رژیم غذایی مناسب، بیشتر روزه گرفتن و پرهیز از غذاهای پرکالری و تند. یا کم کردن غذاهای تحریک کننده جنسی، پرهیز از لباس های تنگ.
7. اجتناب از خلوت با زنان و مردان نامحرم.
8. داشتن برنامه ای همه بعدی در زندگی (کار - فعالیت های هنری. . . معاشرت با اقوام و دوستان)
9. تفکر نکردن درباره مسائل جنسی و منحرف کردن فکر از آنها. 10. ورزش و تلاش جسمانی به بیانی تحرک داشتن و انجام فعالیت های مختلف ورزشی. چون ورزشکاران مقدار فراوانی از انرژی های فکری و بدنی خود را به ورزش اختصاص می دهند به همین دلیل برای جلوگیری از تحرکات جنسی برنامه ورزشی بسیار مهم است.



### آیا می توان نیاز های شهوانی خود را از هر طریق ارضاء نمود؟

الهی جان من را پاک و گردان \* ز شهوت های حیوانی ی دوران

کمک کن تا کنم خود را مهیا \* برای حفظ خود از دام شیطان

ای عزیز با اراده، همه پزشکان و روانشناسان معتقدند برای ترک هر نوع عادت قبل از هر چیز اراده و تصمیم لازم است و این موضوع را اصلاً نباید دست کم بگیری. در وجود تو نیازهای متعددی وجود دارد و هر کدام از اینها در موقع خاص باید ارضاء شود. ولی راه ارضاء این نیازها باید منطقی و شرعی باشد و باید طوری باشد که به ارزشهای اخلاقی و دینی ات لطمه نزنند و اگر زمینه ارضای نیازی در جامعه به طور عقلانی برایت وجود نداشته باشد. باید ارضاء آن نیاز را به تأخیر اندازی؛ مثلاً یکی از نیازهای اساسی ات نیاز به غذاست و اگر توانایی برآورده ساختن این نیاز را به طور مطلوب نداشته باشی، باید به حداقل آن اکتفا کنی و حق

نداری برای ارضای آن به اموال دیگران تعدی کنی. نیاز به ازدواج هم یکی از نیازهای روحی و جسمانی تو می باشد؛ ولی اگر شرایط مهیا نبود باید آن را به تأخیر اندازی تا زمینه لازم برایت فراهم گردد و با راهکارهایی که برای جلوگیری از تحریک شهوت وجود دارد، شهوت جنسی خود را کنترل نمایی. البته ای عزیز توجه داشته باش که شما اراده داری و می توانی تصمیم بگیری؛ انتخاب کنی؛ در افکار خود تغییر ایجاد کنی و سیستم و نظام باورهایت را دوباره تنظیم کنی. هرگز فکر نکن این مشکل مخصوص توست. در حال حاضر با توجه به اینکه بنابر علل مختلف سن ازدواج بالا رفته؛ افراد زیادی، چه دختر و چه پسر، با این مشکل روبرو هستند. مع الوصف توجه داشته باش که در کنترل شهوت و تمامی مشکلات زندگی، اراده شما حرف اول و آخر را در حل مسائل می زند. پس تلاش کن تا اراده ای قوی داشته باشی. باید اراده را تقویت نمود و به گفته بزرگان باید تلقین را بصورت چندین روز پشت سر هم انجام داد. همه روزه در محل آرامی که چیزی فکرت را به خود مشغول نسازد؛ فکر خود را متمرکز ساخته و به خود تلقین نما و از مطالعه کتابهای روانی برای تحکیم و رشد شخصیت خود غفلت نکن. قصیده زیر بدون هر گونه توضیح می تواند الگویی باشد برای نوجوانان عزیز:

دختری بودم که گشتم بی نشان \* گمره و آلوده تن با صد فغان

فخرمن بودش همان رنگ و لباس \* در فضایی که شدم هر دم خزان

یا که زیبایی و تحصیلات و مال \* افتخارم بوده اندر آن زمان

با چنین فکری شدم بی بند و بار \* با چت و اینترنت و مثل همان



یا که با موی سر و وضعی خراب \* راه شیطان را همی رفتم چنان  
یا که با لبخند و آن چشم خمار \* منحرف کردم هزار و یک جوان  
تا شدم خوار و ذلیل و بی بها \* در سراپی که نشد یک دم عیان  
در چنین حالی شنیدم از خواص \* داد خاموشت همی گوید بدان  
عفت و پاکی بود راه کمال \* راه خوشبختی و هم راه جنان  
ارزش تو برتر است در این جهان \* از هر آنچه بوده در هفت آسمان  
کم فروشد جان و تن آن بی حجاب \* چون که قدرش بوده والا و گران  
مرد با غیرت همی خواهد حجاب \* بوالهوس باشد همیشه چشم چران  
گر شوی بی بند و بار و کم حجاب \* می کنی بر خود ستم بی هر گمان  
چون که برگشتم به خود با حال زار \* راه حق گردید برای من عیان(1)  
فطرتم بیدار و زد من را صدا \* با همان داد خموش از عمق جان  
قدر خود پیدا و گشتم شاد شاد \* با حجایی که بود یک ارمغان  
حال که گشتم آگه از سرّ حجاب \* آن حجایی که بود خواست نهان

ص: 41

باتو دارم یک سخن ای دخت ناز \* تا شود درسی برای این و آن  
دان عفاف و پوششت در هر زمان \* خواست مولا بوده و روح و روان  
گر که می خواهی شوی آرام و ناب \* در عمل شو با حجاب نه با بیان  
چون که این باشد همان راه خدا \* بر تو آرد روز و شب صدها امان  
الگوی تو دخترم اندر حجاب \* دخت پیغمبر بود در هر مکان  
بی حجابی ای عزیز با وفا \* همچو سدّیست در برت تا آن کران  
پس حقیر گوید به دخترهای ماه \* راه عفت را روید با صد توان

تصویر



### تفاوت عشق و هوس در چیست؟

وای چه گرداب عجیبی است عشق \* منظره ی شوق عظیمی است عشق

ص: 42

ای عزیز بزرگوار لطفاً به این حکایت خوب توجه فرما: زنی از خانه بیرون آمد و سه پیرمرد را با چهره‌های زیبا جلوی درب منزل دید به آنها گفت: « من شما را نمی‌شناسم ولی فکر می‌کنم گرسنه باشید، بفرمائید داخل تا چیزی برای خوردن به شما بدهم» آنها پرسیدند: « آیا شوهرتان خانه است؟ زن گفت: نه، او به دنبال کاری بیرون از خانه رفته. آنها گفتند: « پس ما نمی‌توانیم وارد شویم منتظر می‌مانیم» عصر وقتی شوهر به خانه برگشت، زن ماجرا را برای او تعریف کرد. شوهرش به او گفت: برو به آنها بگو شوهرم آمده، بفرمائید داخل زن بیرون رفت و آنها را به خانه دعوت کرد. آنها گفتند: « ما با هم داخل خانه نمی‌شویم» زن با تعجب پرسید: « چرا!!» یکی از پیرمردها به دیگری اشاره کرد و گفت: « نام او ثروت است.» و به پیرمرد دیگر

اشاره کرد و گفت: « نام او موفقیت است. و نام من عشق است، حالا انتخاب کنید که کدام یک از ما وارد خانه شما شویم»

زن پیش شوهرش برگشت و ماجرا را تعریف کرد. شوهر گفت: « چه خوب، ث-روت را دعوت کنیم تا خانه مان پر از ثروت شود!» ولی همسرش مخالفت کرد و گفت: « چرا موفقیت را دعوت نکنیم؟» فرزند خانه که سخنان آنها را می‌شنید، پیشنهاد کرد: « بگذارید عشق را دعوت کنیم تا خانه پر از عشق و محبت شود.» مرد و زن هر دو موافقت کردند. زن بیرون رفت و گفت: « کدام یک از شما عشق است؟ او مهمان ماست عشق بلند شد و ثروت و موفقیت هم بلند شدند و دنبال او راه افتادند. زن با تعجب پرسید: « شما دیگر چرا می‌آیید؟» پیرمردها با هم گفتند: « اگر شما ثروت یا

موفقیت را دعوت می کردید، بقیه نمی آمدند ولی هر جا که عشق است ثروت و موفقیت هم هست» بله... با عشق است که می توانید هر چیزیکه می خواهید به دست بیاورید. البته این عشق با هوس تفاوت دارد. چرا که:

1- عشق معطوف به غیر از خود است، در حالی که محور هوس خود فرد و لذت اوست. به بیانی در عشق، توجه به حالت ها و لذت های خود مدنظر نیست و خواست و شرایط معشوق جایگزین خودخواهی فرد می شود.

2- هوس، پاسخ به یک نیاز جسمانی و روانی است، مثل نیاز به آب، اکسیژن یا غذا، ولی عشق فراتر از یک چنین نیازی است. عشق راهی برای رشد و خودشکوفایی فرد است، لذا فرد عاشق خود را خوار و کوچک نمی کند. عشق عزت و احترام دارد و این احترام از روی بی نیازی و بزرگی عشق حاصل می شود.

3- عشق محدود کننده و زندانی کننده ی معشوق نیست، عشق آزاد کننده است. اگر فردی را مجبور کنیم که همه ی علایق، سلیقه ها و تفکراتش را فقط متوجه ما کند و فقط به ما بیندیشد، او را محدود به خودمان کرده ایم، نه اینکه عاشق خود کرده باشیم. در واقع این عشق نیست، یک هوس است و ما را وابسته به شخص دیگری کرده است.

4- عشق با بدبینی و سوء ظن همراه نیست، عشق یک اعتماد است و اطمینان است و پس از شناخت رفتار، گفتار و احساسات معشوق و به جهت یک آگاهی عمیق به وجود می آید. لذا ابتدا اعتماد به وجود می آید و بعد عشق منعقد می شود. عاشق، خود را ملزم می داند که حریم عشق و معشوق را رعایت کند و

هنجارها را به نفع لذت خود نمی شکنند. عاشق در پی کام گرفتن از معشوق، پیش از آنکه این حریم کامل و رسمی شود، نیست. باید کانون خانواده شکل بگیرد و انعقاد پیمان زناشویی انجام پذیرد و طرفین مسئولیت زندگی و تعهد کامل را نسبت به هم بپذیرند. هر گونه خلوت، و ارتباطی که جنبه ی لذت جویی داشته باشد (قبل از تعهد کامل زناشویی و در چاقوب قانون)، صرفاً آسیب پذیری عشق را به همراه دارند و این، آزمودن عشق نیست، بلکه سیراب کردن هوس و عطش شهوانی است.

7- عشق پیش نیاز لازم دارد. یعنی فرد باید رشد کند و مراحل بگذرد تا نوبت به عاشق شدن برسد. کسی که هنوز با والدینش درگیر است، با همکارانش سازگاری ندارد، رابطه ی صمیمانه یی با دوستانش ندارد، افسرده و مضطرب است، تصمیم های مهمی در زندگی نگرفته یا به اجرا دریاورده است، از این

شاخه به آن شاخه می پرد، هدف زندگی خود را شفاف ترسیم نکرده است و حتی در انتخاب هنجارها، به انتخاب ثابتی برای وضع ظاهری، پوشش و نحوه ی رفتارش نرسیده و مردد است و روز به روز شکل به شکل می شود و هویت خود را نیافته است، چگونه می تواند عاشق باشد. لذا عشق پس از بلوغ عاطفی، اجتماعی، فکری، روانی و... پیدا می شود، در غیر این صورت فقط هوس خامی بیش نیست.

8- عشق باید یک وحدت و یکپارچگی بین شما، آدم ها و همه ی هستی ایجاد کند. اگر رابطه ی دختر و پسری، با پنهان کاری، تعارض، درگیری با دیگران، احساس گناه، اضطراب، تردید، قطع روابط اجتماعی با دیگران مشکل در شغل،

تحصیل، روابط خانوادگی و... همراه است باید مطمئن شد که هوس، خود را به جای عشق به آنها معرفی کرده است و چنین شروعی برای یک رابطه، پایانی به مراتب دردناک تر و فجیع تر به همراه دارد.

تصویر



### پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) در خصوص ازدواج و اهمیت آن چه فرموده اند؟

شب عقد است و همسر در کنارت \*\*\* سکون جان بود در کاروزارت

به سنت می روی راه خدا را \*\*\* به غیر از آن، تباه است روزگارت

در خصوص اهمیت ازدواج علاوه بر آیات قرآن که به برخی از آنها اشاره شد، احادیث و روایات فراوانی از معصومین (علیهم السلام) وجود دارد که در اینجا فقط بعنوان نمونه نظر جناب عالی را به روایات مشهور و ارزشمندی از منابع معتبری همچون: نهج الفصاحه، المستدرک، و سائل الشیعه، بحار الانوار، محجه البیضاء، میزان الحکمه، کنز العمال، مکارم الاخلاق، اصول کافی، فروع کافی از زبان پیامبر رحمت و مهربانی معطوف می نماید:

ص: 46

1- "هیچ کانونی در اسلام بر پا نشده است که نزد خداوند از کانون ازدواج محبوبتر و عزیزتر باشد." 2- "کسی که ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است" 3- "ازدواج سنت من است، پس هرکس از سنت من روی گردان شود از من نیست." 4- "پست ترین مردگان شما افراد بی همسرند." 5- "وقتی کسی که خلق و دین وی مایه رضایت است به خواستگاری می آید، به او زن دهید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد در زمین فراوان خواهد شد." 6- "وقتی خداوند خواستگاری زنی را به دل کسی انداخته باشد، مانعی نیست که او را بنگرد."

7- "وقتی اشخاص همشان برای خواستگاری پیش شما آمدند؛ دختران خود را شوهر دهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید." 8- "اگر کسی زنی را خواستگاری کرد و موی خود را رنگ می بندد باید به او خبر دهد که موی خود رنگ می بندد." 9- "زن برای دین و مال و جمالش گیرند، زن دین دار بجوید."

10- "برای نطفه های خود جای مناسب انتخاب کنید، زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می آورند." 11- "به اشخاص همشان زن بدهید و از اشخاص همشان زن بگیریید و محل نطفه های خود (زنان خود) را به دقت انتخاب کنید." 12- "زن را برای چهار چیز گیرند: مال؛ شرف، جمال و دین؛ و تو زن دین دار بجوی" 13- "دو رکعت نماز شخص زن دار بهتر از هفتاد رکعت نماز عزیزست." 14- "هر که زن بگیرد یک نیمه ایمان خویش را کامل کرده، از خدا درباره نیم دیگر بترسد." 15- "هر که را خدا زنی پارسا داده، وی را بر نصف دین خویش یاری کرده و باید درباره نصف دیگر آن از خدا بترسد." 16- "هر جوانی در آغاز جوانی زن بگیرد، شیطان وی بانگ بر آورد، وای بر او، دین خود را از دستبرد من محفوظ داشت." (به شرط

رعایت آداب همسررداری) 17- "سه کار است که هر کس به اعتماد خدا و به انتظار ثواب کند، بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد: . . . و هر که به اعتماد خدا و به امید ثواب ازدواج کند بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد. . . " 18- "سه کسند که یاری آنها بر خدا لازم است: . . . و کسی که به منظور عفت زن بگیرد" 19- "نشانه میمنت زن این است که خواستگارش آسان و مهرش سبک باشد."

تصویر



### پرسش هایی در خصوص ازدواج و اهمیت آن از جوانان و پاسخ از معصومین (علیهم السلام)

پرس از معصوم ای جانانه من \*\*\* سولاتی ز جان از مرد و هم زن

ز ازدواج و کم و کیف همسر \*\*\* کنند بی شک حقایق بر تو روشن

ثمره معنوی ازدواج چیست؟ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: "هر که دوست دارد که پاک و پاکیزه خدا را دیدار کند، با داشتن همسر به

ص: 48



دیدارش رود. "1) و نیز فرموده اند: ازدواج کن، زیرا برکت و عفت در ازدواج است. (2)

## ازدواج چه جایگاهی در نزد خداوند دارد؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: "در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد، که نزد خداوند عز و جل محبوبتر و ارجمندتر از ازدواج باشد. (3)"

کیفر کسی که ازدواج نکند چیست؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: "ازدواج سنت من است؛ پس هر که از سنت من روی گرداند از (امت) من نیست. (4) و نیز فرموده اند "بیشترین اهل جهنم انسانهای بی همسر هستند. (5)"

با ازدواج، چه اندازه از دین حفظ می شود؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: "هر گاه کسی ازدواج کند، نصف دین را کامل کرده است و برای (حفظ) نصف دیگر باید تقوای خدا پیشه کند. (6)"

فرق متأهل خفته با مجرد عابد و زاهد چیست؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: "همسردار خفته، نزد خدا فضیلت دارد بر بی همسر روزه گیر شب زنده دار. (7)"

ازدواج کردن چه تأثیری در روزی و اخلاق آدمی دارد؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: "بی همسران خود را همسر دهید؛ زیرا با این

ص: 49

1- بحار الأنوار: 103 / 220 / 18 منتخب میزان الحکمه: 252

2- مستدرک الوسائل، ج 14، ص 162

3- بحار الأنوار: 103 / 222 / 40 منتخب میزان الحکمه: 252

4- بحار الأنوار: 103 / 220 / 23 منتخب میزان الحکمه: 252

5- من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 251

6- کنز العمال: 44403 منتخب میزان الحکمه: 252

7- بحار الأنوار: 103 / 221 / 25 منتخب میزان الحکمه: 252

کار خداوند اخلاق آنان را نیکو می گرداند و روزیهایشان را زیاد می کند و بر جوانمردیهای آنان می افزاید. "(1)

نماز متأهل با نماز مجرد چه تفاوتی دارد؟ امام صادق علیه السلام می فرماید: "دو رکعت نمازی که همسر دار می خواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که فرد بی همسر بخواند." (2)

کسی که بی همسری را همسر دهد، چه ثوابی دارد؟ پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: هر کس در امر برقرار ساختن ازدواج میان زن و مردی کوششی کند، خداوند متعال هزار حورالعین به وی عطا نماید که هر یک قصری از در و یاقوت دارند و نیز در برابر هر گامی که در این امر بر می دارد و یا هر کلامی که در این رابطه می گوید، خداوند عمل یک سال عبادت که روزها را روزه و شبها را در نماز باشد در نامه اعمال او می نگارد. (3) همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: "هر که بی همسری را زن دهد، از جمله کسانی است که خداوند در روز قیامت به او نظر می افکند." (4) و نیز امام کاظم علیه السلام می فرماید: "سه نفرند که در

ص: 50

---

1- حار الأنوار: 103 / 222 / 38 منتخب میزان الحکمه: 252

2- بحار الأنوار: 103 / 219 / 15 منتخب میزان الحکمه: 252

3- ثواب الاعمال، ص 668

4- وسائل الشیعه، ج 20، ص 45، الکافی: 5 / 331 / 2 منتخب میزان الحکمه: 252

روزی که سایه ای جز سایه عرش خدا نیست در سایه عرش اویند: مردی که برادر مسلمان خود را زن دهد، یا به او خدمت کند، یا رازش را بپوشاند. " (1)

## فلسفه ازدواج چیست و مهمترین آثار و نتایج آن کدام است؟

حکمت ها و آثار مهمی بر ازدواج مترتب است و قرآن در آیاتی به آنها پرداخته است. از طرفی در برخی موارد، هر چند زن و مرد با یکدیگر زندگی می کنند، اهدافی که باید در زندگی آنان حاکم باشد، از میان می رود و دو طرف بدون آن که بهره ای از زندگی

مشترک ببرند، با یکدیگر زندگی می کنند برخی گفته اند: هر جا نشانه های الفت و حکمت های زوجیت چه در دنیا و چه در آخرت برقرار باشد، قرآن واژه زوجیت را به کار برده است. (2) و هرگاه جای این نشانه ها و حکمت ها را بغض و خیانت یا تفاوت عقیده زن و مرد با یکدیگر پر می کند، قرآن از کلمه «امراه» استفاده کرده است. (3) همچنین آن جا که حکمت زوجیت (بقای نسل انسان) از میان برداشته می شود، باز قرآن واژه «امراه» را به کار برده است. (4) بدین سبب دوباره وقتی این حکمت سر برمی آورد و ثمره زوجیت به بار می نشیند، باز قرآن تعبیر را عوض کرده کلمه «زوج» را به کار می برد. در آیه 40 آل عمران، زکریا به خدا خطاب می کند که همسرم نازا است: «و امرأتی عاقر»؛ ولی وقتی دعای او اجابت می شود، قرآن می فرماید: «و اصلحنا له زوجة».

ص: 51

---

1- الخصال: 141 / 162 - منتخب میزان الحکمه: 252

2- (روم/ 21 فرقان/ 74 زخرف/ 70 بقره/ 25 یس/ 56)

3- (یوسف/ 30 تحریم/ 10 و 11)

4- (ذاریات/ 25 مریم/ 4 و 5 آل عمران/ 40)

از طرف دیگر تحقیقات بسیاری نشان داده اند که مردان متاهل عمر طولانی تری نسبت به مردان مجرد و آنها که هیچ وقت ازدواج نمی کنند دارند. تلاش های بسیاری برای دستیابی به دلایل این امر انجام گرفته که سوالات زیر را در برداشته است:

آیا ازدواج بر سیستم حفاظتی و ایمنی بدن تاثیر مستقیم دارد و به خاطر داشتن فواید مربوط به سلامتی، خطر مرگ و میر را کاهش می دهد؟ یا افزایش طول عمر نشان دهنده این است که افراد سالم گرایش بیشتری به ازدواج دارند و افراد متاهل از همان ابتدای ازدواج، سالمتر هستند؟

این سوالات اشاره بر این دارد که رابطه بین طول عمر و متاهل بودن فقط با «ایمنی» حاصل از ازدواج یا «انتخاب مثبت» در ازدواج به خاطر سلامتی، توجیه می شود. البته نکته دیگری نیز در رابطه بین ازدواج و سلامتی دخیل است. اگر ازدواج کردن یکی از راه های به دست آوردن ایمنی در برابر بیماری ها و مرگ است، پس افراد بیمار و ناسالم به خاطر همین مساله گرایش بیشتری به ازدواج پیدا خواهند کرد؟

این طرز فکر را می توان «انتخاب منفی» در ازدواج خواند که می تواند به اندازه انتخاب مثبت مهم باشد. با این که معمولا تصور می شود که انتخاب قسمتی از فواید ازدواج است، اما تحقیقات تجربی سابق معمولا روی انتخاب مثبت متمرکز بود و این امکان را در نظر نمی گرفت که انتخاب منفی نیز می تواند به همان اندازه مهم باشد.

تحقیقات اخیر در مورد طول عمر در یکی از مراکز تحقیقاتی در تلاش برای پرکردن این فاصله بوده است. محققان از نوعی بانک اطلاعاتی برای بررسی بیش از 4000 مرد در مدت زمان 22 سال استفاده کرده اند. این تحقیقات تغییرات ایجاد شده در سلامتی

مردها را در طول دوره تحولات ایجاد شده در زندگی زناشویی، تاریخچه ازدواج، طلاق، مرگ همسر و تجدید فراش تجزیه و تحلیل می کند. یافته های این تحقیقات نشان می دهد که هر دو نکته یعنی هم مساله ایمنی و هم انتخاب در این زمینه نقش داشته است. از یک طرف، سلامتی خطر مرگ و میر را کاهش می دهد و در شرایط به خصوص ازدواج در حفظ سلامتی تاثیرگذار است. از طرف دیگر وضعیت سلامتی افراد می تواند در انتخاب آنها برای متاهل شدن، تاثیرگذار باشد. در هر حال:

آنچه باید روز و شب گردد روان

آنچه نیم دین بود در دو جهان

آنچه وفق سنت است در هر زمان

آنچه تسکن قلوب است بی گمان

ازدواج است ازدواج است ازدواج

آنچه باشد خود نیاز هر روان

آنچه نسلها را کند ایجاد به سان

آنچه عفت را کند احیا ز جان

آنچه نسل ما کند بر پا همان

ازدواج است ازدواج است ازدواج

آنچه باشد چون عبادت در بیان

آنچه دورت می کند از هر خزان

ص: 53

آنچه شیطان می شود مایوس ز آن

آنچه باشد بهره و حطش نهمان

ازدواج است ازدواج است ازدواج

آنچه آرد بر زناشوئی امان

آنچه باشد خواست هر پیر و جوان

آنچه احیا می کند باغ جنان

آنچه آثارش بود فوق زبان

ازدواج است ازدواج است ازدواج

آنچه امحا می کند آه و فغان

آنچه حالت را کند حالی چنان

آنچه باشد لذتش تا آن کران

آنچه بوده بر حقیر لطفی عیان

ازدواج است ازدواج است ازدواج

شما فکر می کنی فلسفه و حقیقت ازدواج از نظر اسلام چیست و چرا اسلام به ازدواج اهمیت زیادی می دهد؟ پاسخ این سؤال با سخنی از مرحوم علامه محمد تقی جعفری (ره) مطرح می شود. وی در جواب فیلسوف شهیر اروپایی، «برتراند راسل» که چرا اسلام این قدر به ازدواج بها داده و برایش قانون وضع کرده است،

ص: 54

نوشت: «با ازدواج می خواهد انسان به وجود آید، مسأله ی انسان مطرح است.» بنابراین، ارضای غریزه ی جنسی و تأمین نیازهای فیزیولوژیک انسان از آثار مثبت ازدواج است. لذا غریزه جنسی باید در زمان مناسب و از راه صحیح و شرعی به موقع ارضا گردد. چرا که نیاز جنسی بازتاب ترشح هورمون جنسی است که تحولات جسمی و روحی را به دنبال دارد. از دوران بلوغ به بعد میل به جنس مخالف زیاد می شود و اگر پاسخ درستی به خواسته های جنسی داده نشود سبب بحران های شدید روحی و انحرافات جنسی می گردد. مع الوصف از نظر اسلام ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت زیادی دارد، که این خود از مهمترین عوامل بهداشت روانی فرد و جامعه می باشد، که در این زمینه کتابهای زیادی نوشته شده است و احادیث زیادی در این باره وارد شده است که به برخی از آنها قبلاً اشاره شده است. در هر حال ای عزیز بزرگوار، نظر جنابعالی را به مهم ترین آثار ازدواج همراه با توضیح مختصر معطوف و مابقی به صورت فهرست بیان می شود.

1- مودت و رحمت: از آثار ازدواج، مودت و رحمت است: «و جعل بینکم موده و رحمه...» آن چه در آغاز زندگی مشترک بین زن و شوهر، یگانگی برقرار می کند، و اثر آن در مقام عمل ظاهر می شود، مودت است؛ ولی پس از گذشت زمان و رسیدن دوران ضعف و ناتوانی، رحمت جای مودت را پر می کند. رحمت و مودت به تعبیر قرآن، دو نشانه الهی و ضامن به پا ماندن بنای زندگی و تداوم وحدت است؛ البته رحمت در همان آغاز زندگی نیز در زندگی نقش دارد. گاهی زحمات و خدمات بلاعوض و ایثارگرانه بدون هیچ گونه چشم داشتی حتی گاهی با برخورد سرد از طرف مقابل، از انسان سر می زند. در اینجا برای حفظ نظام خانوادگی از خواسته های غریزی

انسان، نیاز فطری به پدر و مادر شدن شمرده، و پاسخ به این خواسته با ازدواج و داشتن فرزند تأمین می شود؛ دگی، مودت رنگ می بازد؛ ولی رحمت جایگزین آن می شود.

2- تکامل: مرد و زن مجرد، هرکدام به تنهایی موجود ناقصی هستند که هر دو، در زندگی خود، احساس کمبود می کنند، اما یک همسر خوب و شایسته، پناهگاه مناسبی به شمار می آید که می توانند مشکلات زندگی را با هم فکری و همکاری حل کنند و تجربیاتی که هر یک از دوران گذشته داشته اند، برای رفع نابسامانی ها به کار گیرند و با احساس مسئولیتی که برای هر یک از آن ها پس از ازدواج، ایجاد شده مکمل یکدیگرند. (1) شهید مطهری در این باره می فرماید: «تشکیل خانواده یعنی یک نوع علاقه مند شدن به سرنوشت دیگران و یکی از علل این که در اسلام ازدواج یک امر مقدس و عبادت تلقی شده، همین است. ازدواج اولین مرحله ی خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. پختگی که در پرتو ازدواج و تشکیل

خانواده ایجاد می شود، در هیچ جای دیگر نمی توان به آن رسید و آن را فقط در ازدواج و تشکیل خانواده باید به دست آورد.» بنابراین، می توان ازدواج را مایه ی رشد و کمال دانست. در واقع خداوند انسان را به گونه یی آفریده که بدون جنس مخالف ناقص است و با جنس مخالف کامل می شود. مرد به زن نیازمند است و زن به مرد. هر کدام از دو جنس از نظر روحی و جسمی به هم وابسته اند و با قرار گرفتن در کنار هم یکدیگر را تکمیل می کنند.

3- تسکین و آرامش: مهم ترین نیازی که بر اثر ازدواج تأمین می شود، نیاز به آرامش و احساس امنیت و آسودگی است. در افراد مجرد، معمولاً نوعی دلهره و اضطراب وجود

ص: 56



دارد، نگرانی از آینده، نگرانی از سرنوشت، نگرانی از اداره زندگی و هزاران نگرانی دیگر. یکی از آثار ارزشمند ازدواج، این است که زن و شوهر در کنار یکدیگر این نگرانی‌ها را فراموش می‌کند، و با وجود همسری شایسته و نیک، به آرامش روحی و جسمی دست پیدا می‌کند، و دلگرم به تداوم فعالیت زندگی می‌شود و با ارضاء غریزه جنسی از مجرای صحیح و قانونی، هیجان‌ها و پریشانی‌ها او مهار شده و به آرامش می‌رسد. (1) آری نیاز روح به کانون آرامش، با اهمیت‌تر از نیاز جنسی است. همسر شایسته در پیش آمدهای زندگی، راه وصول به آرامش و سعادت را نزدیک می‌کند: «و من ایاته أن خلق لکم من أنفسکم أزوجا لتسکنوا الیها...»، «...و جعل منها زوجها لیسکن الیها...» برخی مفسران، مقصود از لباس را در آیه 187 بقره، سکون و آرامش دانسته‌اند؛ همان گونه که خدا شب را لباس (مایه آرامش و سکون) دانسته: «و جعلنا الیل لباس لکم و اتمم لباس لهن» نیز به سکون و آرامشی که با همسر حاصل می‌شود، اشاره خواهد داشت.

یکی از بناهای پر اهمیت اجتماع، ازدواج و تشکیل خانواده است در این واحد اولیه اجتماعی سنگ بنای تعلیم و تربیت نهاده می‌شود و انسان در عرصه ازدواج به آرامش و تکامل می‌رسد. در واقع دست آفرینش نوعی کشش درونی میان زن و مرد به ودیعت نهاده تا هر کدام در سنین خاص خواهان یکدیگر شوند و اضطراب و پریشانی‌شان از طریق ازدواج به سکون و آرامش تبدیل شود. دانشمندان علوم تجربی و انسانی نیز ارضای صحیح و به موقع غریزه‌ی جنسی و ترشح معتدل غدد جنسی را برای سلامت

ص: 57

جسم و روان آدمی لازم دانسته، عدم آن را سبب پاره بی از بیماری های روانی و گاه جسمانی شمرده اند.

#### 4- اخلاق نیکو: ازدواج، اخلاق را نیکو می کند. (1)

همان طور که در روایت آمده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: پسر و دخترهای مجرد خود را همسر دهید که خداوند اخلاق ایشان را نیکو کند و روزیشان را افزایش داده و بر مروت آن ها می افزاید.

5- ارضای غریزه جنسی: غریزه جنسی، نیرویی است که در زن و مرد قرار داده شده و ازدواج، وسیله ای مُجاز برای اطفای نیروی شهوت و پاسخی به این غریزه خدادادی است: «و الذین هم لفروجهم حفظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین» در حدیث آمده است: میان لذت های مادی و جسمانی در دنیا و آخرت، هیچ کدام به پایه لذت زناشویی نمی رسد؛ سپس امام به آیه 14 آل عمران استشهد می کند که در میان شهوات گوناگون، علاقه به زن را مقدم داشته است: «زین للناس حب الشهوت من النساء و البنین و القناطر المقنطره...» آیه 187 بقره، به نیاز غریزی جنسی اشاره دارد که به رغم ممنوعیت شرعی، مردم به سوی آن کشیده می شوند؛ البته این امر نمی تواند انگیزه اصلی و هدف نهایی ازدواج باشد؛ زیرا غریزه جنسی در زن و مرد، دوره محدودی دارد و اگر غرض از ازدواج، فقط این جهت باشد، باید زوجین هنگام ناتوانی جنسی، یکدیگر را رها کنند یا زن و مردی که توانایی جنسی خویش را از دست داده اند، هیچ گاه پیمان زناشویی نبندند.

ص: 58

---

1- امیر ملک، محمودی، راهنمای ازدواج، انتشارات مشهور، 1381، ص 40/محمد نجفی یزدی، ازدواج، انتشارات اسلامی، ج 1، ص 9

6- سلامتی: ازدواج علاوه بر آثار روحی، روانی که به گوشه‌هایی از آن اشاره شد از لحاظ جسمی نیز آثار خاصی به دنبال خواهد داشت. با توجه به تحقیقات افراد متأهل عموماً افراد سالم‌تری هستند و عمر طولانی‌تری دارند و از سلامت عقلانی و نفسانی بیشتری برخوردارند، شادترند و درآمد بیشتری دارند. تجزیه و تحلیل این که آیا ازدواج به طور مستقیم بر سلامتی تاثیر می‌گذارد یا خیر، نتایج مختلفی در بر داشته است.

مقایسات انجام شده بین مردان متأهل و مردانی که هیچگاه ازدواج نکرده‌اند نشان می‌دهد که گروه اول به طور کلی سالم‌تر هستند، گزارشات دریافتی از مقایسات انجام شده بین متأهلان سن بالاتر و مردان طلاق گرفته اشاره بر این دارد که سطح سلامتی نسبی مردان گروه دوم با بالا رفتن سن به طور قابل توجهی نزول می‌کند. وقتی این مردان مطلقه به سن 50 می‌رسند، باید انتظار داشته باشند که وضعیت سلامتی شان بسیار زودتر از افراد متأهل به خطر بیفتد. برای این گروه از افراد، ازدواج مجدد بسیار پرفایده خواهد بود و سطح سلامتی آنها نیز به خوبی متأهلان خواهد رسید.

با بالا رفتن سن در مردان، وضعیت سلامتی رو به زوال رفته و احتمال مرگ بالاتر می‌رود. درصد مرگ و میر مردان متأهل در سنین 50 تا 60 و 70 بسیار کمتر از مردان مجرد است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که مردانی که ازدواج کرده‌اند، سبک زندگی بهتری دارند؛ یعنی کمتر سیگار می‌کشند، کمتر به سمت الکل و مواد مخدر روی می‌آورند و عادات تغذیه‌ای بهتری دارند و بیشتر ورزش می‌کنند. اما این همه ماجرا نیست و نمی‌تواند توجیه‌کننده تمام تفاوت‌های بین مردان مجرد و متأهل باشد. برخی بررسی‌ها نشان داده‌اند که میزان دیابت، آرتروز (التهاب مفاصل)، کمردرد، میگرن و واریس در متأهل‌ها کمتر از مجردهاست. بررسی‌های دیگری نشان داده که متأهل‌ها کمتر سرما

می خورند و حتی دندان های بهتری نسبت به مجردها دارند. مسلما همه این موارد را، نمی توان تنها با سبک زندگی توجیه کرد. بنابراین آیا پای برخی عوامل بیولوژیک دیگر در میان است؟ مثلا تغییرات بیوشیمیایی که سبب می شود توان دفاعی مردان متاهل در برابر این بیماری ها افزایش یابد؟

موضوع وقتی جالب تر می شود که به یاد داشته باشی که مجرد بودن، از عوامل زمینه ساز برخی بیماری های روانی هم هست؛ به طوری که احتمال ابتلا به اسکیزوفرنی در افراد مجرد بیشتر است و احتمال سرنوشت وخیم تر و عدم درمان این بیماران، در حالت مجرد، بیشتر می شود. (البته ازدواج نمی تواند اسکیزوفرنی را درمان کند) جالب این که تحقیقات نشان داده اند که این تاثیرات برای مردان بیشتر است و در مقابل، تاثیر مخرب فروپاشیدن ازدواج، بر روی زنان بیشتر است. برای مثال، مطالعه ای که اخیرا در نشست سالانه انجمن طب روان تنی ارائه شد، حاکی از این مطلب بود که در هنگام بروز مشکلات خانوادگی و افسردگی ناشی از آن، این زنان هستند که باید بیشترین هزینه را برای آن پردازند؛ چرا که تاثیرگذاری این موقعیت، بر سلامت جسمی زنان بیشتر است. بررسی ها نشان داده که زنانی که از ازدواج خود ناراضی اند، بیشتر دچار فشارخون بالا، افزایش کلسترول خون و چاقی می شوند که همه اینها، از عوامل خطر بیماری های قلبی و عروقی مانند سکته محسوب می شوند. (این نتیجه مطالعات محققان در دانشگاه «یوتا»ست) بررسی های دیگر محققان در دانشگاه Case Western Reserve نشان داد زنانی که از همسرشان جدا می شوند، تا 2 سال پیرتر از هم سن و سال های شان به نظر می رسند. این در حالی است که سن زنانی که ازدواج شاد و موفقی داشتند، درست به همین مقدار کمتر تخمین زده می شد.

7- صرفه جویی و توسعه رزق: در شرایطی که دنیا در تب و تاب بحران اقتصادی است، بررسی‌ها نشان داده که ازدواج، حتی برای زندگی اقتصادی هم مفید است و می‌توان گفت به نوعی مقرون به صرفه است که ازدواج کنی تا مجرد بمانی. بررسی‌ها روی بیش از 9 هزار نفر نشان داده که آنها که ازدواج با دوامی داشته‌اند، تا 2 برابر بیشتر از مجردها توان پس انداز داشته‌اند. این در حالی است که وضع حساب‌های بانکی آنها که طلاق گرفته‌اند، از 2 گروه دیگر، بسیار بدتر بوده است.

نگرانی از تنگ دستی، یکی از بهانه‌هایی است که برای گریز از ازدواج، مطرح می‌شود. قرآن، این گونه به انسان امیدواری می‌دهد: از فقر و تنگ دستی جوانان و مجردان نگران نباشید و در ازدواج آنها بکوشید چرا که اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش، آنان را بی‌نیاز می‌سازد: «و انکحوا الایمی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله...» برخی گفته‌اند: مفاد این آیه، وعده خداوند به غنا و بی‌نیازی است برای کسانی که تشکیل خانواده دهند. روایاتی نیز این معنا را تایید می‌کند.

8- داشتن فرزندان صالح: یکی از خواسته‌های غریزی انسان، نیاز فطری به پدر و مادر شدن شمرده، و پاسخ به این خواسته با ازدواج و داشتن فرزند تامین می‌شود؛ اصل تولید و تکثیر، از راه‌های غیر مشروع نیز ممکن است؛ ولی در سایه ازدواج، نسلی دارای اصل و نسب پدید می‌آید. قرآن در آیاتی، فرزند را زینت زندگی دنیا شمرده که بیان گر رغبت انسان به داشتن فرزند و برقرار شدن رابطه پدر یا مادر و فرزند است «المال و البنون زینه الحیوه الدنیا». داشتن فرزند به صورت ثمره ازدواج، با تعبیرهای گوناگونی در قرآن آمده است. در آیه 223 بقره از این که می‌گوید: «نساوکم حرث لکم فاتوا

حرثکم انی شنتم...»، یادآور می شود که بکوشید از این فرصت بهره گیرید و با پرورش فرزندان صالح و شایسته که به حال دین و دنیای شما مفید باشد، اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید. «... و قدموا لانفسکم...». در آیه 187 بقره پس از آن که از آمیزش با همسر سخن به میان آمده است، می فرماید: «... و ابتغوا ما کتب الله لکم...» که به نظر بسیاری مقصود، طلب فرزند است. در موارد متعددی از قرآن، خداوند برای داشتن فرزند صالح، خوانده شده است. در آیه 189 اعراف از قول پدر و مادر نقل می کند که عرضه می دارند اگر فرزند صالح نصیبشان شود، شکرگزار خواهند بود: «دعوا الله ربهما لئن اتیتنا صالحا لنكونن من الشکرین...». در چند جا، درخواست حضرت زکریا (علیه السلام) مطرح شده است که از خداوند، فرزندی که لیاقت جانشینی او را داشته: «... فهب لی من لدنک ولیا»، و مورد رضایت پروردگار باشد: «... و اجعله رب رضیا» را خواسته است. در سوره آل عمران، پس از مشاهده شایستگی های مریم (علیها السلام) پروردگارش را می خواند: خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه ای نیز به من عطا فرما: «... هب لی من لدنک ذریه طیبه انک سمیع الدعاء».

9- بازداشتن از گناه: یکی از آثار ازدواج برای زن و مرد، ایجاد زمینه تقوا و دوری از گناهان است. با اشباع غریزه جنسی در زن و مرد، زمینه گناهان شهوت انگیز از میان می رود. این که در قرآن از کسی که ازدواج کرده، به «مُحصن و محصنه» تعبیر شده: «فاذا احصن...»، به جهت این است که زن و مرد، با ازدواج در حصن سنگر مستحکمی قرار می گیرند و خود را حفظ می کنند تا وسوسه های شهوانی در آنان اثر نگذارد؛ بلکه ازدواج، زمینه گناهان دیگر را نیز از بین می برد؛ زیرا پذیرفتن مسئولیت تامین و تربیت اولاد، انسان را به استفاده بهینه از عمر و می دارد و برای گناه و معاشرت های گمراه

کننده جایی باقی نمی ماند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «من تزوج فقد احرز نصف دینه» با ازدواج، نیمی از دین صیانت می شود.

در روایتی دیگر آمده است: بدترین مردم، کسانی اند که در مجرد به سر می برند. در تفسیر آیه 187 بقره «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» برخی گفته اند: آن گونه که انسان، با لباس از سرما و گرما و حشرات و آسیب های جلدی، محافظت می شود، زن و مرد، با ازدواج، یکدیگر را از گناه حفظ می کنند. در آیه 28 نساء حکمت تشریح ازدواج این گونه بیان شده است: «یرید الله ان یخفف عنکم...»؛ زیرا پیروی از شهوات و در دام گناه افتادن، برای انسان، وزانت و سنگینی می آورد و تشریح ازدواج و فراهم شدن امکان آن برای کسی که نمی تواند با زنان آزاد ازدواج کند، از فساد و گناه جلوگیری می کند و انسان از عواقب آن در امان می ماند و این نوعی توسعه برای انسان شمرده می شود.

10- تبدیل تخیلات به واقعیات 11- رسیدن به بلوغ روحی برای رو به رو شدن با حقایق زندگی 12- افزایش قدرت سازگاری 13- کسب تجربه در مورد تفاوت دوست داشتن و عشق ورزیدن 14- گشوده شدن دریچه ای جدید در زندگی انسان، که مسیر زندگی را تغییر می دهد 15- عمل به فطرت انسان و کمک به تنازع بقا 15- مهم تر از همه انجام وظیفه الهی و خشنودی و خرسندی خداوند و مباحثات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. (1)

در هر حال ای عزیز بزرگوار، توضیح بیشتر اینکه نیاز جنسی واقعیتی تکوینی است که اسلام آن را کاملاً پذیرفته و دستورهای واقع گرایانه نسبت به آن صادر کرده است. رفع این نیاز توأم با نوعی لذت است که برترین و شدیدترین نوع لذت است و

ص: 63

آن را لذت جنسی می نامند. تفاوت این لذت و لذت های دیگر همچون خوردن و نوشیدن و خوابیدن این است که اولاً بر خلاف دیگر لذت ها، در لذت جنسی، انسانی از انسان دیگر لذت می برد و نه از چیز دیگری همچون جمادات مثل آب و غذا. ثانیاً لذت جنسی دوطرفه است؛ بدین معنا که هر دو طرف رابطه جنسی از یکدیگر لذت می برند نه این که فقط یک طرف لذت ببرد و طرف دیگر منفعل محض باشد؛ مثلاً در نوشیدن آب این شما هستید که لذت می برید نه آب. بنابراین لذت جنسی یک رابطه انسانی است و علی القاعده در روابط انسانی سازوکارهای خاصی حاکم است که اگر به درستی رعایت شوند در جهت کمال انسان مفید می افتد وگرنه سبب سقوط انسان خواهد شد.

در اسلام کانون اصیل ارضای نیاز جنسی، کانون گرم خانواده هاست و راهکارهایی مثل ازدواج موقت نیز که تجویز شده تنها راهکارهای موقتی و همچون قرص مسکن اند که برای فروکش کردن طغیان این غریزه مطرح شده است. اگر این نیاز جنسی - که برخاسته از غریزه ای سرکش است - به شکل کامل در محیط خانواده و با زناشویی برآورده شود زن و مرد آرام می شوند و نوعی مصونیت برای فرد و اجتماع پدید می آورد و دیگر این نیاز به شکل روابط نامشروع به فضای بیرون از خانواده کشیده نمی شود و فضای اخلاقی جامعه را آلوده و ناامن نمی کند.

یکی از ابعاد اخلاقی ازدواج این است که از گناه و فساد در روی زمین پیشگیری می کند بدین بیان که با ارضای غریزه جنسی در کانون گرم و صمیمی خانواده، این غریزه آرام می شود و دیگر سرکشی نمی کند و بسیاری از کارهای خلاف اخلاقی را انجام نمی دهد و این حقیقتی است که عقل و تجربه و وجدان آن را تصدیق می کند



و در روایات نورانی اهل بیت (علیهم السلام) هم به شکل های گوناگون به آن اشاره یا تصریح شده است؛ مثلاً در کلام نورانی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که از زبان امام صادق (علیه السلام) بازگو شده چنین آمده است: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ - وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: - فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْآخَرَ أَوْ الْبَاقِي» (1)

هر که ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است. - و در حدیث دیگر آمده است: - پس باید در نیمه دیگر از خدا پروا کند.

در عربی «حِرز» به جایی مثل دژ یا صندوقچه گفته می شود که چیزها را به دور از دسترس دیگران در آن نگه می دارند تا گم یا تلف نشود و «إحراز» از همین ماده و به معنای «در حِرز نهادن» است. در این روایت پیوند بسیار نزدیکی بین ازدواج و دین

ترسیم شده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ازدواج را حِرز و به تعبیری، نگهدارنده نصف دین نامیده اند. حال سؤال می شود که سر این پیوند چیست و چرا ازدواج دژی برای دین است؟

این سخن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در حقیقت نشان دهنده اهمیت ازدواج و غریزه جنسی و نقش آن در سعادت یا شقاوت آدمی است. سر پیوند نزدیک دین و ازدواج این است که همه غرایز و شهواتی که انسان را به سوی بدی ها و ارتکاب گناهان می کشاند و تهدیدگر دین و ایمان آدمی است به یک طرف و غریزه جنسی هم به یک طرف است و همه گناهان انسان به یک طرف و گناهان مرتبط به غریزه جنسی وی نیز به یک طرف است. آری اگر نیک بنگری تصدیق خواهی کرد که نیمی از مفاسد روی زمین مستقیم یا غیر مستقیم به غریزه جنسی برمی گردد. این غریزه چنان نیرومند و طغیانگر است که اگر یله و رها باشد، همچون مرکبی سرکش عنان از

ص: 65

---

1- الکافی، ج 5، ص 328، باب کراهه العزبه، ح 2؛ من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 383، بَابُ فَضْلِ التَّزْوِيجِ

کف سوار خود ربوده، او را به وادی هلاکت سوق خواهد داد. غریزه جنسی مستقیم و غیرمستقیم سرمنشأ گناهان بزرگی همچون فحشا، چشم چرانی، تبرج (یا خودنمایی) و انحرافات جنسی و گناهان بی شمار دیگر می شود که دین و دنیای انسان را به تباهی می کشد و ازدواج و ارضای مشروع این نیاز، لجامی است بر این مرکب چموش تا آرام گیرد و دست از سرکشی بردارد. از سوی دیگر تجرد و تنهایی و نبود حس مسؤولیت نسبت به خانواده و اجتماع، یاوری دیگر برای شیطان و نفس اماره است تا او را به سوی ارتکاب انواع گناهان و زشتی ها دعوت کنند. از این رو به بیان حکیمانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با ازدواج نیمی از دین انسان از دستبرد دین دزدان درونی و بیرونی در امان می ماند.

پس با توجه به این سخن نورانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باید گفت: تهدیدات غریزه جنسی کم و بیش برای همه اعم از جاهل و عالم و عابد و زاهد هست و جز کسی که خدا دستش را بگیرد از شر آن در امان نیست؛ از این رو نباید از توجه به ازدواج به هنگام جوانان غفلت ورزید.

در خاتمه این بحث یاد آور می شود که ازدواج وسیله است، نه هدف، بسیاری از ازدواج های غلط و ناموفق به این دلیل رخ می دهد که افراد آن را یک هدف قرار می دهند (به هر ترتیبی شده باید ازدواج کرد) در نتیجه برای رسیدن به آن گاهی بسیاری از اصول عقلانی و حتی اخلاقی را نیز نادیده می گیرند و زیر بار انتخاب غلط می روند یا بدون آمادگی و شرایط لازم درگیر آن می شوند. یکی از مهم ترین علت های شکست در ازدواج توقع و تصورات غلط از ازدواج است. خوشبختی به خودی خود رخ نمی دهد، بلکه ساخته می شود. به همان اندازه انتخاب و داشتن همسر

خوب، تلاش در حفظ آن نیز مهم است. ازدواج همچون درختی است که در صورت عدم آبیاری و مراقبت، دیر یا زود پژمرده خواهد شد.

تصویر



### چه مواردی مسیر انتخاب درست همسر را به انحراف می کشاند؟

می شود روزی که قبل از ازدواج \* راه حق را ما رویم نه اعوجاج

همسری پیدا کنیم دور از گناه \* چون که با وی می رویم راه سراج

گاهی اوقات زوج هایی مشاهده می شوند که مشکلات زیادی در زندگی مشترک شان دارند و به نظر می رسد از همان اول، ازدواج شان نادرست بوده است. در این مواقع گفته می شود چطور آنها همدیگر را انتخاب کرده اند؟ مگر از همان اول متوجه نبودند که تا این حد با هم اختلاف دارند؟ شاید فکر کنید که آنها در زمان انتخاب، آگاهی و منطق درستی نداشته اند، یا اساسا آدم های عجیب و غریبی هستند که توانسته اند دست به چنین انتخابی بزنند! اما بیشتر مواقع این طور نیست!

مساله این است که در خیلی از موارد، افراد در هنگام انتخاب همسر در شرایطی قرار می گیرند که نمی توانند فکر کنند و درست انتخاب کنند. لذا ای عزیز

بزرگوار، با پرهیز از موارد زیر می توان تا حدودی از اشتباه و انحراف در انتخاب همسر جلوگیری کرد:

1- شناخت ناقص و کم توجهی به مسائل اعتقادی: وقتی با یک نفر ازدواج می کنیم، در واقع با کل وجود او و با همه ابعاد زندگی اش، خانواده اش، گذشته اش، آینده اش، افکار، ایمان و اخلاقش و همچنین با جسم او ازدواج کرده ایم؛ احتمال شکست در ازدواجی که براساس شناخت کافی صورت نگیرد بسیار بالاست. ما زمانی می توانیم به شناخت کامل تر برسیم که با همه ابعاد وجودی فرد اعم از مسائل اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی وی در شرایط و موقعیت های مختلف آشنا شده باشیم.

2- ازدواج فقط به دلیل زیبایی ظاهری: اهمیت جذابیت جسمانی، به عنوان یک عامل مهم در دوستی ها و مناسب های اجتماعی، غیرقابل انکار است. اما زمانی که اهمیت این عامل در معیارهای افراد برای تشکیل زندگی مشترک، بدون توجه به عامل های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی افراد لحاظ می شود، ضریب خطر پذیری چنین ازدواج هایی نیز به طور طبیعی، بالا- خواهد رفت. رسول اسلام (صلی الله علیه و آله) به تمامی پیروان خود می فرمایند: "... و کسی که به خاطر جمال و زیبایی با او ازدواج کند، در او امور ناخوشایند خواهد دید! و کسی که به خاطر ایمان و ارزش های دینی، با او ازدواج نماید، خداوند همه آن امتیازات مادی و ظاهری را برای وی فراهم می کند."

3- ازدواج فقط به دلیل پول و ثروت: اگر شما شیفته ی فردی هستید که ثروتمند است و فقط به همین دلیل حاضرید با او ازدواج کنید و به دیگر ابعاد توجه نمی کنید،

ص: 68

این ملاک مناسبی نمی باشد. بدیهی است که ایده ی ازدواج کردن با یک فرد، بدون توجه به احساس و عاطفه ی قلبی و فقط از روی نگاه مادی گرایانه، به طور یقین، عقلانی نیست و اشتباه می باشد. رسول اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید: "کسی که با زنی به خاطر مال و دارایی ازدواج کند، خداوند او را به حال خود واگذارد می کند و . . ."

4- ازدواج به دلیل دوری از خانواده و پدر و مادر: وقتی وضعیت در خانه ی پدری، شوم و اندوه بار باشد، ازدواج یک راه گریز محسوب می شود. تعجیبی ندارد که خیلی ها این راه گریز را انتخاب می کنند؛ اما به طور معمول، این مسیری است که شما را از چاله درآورده و به چاه می اندازد. یکی دو سال دیگر در خانه ی پدر و مادر ماندن، بهتر از آن است که با نخستین پیشنهاد ازدواج، تن به تاهل دهید، چون آن وقت ممکن است شریک زندگی تان تا آخر عمر سبب رنجش و آزار شما گردد.

5- ازدواج به دلیل ترحم و دل سوزی به یک فرد: گاهی انگیزه ی فرد برای ازدواج، نجات دادن شخص مقابل از تنهایی، فشارهای زندگی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی و دلیل های دیگر است.

6- فردی که برای رسیدن به شما از همسرش جدا می شود: بطور معمول، این گونه ازدواج ها، زیاد دوام نخواهد آورد و پایه ای برای یک رابطه ی درازمدت نخواهد بود. فردی که به خاطر شخصی حاضر است به همسر یا نامزد خود خیانت کند، به طور مسلم رابطه ی آنان، استحکامی نخواهد داشت؛ زیرا کسی که توسط شما به فرد دیگری خیانت کرده، روزی نیز به خود شما خیانت خواهد کرد.

7- ازدواج، ابزاری برای دست یابی به خواسته های دیگر: گاهی انگیزه ی اصلی در تشکیل زندگی مشترک، عشق به فرد مقابل و نیاز روان شناختی به زیستن با فرد مقابل نیست؛ بلکه او وسیله ای برای رسیدن به هدف های دیگر می شود.

8- ازدواج به دلیل عشق سطحی و زودگذر: گاهی دو نفر، چنان علاقه ای به یکدیگر پیدا می کنند که گمان می برند به راستی، عاشق هم هستند. وقتی هیجان با سرعت چشمگیری در رابطه ها پیش برود، شناخت یکدیگر به روال عادی و تدریجی خود، پیش نمی رود؛ زیرا وقت کافی برای این امر وجود نداشته است. صراحت، صداقت و اعتمادی که لازمه ی یک رابطه ی محکم است، احتیاج به زمان دارد. یک آشنایی سریع، هر چه قدر هم که هیجان آور باشد، تنها یک صمیمیت ظاهری به بار می آورد که به آسانی با نزدیکی و صمیمیت واقعی، اشتباه می شود. به همین دلیل، ازدواج هایی که در کوتاه مدت اتفاق می افتند، یقیناً خطرهایی را به دنبال خواهند داشت.

مسلمای عزیز بزرگوار، عشق یکی از لازمه های ازدواج است، اما قطعاً برای ازدواج کافی نیست. اگر فقط از روی عشق ازدواج می کنید، منتظر باشید که روزی فقط به خاطر نفرت از هم جدا شوید! یکی از خطرناک ترین شرایط انتخاب همسر زمانی برای شما پیش می آید که «عاشق» می شوید. در این حالت شما آن قدر تحت تاثیر هیجانات و احساسات هستید که نمی توانید درست ببینید و درست تصمیم بگیرید. قبول این مسأله برای کسانی که در اوج عشق هستند بسیار سخت است. مغز در حالت هیجان زدگی نمی تواند به طور طبیعی فعالیت کند. بنابراین ما به جز خوبی چیزی نمی بینیم. اگر نخواهیم از اصطلاح «عشق»

کور» در این مورد استفاده کنیم، می توانیم بگوییم مغز عاشق، همه چیز را از پشت عینک عشق می بیند و از پشت این عینک هم همه چیز بهتر از آنچه که هست دیده می شود؟ مشکل اینجاست که ما نمی توانیم همیشه با این عینک به زندگی نگاه کنیم چه بخواهیم چه نخواهیم این شیفتگی و این هیجانات دیر یا زود فروکش می کند. آری:

الهی جان من را پاک و گردان

ز شهوت های حیوانی ی دوران

کمک کن تا کنم خود را مهیا

برای حفظ خود از دام شیطان

اگر عاشق هستید، بهتر است مدتی صبر کنید و از رابطه فاصله بگیرید تا این تب در شما فروکش کند و بتوانید با دخالت بیشتر عقل، در مورد زندگی آینده تان تصمیم گیری کنید.

9- ازدواج فقط به دلیل پدر و مادر شدن: بدون شک، یکی از مهم ترین عامل های تحریک کننده برای ازدواج، این است که فرد، خود را پدر یا مادر ببیند و دوست داشته باشد که صاحب فرزندی شود؛ بی شک روزگار سپری می شود؛ بچه ها بزرگ می شوند؛ ازدواج می کنند و به دنبال زندگی خویش می روند. آنگاه است که احساس می کنید باز شما هستید و تنهایی. پس فردی را انتخاب کنید که فقط در فکر این نباشید که با او صاحب فرزند شوید؛ بلکه شخصی باشد که در تمام مراحل زندگی، پا به پای شما، گام بردارد و مونس و همدم واقعی تان باشد.

10- ازدواج فقط به دلیل چشم و هم چشمی: متأسفانه چشم و هم چشمی نیز چشم ما را به روی بسیاری از واقعیات می بندد و امکان درست دیدن را از ما می گیرد. اگر احساس می کنید در شرایطی هستید که میل به کم کردن روی اطرافیان از طریق ازدواجتان دارید، بهتر است دست از هر اقدامی در زمینه ازدواج بردارید. از کجا می فهمیم که تصمیم گیری ما از روی چشم و هم چشمی است؟ از اینجا که مدام در حال مقایسه کردن مورد خودتان با مورد ازدواج کسی هستید که حسادت شما را برانگیخته و این خیال رهایتان نمی کند که ازدواج شما با این شخص چطور می تواند حال او را بگیرد و دل شما را خنک کند! در چنین شرایطی میل شدید به جبران کردن و کم نیاوردن در ما پدید می آید که ضریب خطا در انتخاب را تا حد زیادی بالا می برد!

11- نظر صرف پدر و مادر: ازدواجی که به دلیل نگرش یک جانبه ی پدر و مادر شما به شخص مورد نظر؛ بدون در نظر گرفتن نظر شما انجام شود.

12- عجله در انتخاب: در هر انتخابی، وقتی ما در شرایط اضطرار و عجله قرار می گیریم، امکان اشتباه کردنمان چندین برابر می شود و زمانی که این انتخاب به بزرگی انتخاب شریک زندگی باشد، حساسیت آن هم چندین برابر می شود.

البته ای عزیز بزرگوار، ازدواج اگرچه نیاز به تناسب و کفویت منطقی دارد اما همه چیز این پیوند، بر اساس منطق ریاضیات جلو نمی رود. اگر فهرست ویژگی های طرف مقابل را جلویتان گذاشته اید و به هر کدام نمره خوبی داده اید، باز این دلیل



نمی شود که او همسر ایده آل شما باشد. چیزی که ازدواج را از یک رابطه ریاضی یا همزیستی اجتماعی به یک رابطه انسانی تبدیل می کند، کشش و تمایل است؛ تمایلی که می تواند شما دو نفر را مثل قطعه های پازل با هم چفت کند و عاطفه میانتان را قوی تر سازد. اگر درباره همسر آینده تان مردد هستید یا حس خنثایی به گزینه ازدواجتان دارید یا حتی اگر خیلی داغید و فکر می کنید همسران را یافته اید و با وجود همه مشکلات، عاشقش هستید، این سوال ها را از خود پرسید و به آنها جواب دهید. جواب شما به این سوال ها نشان می دهد که عاطفه تان کجای این قصه است.

به اینکه پدر یا مادر فرزندتان باشد افتخار می کنید؟ فکر کنید اگر قرار باشد مادر یا پدر بچه ای باشید، دوست دارید فرزندتان خصوصیات همسران را داشته باشد؟ چهره اش شبیه او باشد و مثل او رفتار کند؟ دوست دارید انسانی را به این دنیا بیاورید که با او مشترکا در به دنیا آمدنش سهیم هستید؟ بخشی از وجود ما با تولد فرزندمان تکثیر می شود. اگر دوست ندارید فرزندتان، این میراث به جا مانده از شما شبیه به همسران باشد شک نکنید که ازدواج موفقی نخواهید داشت. حتی اگر تصمیم داشته باشید هیچ وقت بچه دار نشوید، باز باید این سوال ها را از خودتان پرسید و به آن پاسخ دهید. اینجا بچه موضوعیت ندارد، بلکه مهم این است که شما چقدر عمیقا به رفتار و ظاهر همسران احترام می گذارید و آن را می پسندید.

دوست دارید عضو خانواده او محسوب شوید؟ با ازدواج، شما عضو یک خانواده جدید می شوید و حکم دختر یا پسر آنها را پیدا می کنید. آیا ورود به این خانواده جدید برای شما خوشایند است یا نسبت به آن احساس بدی دارید؟ اگر فکر می کنید شان و شخصیت شما به گونه ای است که با ورود به این خانواده جدید، هم

خودتان و هم خانواده تان احساس بدی پیدا می کنند، قدری تامل کنید. فکر نکنید حساب همسرتان از خانواده اش جداست و اگر خانواده اش مطلوبتان نیستند اهمیت ندارد. هر فرد نماینده خانواده خود است و حتی اگر توانسته باشد رفتار و ظاهر خود را از آنها متمایز کند، باز هم در ریشه، همان خواهد بود. از آن مهم تر، جدا کردن یک فرد از خانواده اش غیر ممکن است. سعی نکنید بعد از ازدواج، همسرتان را از آن خود کنید و رابطه تان را با خانواده او از بین ببرید. ازدواج ها هر قدر هم خوب و موفق باشند، وقتی مخالفت یا اختلاف با خانواده ها در میان باشد خیلی زود سست شده و از هم می پاشند.

از اینکه او را به دیگران معرفی کنید چه حسی دارید؟ این سوال هم ظاهر همسر شما را شامل می شود و هم باطنش را. آیا از اینکه با او دیده شوید، او را به همکاران و دوستان و فامیل معرفی کنید یا با او قدم بزنید خوشحال می شوید یا خجالت می کشید؟ در اماکن عمومی رفتارش باعث مباهات شماست یا مایه سرافکنندگی تان؟ اگر همین ابتدای کار احساس می کنید از بودن در کنار او خجالت می کشید یا با ظاهر و رفتارش راحت نیستید، قید این ازدواج را بزنید. معمولاً چیزهایی که ما از آنها دلزده می شویم هیچ وقت برایمان خوشایند نخواهند شد. در واقع زیبایی ها شاید عادی شوند اما زشتی ها هیچ وقت عادی نمی شوند.

از تنها بودن با او کسل نمی شوید؟ ابتدای آشنایی خیلی ها فکر می کنند تحت هر شرایطی می توانند کنار هم دوام بیاورند و زیر سقف آسمان و روی فرش زمین، باز هم عاشقانه زندگی خواهند کرد. این رویاهای عاشقانه خیلی وقت ها غلط از آب در می آید. اگر می خواهید بدانید همسر مناسبتان را یافته اید یا نه، تصور کنید در یک

جزیره خالی از سکنه با او حبس شده اید. فکر می کنید زندگی ماجراجویانه و جالبی خواهید داشت یا پر از کسالت و سکوت و تلخی؟ حاضرید همه عمر در یک جزیره با او باشید؟ به اندازه کافی حرف برای زدن دارید؟ می توانید با هم از پس زندگی برآید؟ اگر جوابتان به این سوال ها مثبت است (و البته تحت تاثیر تب عاشقی قرار ندارید و می توانید منطقی فکر کنید) می توانید از این مرحله هم به سلامتی عبور کنید.

تصویر



### آیا باید در انتخاب همسر حساسیت و دقت لازم به خرج دهیم؟

خواستگاری یک زمان نیک و خوب \* بهر تشخیص فضائل از عیوب

با درایت کن عزیزم تو عبور \* از شمال زندگی تا به جنوب

ای موجود حسّاس با دقت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: "مؤمن بعد از تقوای خدای عز و جل بهره ای بهتر از زن شایسته نبرده است. " یا امام صادق(علیه السلام)فرموده اند: "زن همانا گردنبندی است، نیک بنگر که چه گردنبندی را به گردنت آویزان

ص: 75

می‌کنی. "1) ازدواج، یک برنامه است که نیاز به فکر، تدبیر، آینده‌نگری، واقع‌بینی و هدفداری دارد. اگر بی‌هدف و نقشه ازدواج کنی، بدون شک غافلگیر خواهی شد و بار ندامت باید بر دوش کشی. ازدواج، گزینش شریک زندگی برای یک عمر زندگی است. بدیهی است اگر به صورت اتفاقی و تصادفی یا بدون شناخت قبلی و بررسی عواقب و نتایج مسائل جنسی و حاشیه‌ای آن، دست به ازدواج بزنی؛ یقیناً بعداً دچار عواقب سوء آن خواهی شد و چه اشتباهی در انتخاب از این برایت دردناکتر و بزرگتر خواهد بود! فرانکلین می‌گوید: پیش از ازدواج چشم‌هایتان را باز کنید و بعد از ازدواج آنها را روی هم بگذارید.

در حقیقت ای عزیز بزرگوار، ازدواج، مهمترین قدمی است که در زندگی بر می‌داری. این قدم ممکن است تمام زندگی‌ات را از نو بسازد و یا خراب کند، ممکن است وجود و شخصیت را بنا کند و یا متلاشی سازد. می‌تواند باعث رشد هر جنبه از اخلاقت گردد و یا تو را به انسانی افسرده و شکست‌خورده تبدیل نماید. مع‌الوصف با توجه به اهمیتی که مقوله ازدواج دارد، به حق لازم است که در امر انتخاب همسر حساسیت و دقت لازم را مبذول نمایی.

بنا بر این ای انسان انتخابگر، انتخاب شریک زندگی، معیار و ملاک می‌خواهد، معیاری بس حساس‌تر و دقیق‌تر از آنچه مثلاً در خریدن یک عینک و کیف، یا ماشین و موبایل، یا کفش و پیراهن لازم است. همانطور که اشاره شد قرآن کریم در سوره بقره آیه 187، همسران را لباس یکدیگر دانسته است، بنا بر برداشتی گزینش همسر را نیز از جهتی به انتخاب لباس تشبیه کرده یعنی یکی از برداشتهایی که از این

ص: 76

آیه می شود این است که داوطلبان ازدواج را به نوعی به این نکته رهنمون می سازد که اصولی را که در هنگام خرید لباس مورد توجه قرار می دهید، با دقت و وسواس بیشتر در انتخاب همسر در نظر بگیرید.

بدیهی است که در انتخاب لباس دقت لازم به خرج می دهی. یعنی بدون مقدمه وارد فروشگاه لباس نخواهی شد، بلکه نخست به نیاز خود به لباس توجه می کنی. ابتدا نوع لباسی که به آن نیاز داری را، تعیین می کنی. پس از آن که، چگونگی لباس را برای خود مشخص کردی، نوع فروشگاه هایی را که معمولاً این گونه لباس ها را عرضه می کنند، شناسایی کرده و برای خرید به آنجا ها مراجعه می کنی.

حال ای عزیز از آن جا که انتخاب همسر، انتخاب لباس دائمی است و اصلاً قابل مقایسه با انتخاب و خرید لباس نیست، باید از اهمیت و حساسیتی صدچندان برایت برخوردار باشد. بنابر این باید در آغاز نیاز به ازدواج را احراز کنی. در مرحله بعد، لازم است به معیارهای همسر شایسته خود توجه نمایی و بر اساس عقل و منطق، مشخصات همسر خود را در دو بخش ویژگی های ضروری و خصوصیات ترجیحی تعیین کنی. پس از آن، افرادی را که وجود این ملاک ها در آن ها محتمل است را شناسایی کرده و سپس، اقدام به خواستگاری کنی. هر یک از این مراحل، نیازمند

دقت و بررسی خاصی است که اگر بدان توجه و اهتمام خاص نکنی، پیامدهای تلخی را برایت به بار می آورد. ولی این پایان راه نیست، بلکه پس از تعیین اصل نیاز، معیارهای انتخاب و یافتن افراد مناسب احتمالی، باید وجود معیارهای از پیش تعیین شده را در این افراد احراز کنی و ضمن دقت در تعیین معیارها بر اولویت بندی آنها بصورت دقیق، طبق شرع و آنچه فریاد خاموش درونت به دنبال آن است؛ همت

گماری. در انتخاب همسر، برخی افراد صرفاً معیارهای ایده آل خود را در نظر گرفته و به دنبال مصداق هماهنگ با آن می روند، ولی ممکن است چنین مصداقی وجود خارجی نداشته یا در صورت وجود، قابل شناسایی نبوده و حتی در صورت شناخت ممکن است او نیز برای خود معیارهای دیگری در نظر داشته باشد. بر این اساس، لازم است معیارهای خود را اولویت بندی کنی. چرا که برخی معیارها از تأثیر بیشتری در زندگی زناشویی برخوردار است و تأثیر آنها تا آخر زندگی مشترک ادامه یافته و حتی به زندگی در جهان دیگر نیز کشیده می شود. گروه دیگری از معیارها در عین آن که در زندگی همسران نقش مهمی ایفا می کنند ولی از تأثیر عمیق و با دوامی برخوردار نیستند. آنچه در انتخاب همسر باید به آن توجه نمایی، وجود معیارهای دسته اول در فرد مورد نظر است. در صورت عدم احراز این ویژگی ها، نباید ازدواجی را صورت دهی. ولی معیارهای دسته دوم، در عین داشتن اهمیت، به گونه ای قابل اغماض بوده و می توانی از برخی از آنها به دلیل مسائل مهم تر صرف نظر کنی. این تفکیک و اولویت بندی معیارهای انتخاب همسر، در قرآن و احادیث مورد توجه قرار گرفته و در جایی که یک معیار اهمّ با معیار مهمّ در تقابل باشد، جانب معیار اهمّ گرفته شده است. به عنوان مثال در سوره بقره آیه 221 خداوند متعال به مقایسه ایمان و زیبایی به عنوان دو معیار انتخاب همسر پرداخته، اولویت اول را به شاخص ایمان داده و زیبایی را در درجه بعد مورد توجه قرار داده است.

خداوند می فرماید: با زنان مشرک تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید و کنیز با ایمان از زن آزاد مشرک بهتر است. اگر چه زیبایی، ثروت یا موقعیت او شما را به

شگفت آورد و زنان خود را به ازدواج مرد مشرک در نیاورید. همانا برده با ایمان از آزاد مشرک بهتر است. هر چند زیبایی و موقعیت و ثروت او شما را به شگفت آورد.

در اینجا با عنایت با اهمیت زیبایی؛ همانگونه که مستحضر هستی، یادآور می شود که فلسفه ازدواج رسیدن به آرامش روانی، کمال یافتن زن و مرد در کنار یکدیگر و تولید نسل سالم و صالح برای اجتماع است و اگر ملاک تصمیم گیری و انتخاب، فقط زیبایی ظاهری بدون توجه به دیگر معیارها باشد؛ نمی توان تضمینی برای ادامه زندگی مشترک و تحقق فلسفه ازدواج داشت. زیرا پس از مدتی معمولاً آن طراوت و جاذبه های ظاهری افت کرده، شور و شهوت اولیه نیز فروکش می کند و آن تنها امتیازی که به خاطر آن (زیبایی) ازدواج صورت گرفته بود؛ کمرنگ می شود. آن گاه دلسردی ها و بهانه ها شروع می شود. و چون از دیگر معیارهای اساسی مثل تدین و ایمان، اخلاق و ارزش های اخلاقی و . . . خبری نیست؛ زیربنای زندگی مشترک متزلزل می شود و آن دلگرمی و انگیزه کافی برای زندگی سالم و با نشاط از بین می رود. اما اگر کسی معیارهای اساسی را در انتخاب همسر مثل تدین، اخلاق و . . . مدنظر قرار دهد و تناسب ظاهری و زیبایی را هم در کنار آن ملاک ها بگذارد؛ در زندگی مشترک گرفتار نابسامانی و مشکل نخواهد شد و از لذت آرامش و کمال نیز بهره مند خواهد شد. مع الوصف زیبایی و حسن ظاهر اگر چه یکی از صفات کاملاً لازم برای انتخاب همسر است ولی در عین حال تنها معیار ازدواج نیست.

ص: 79

بنابراین ای فکور، با این نگاه، اجمالاً روشن شد که خداوند متعال در بیانی موجز و با مثالی ملموس توجه جنابعالی و همه جوانان را به مهم ترین اصول مربوط به انتخاب همسر جلب نموده تا بتوانی با انتخاب درست از آرامش و تعالی لازم در زندگی برخوردار شوی. بنابراین، هم چنان که اصل وجود لباس مایه آرامش خواهد بود و در صورتی که با اختیار انتخاب شود و تناسب لازم در نظر گرفته شود و دقت در فرایند انتخاب مورد توجه باشد، از انتخاب خویش، احساس خوشایندی خواهی نمود. در مورد همسر نیز اصل وجود آن موجب سکینه و آرامش روحی بوده و چنانچه آن را براساس معیارهای الهی انتخاب نمایی، زندگی مشترکی سرشار از اطمینان و آسایش خواهی داشت و از هر گونه تزلزل مصون خواهی ماند. مع الوصف ای جوان صاحب فکر و اندیشه:

با درایت کن تو همسر انتخاب

چون که آرامش همی آرد چو خواب

داد اسلام داد خاموش دل است

پاسخش ده ای عزیزم با حساب

بر اساس آنچه گذشت، همان گونه که برای محفوظ ماندن از سرما و گرما، نیازمند لباس می باشی و این نیاز طبیعی و برخاسته از ویژگی های جسمانی ات می باشد، برای در امان ماندن از بسیاری از آسیب های روحی و جسمی، نیازمند همدمی به نام همسر می باشی و این احتیاج نیز از مشخصات واقعی روحی و روانی ات می باشد که از سوی آفریننده حکیم برای آرامش نسبی در تو به ودیعت نهاده شده است. همان طور که خداوند در سوره روم آیه 21 می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ

ص: 80



خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار گیرد.

البته ای عزیز اگر چه دقت لازم است ولی باید سعی نمایی که در انتخاب همسر حالت وسواسی پیدا نکنی، همین که جوان متدین، خوش اخلاق و خانواده داری پیدا شد با توکل بر خدا اقدام نما.

حال برای شناسایی ملاک های فوق و اطلاع یافتن از وجود آنها در یک فرد از راه های زیر تحقیق و بررسی امکان پذیر است: 1- تحقیق و بررسی از خانواده و چگونگی روابط خانوادگی و فامیلی. چون هر فردی تحت تأثیر محیط خانواده به دنیا آمده و رشد کرده است و از آن فضای فرهنگی و اجتماعی تأثیر پذیر بوده و هست.

2- تحقیق و شناسایی پیرامون دوستان و نزدیکان و رفقای صمیمی وی در محل سکونت، تحصیل و کار.

3- گفتگوی مستقیم (ولی تحت نظارت خانواده های دو طرف) با یکدیگر و اطلاع یافتن از نقطه نظرات همدیگر درباره مسائل مختلف و آنچه در آینده می تواند در زندگی مشترک تان تأثیرگذار باشد و کسب اطلاع از میزان اهتمام وی نسبت به ملاک ها و معیارهای معرفی شده.

پس عزیزم:

در زمان خواستگاری کن تو تحقیقی عجیب\* تا ببری بالا شناخت خود به مقیاس و ضریب

ص: 81

چون که فرصت داری تا تحقیق خودکامل کنی \* از محلّ زندگی و کار و هر جای مهیب  
پس عزیزم با درایت کن تو تحقیقی قوی \* تا که تصمیمت شود قطعی بدون هر نهیب  
با همان روح الهی تو نما خود را بصیر \* گرسعادت خواهی و رمز و رموز من یجیب  
کن مهیا جان و دل را بهر عقدی پر ثمر \* چون که خطبه می شود جاری عزیزم عن قریب  
بار سنگینی رود بر دوش تو ای نازنین \* بند و بند آن سند امضای تو دارد ادیب  
پس نما خود را مقید بهر حفظ آن سند \* تاشوی راحت ز نفس دون وهم گردی حبیب  
با هوا و هم هوس بی شک روی در راه پست \* در همان راهی که شیطان می کند عهد را غریب  
گر که عیبی را تو دیدی در مسیر زندگی \* با گذشت خود نما آن را برون از سطح شیب  
دار دنیا می شود روزی تمام اندر زمین \* دار عقبا بوده باشد ای عزیزم همچو سبب  
چون که تو خواهی همی پند و نصیحت در مسیر \* داد خاموش درون خواند تو را سوی خطیب

گر وفاداری نکردی بهر آن قول عظیم \* بی شک و شبهه شوی بانفس خوب خود رقیب

گر خلاف آنچه در بطن سند دیدی عزیز \* عهد تو خنثی شود با دید مولا و طیب

پس عزیزم بی دلیل هرگز نرو سوی طلاق \* چون طلاق مطرود حقّ و تو مده خود را فریب

در پایان توصیه می شود جهت اطلاعات بیشتر و دقیق تر و تصمیم گیری واقع بینانه؛ برای مهمترین تصمیم دوران زندگی و نقطه عطف عمر خود؛ باید علاوه بر تحقیق و تفکر لازم؛ با خانواده خود به گفتگو و مشورت پردازای و از نظرات مشورتی افراد با تجربه و امین استفاده نمایی.

تصویر



**آیا می توانم همسر بی عیب و نقص پیدا کنم؟!!**

عقل تو گوید عزیزم ای جوان

همسر بی عیب نباشد در جهان

هشت و چار و دو فقط بودند چنان

پس نما فکر را برون از فکر آن

ص: 83

ای مخلوق بزرگوار، باید بپذیری که به جز ذات باری تعالی و ائمه معصومین (علیهم السلام) در این عالم، وجود بی عیب و نقص یافت نمی شود. بنا براین به هیچ وجه به دنبال همسری بی عیب و کامل برای خود نباش. چرا که این توقع؛ یک توقع غیرعقلانه و

بدور از منطق است که بدون شک در هیچ زمانی جامه عمل به خود نخواهد گرفت. مانند گفتگوی طاووس و زاغ که عبدالرحمان جامی در حکایتی اینچنین مطرح می کند: "روزی طاووسی و زاغی به هم رسیدند و توانستند زشتی ها و زیبایی های یکدیگر را ببینند. طاووس به زاغ گفت: این کفش های قرمز که پای توست، سزاوار تن پوش رنگارنگ و زیبای من است، نه این کفش های سیاه ناموزون. زاغ گفت: بلکه پوشش تو متناسب با کفش قرمز من است و ما اشتباهها لباس همدیگر را پوشیده ایم. لاک پستی که سر در لاک خود فرو برده و گفت وگویی این دو را شنیده بود، سر از لاک درآورد و گفت: "ای دوستان، این بحث بیهوده را پایان دهید؛ زیرا خدا همه چیز را به یک نفر نداده است و همه آرزوها را برای یک شخص مهیا نکرده است. خداوند به هر کس چیزی بخشیده که تنها ویژه اوست، هرکس باید به آنچه خداوند به او بخشیده است، خشنود باشد."

بله ای عزیز؛ آرزوی هر مرد و زنی این است که همسر ایده آلی پیدا کند که از همه زشتی ها و نقص ها به دور باشد و نقطه ضعفی نداشته باشد. البته همانطور که اشاره شد؛ گمان نمی رود در دنیا چنین همسری پیدا شود که صددرصد کامل و بی عیب باشد. مع الوصف این نکته را در نظر داشته باش؛ که محال یا بسیار دشوار است که همسر زندگی ات صددرصد بر وفق تمایلات و آرزوهایت انتخاب شود و جامع جمیع خوبی ها از آب درآید. اصلاً آنچه باید برایت مهم باشد این است، که

همسر آینده ات در دید و نظرت خوب و اهل حق و ایمان باشد. لذا باید توجه داشته باشی که شرط اول در صحت ازدواج ایمان همسر آینده ات می باشد تا همانند یک نور پاک و پاکیزه با الهام از قرآن و اهل بیت، به زندگی ات روشنایی ببخشد و علاوه بر آرامش و ایجاد خوشبختی در زندگی مشترک، فرزندان شایسته، پاک و صالح برایت تربیت نماید.

### **چرا رابطه دختر و پسر نامحرم اشکال دارد؟**

از کنار نامزدان کوچه ای

بی تفاوت کن عبور از گوشه ای

کیدشان را کن رها از جان و دل

گر که تو خواهی بری یک توشه ای

سوالی که همواره ذهن جوانان را به خود مشغول نموده و تقریباً در تمام جلسات پرسش و پاسخ یا مجامع بحث و انتقاد به نوعهای مختلف مستمعین دختر و پسر با حالت خاصی و در بعضی از مواقع بصورت گلایه مطرح می کردند؛ این بود که چرا رابطه دختر و پسر نامحرم اشکال دارد؟ یا به نوعی درباره دلایل حرمت روابط دختر و پسر نامحرم سوال می کردند. اگر چه متاسفانه بعضی از دختران و پسران حتی در سنین پایین به آن آلوده اند و یا از طریق تلفن، اینترنت، چت و... با جنس مخالف ارتباط برقرار کرده و به دنبال این هستند که از این طریق نامزد مناسب و شایسته خود را پیدا و انتخاب نمایند. . . و در نهایت تاسف در خیلی از موارد برای آنها همین موضوع مشکل ساز شده که نمونه های زیادی را حقیر پیگیر آن بوده ام که در

ص: 85

صورت توفیق برای عبرت جوانان عزیز در مجموعه ای جدا تقدیم خواهد شد. اری ای عزیز:

آن که با اینترنت و چت در جهانروز

نامزدی را می کند پیدا بدان

و شب لعنت کند بر جسم و جان

چون که با وی می شود روحش فغان

در هر حال جواب سوال مزبور به نوعهای مختلف در حدّ توان برای جوانان عزیز بصورت حضوری و چهره به چهره بیان می شد. اما در اینجا بطور مبسوط با استفاده از منابع مختلف به شرح زیر ذکر می شود:

عشق اصیل و حقیقی و به قول قرآن «مودت» و «رحمت» لازمه آغاز و استمرار زندگی خانوادگی و مایه نشاط جسمی و عاطفی و روحی است. اگر زن و مرد، پروانه های شمع عشق باشند، زیباترین زندگی را به تصویر می کشند اما برخی عشق در زندگی را با دوستی ها خیابانی. . . اشتباه گرفته اند، عشق مافوق نیازهای جسمی و مادی است زیرا نیاز مادی و شهوانی،

چیزی جز یک نیاز موقت بدنی نیست که به مجرد تخیله انرژی فشرده جنسی به پایان می رسد. اما شور عشق همیشه باقی است.

به اعتراف دانشمندان اروپایی در جوامع آزاد که جاذبه های ظاهری و شوق جنسی حاکم است، عشق اولین قربانی است. در این صورت، عشق های برخاسته از نهاد و درون به افسانه تبدیل شده جز مدعیان دروغین کسی یافت نمی شود زیرا پسری که هر روز با دختری می گردد و هر دم که نگاه می کند عده ای را در

حال جلوه‌گری می‌بیند دیگر تنوع‌طلبی در او حاکم شده و از عشق به دور است. جوانی که دنبال چشم‌چرانی است و در کوی و خیابان و بیابان... دل به عشق بازی این و آن سپرده است، آیا این عشق چیزی جز شهوت و هوس می‌تواند باشد؟

استاد مطهری می‌گوید: «در مورد غریزه جنسی و برخی غرایز دیگر، برداشتن قیود در عشق به مفهوم واقعی را می‌میراند و طبیعت را هرزه و بی‌بند و بار می‌کند، در این مورد هر چه عرضه‌بیش‌تر گردد هوس و میل به تنوع‌افزایش می‌یابد» (1).

«موریس مترلینگ» می‌گوید: «عشق در تمامی موجودات وجود دارد، ولی درک آن تابع شرایطی است که تا آن شرایط جور نشود امکان آن وجود ندارد... بعضی آن را منحرف می‌کنند و ندانسه به صورت تمتع از لذت، مصرف می‌نمایند و هیچ از حقیقت آن برخوردار نمی‌شوند» (2).

آری! هر که خود را رایگان و ارزان به این و آن بفروشد، معلوم می‌شود از بازار قیمت‌انسان بی‌خبر است. هر کسی هم که زود عاشق شود و مرتب معشوق عوض کند، معلوم است که عشق را به بازی گرفته یا خودش بازیچه هوس شده است. بازی‌گری و بازیچه‌بودن، هر دو ایه شرمساری است. باید درباره مرز میان عشق و هوس بیش‌تر اندیشید.

ص: 87

---

1- کتاب مسأله حجاب، ص 113

2- کتاب عقل و سرنوشت، ترجمه موسوی فرهنگ، ج 3، ص 146

«کارن هرنا» می گوید: «فرق بین عشق و نیاز به جلب محبت آن است که در عشق احساس دوستی و محبت بر همه چیز مقدم است. در حالی که در نیاز عصبی به جلب محبت، همواره نیاز به رفع تشویش درونی مقدم است. بسیاری از این نوع روابط بین انسان ها گرچه اساسش سودجویانه است. مع ذلک ماسک عشق و دل بستگی به چهره می زنند. . . به همین جهت یکی از مشخصات عشق حقیقی، پایدار بودن احساس محبت می باشد»<sup>(1)</sup> بنابراین عشق جنسی و دوستی های خیابانی که با ترشح غدد جنسی آغاز و با ارضای زودگذر جسمانی پایان می یابد، نابودکننده عشق حقیقی و واقعی است. و عشق اصلی را به افسانه تبدیل می کند.

جوانی که با نامه و یا sms های «فدایت شوم» و «برایت می میرم» و «اگر تو نباشی من هیچم» و «دوستت دارم» خود را می بازد و همچون پر کاهی به این سو و آن سو در حرکت است، همیشه در حال هیجانانگیز روحی و التهاب جنسی به سر می برد. «ویل کارنگی» می گوید: «آنچه می خورید، باعث زخم معده نمی شود، بلکه آن چه که شما را می خورد (هیجان) موجب پیدایش این زخم می شود.»<sup>(2)</sup>

استاد مطهری می گوید: «(این نوع روابط) هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد. . . با توجه به این که روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است

ص: 88

---

1- کتاب عصبانی های عصر ما، ترجمه ابراهیم خواجه نوری، ص 138

2- کتاب آئین زندگی، ص 47



و از آن پس آرام می‌گیرد. هیچ فردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس (و رفاقت های هوس آلود) سیر نمی‌شود. تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها و به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری های روانی می‌گردد که امروزه در دنیای غرب بسیار به چشم می‌خورد. «(1)

هرگونه ارتباط و دوستی دختر و پسر تا زمانیکه نامحرم هستند از دیدگاه شرع ممنوع است. از مراجع عظام پرسیده شده است که «نامه نگاری با نامحرم و طرح مسائل عشقی یا شهوانی در نامه و... چه حکمی دارد؟ فرموده اند: جایز نیست و از هر کاری که موجب مفسده است اجتناب شود.

این گونه روابط خلاف تقواست و ایمان و معنویت را نابود می‌کند. علی (علیه السلام) در این خصوص فرموده اند: «لا یجتمع الشهوه و الحکمه؛ شهوت و حکمت در یک قلب جمع نمی‌شود.» (2) و نیز فرمودند: «لا تقسد التقوی الا غلبه الشهوات؛ هیچ چیز به اندازه چیرگی شهوت، تقوا را از بین نمی‌برد.» (3) و در جایی دیگر تصریح فرموده اند که «قرین الشهوه مریض النفس معلول العقل؛ کسی که با شهوت همراه شود جان و عقلش بیمار می‌شود.» (4) در هر حال ای عزیز:

1. اسلام زن و مرد نامحرم را از صحبت کردن با هم و برخورد هایی که لازمه

ص: 89

---

1- کتاب مسأله حجاب، ص 84-87

2- میزان الحکمه، ج 10، ص 386

3- همان منبع

4- مستدرک الوسائل، ج 11، صص 344-346

رسیدگی به کارهای روزمره است منع ننموده است البته در صورتی که بدون هیچ شائبه ای بوده و به مسائل دیگر آلوده نباشد. 2. حریم نگه داشتن میان زن و مرد نامحرم در متون روایی و در سیره معصومین - علیهم السلام - ذکر شده است، سنت جاری مسلمین از زمان رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - همین بوده و زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی شده اند ولی همواره اصل «حریم» رعایت می شده و در مساجد و مجامع حتی در کوچه و معبر زن و مرد مختلط نبوده و درب ورودی زنان در مسجدالنبی - صلی الله علیه و آله - جدا بوده است. 3. اسلام می خواهد جامعه عاری از هرگونه نگاه و رفتار هوس آلود و سرشار از کار و فعالیت باشد و زن و مرد فارغ از دغدغه های شهوانی به تحصیل و سایر کارهای زندگی برسند لذا زن و مرد را از اختلاط بی حد و مرز و از زیر پا گذاشتن حریم های عفاف باز داشته تا سلامت فرد و جامعه تأمین گردد.

4. اگر حساسیتی نسبت به صحبت نمودن و برخورد های مستمر دختر و پسر وجود داشته باشد، به روحيات و سن و شرایط ویژه آن دو بستگی دارد، دختر و پسر پس از بلوغ سرشار از غرایز و عواطف بوده و تأثیر پذیری بسیاری دارند، در این سن حکومت و سلطه غرایز جنسی فراگیر می شود و بر اعمال و رفتار و اندیشه ی جوان سایه می افکند. احساس نیازی که در جوانان نسبت به جنس مخالف وجود دارد باعث می شود که آنان هر لحظه به دنبال پاسخی برای ارضای آن و جبران کمبود روحی - روانی خود باشند. در بسیاری از برخوردها، دختر و پسر هر چند به بهانه های گوناگون با هم آشنا می شوند؛ اما اندک اندک بر اساس تسلط طبیعی غرایز نگاه و

سخن و رفتارشان رنگ و بویی دیگر گرفته و چه بسا بعد از مدتی به یکباره متوجه می شوند عواطف و احساسات و عفت و طهارت آنان بازیچه هوس شده است.

5. در داستان حضرت یوسف - علیه السلام - به خوبی در می یابیم انسان در زمینه مسائل جنسی در خطر است و اگر رعایت جوانب احتیاط را نکرده و به خدا پناه نبرد طعمه شیطان می گردد. در قرآن می خوانیم «آن زن قصد یوسف نمود و یوسف نیز اگر برهان پروردگار را نمی دید قصد وی می نمود» آیه می گوید ایمان حضرت یوسف سبب نجات او شد و در غیر این صورت به طور طبیعی او نیز در این راه به خطا می رفت پس برخورد میان زن و مرد از لغزش گاه او می باشد و در داستان حضرت موسی و دختران شعیب می خوانیم هنگامی که دختر از طرف پدرش شعیب، موسی را دعوت نمود حضرت موسی (علیه السلام) گفت: «من جلو می روم و تو پشت سر من راه بیا من از قومی هستم که پشت زنان نگاه نمی کنیم». در حدیثی آمده حضرت علی (علیه السلام) کراهت داشت تا به زنان جوان آغاز به سلام کند، و پیرامون حکمت آن فرمود: «ترس از آن دارم که تحت تأثیر صدای او واقع شوم و ضرر آن از ثوابی که از سلام می برم بیشتر شود.» و در حدیث دیگری پیرامون شوخی زن و مرد نامحرم آمده است: «ابوبصیر می گوید: به زنی درس روخوانی قرآن می دادم کمی با او شوخی کردم؛ وقتی خدمت امام باقر (علیه السلام) رسیدم به من فرمود: چه چیزی به زن گفتی. رنگم پرید و خجالت کشیدم. بعد فرمود: دیگر به طرف آن زن مرو و درس مده» همچنین احادیثی درباره عذاب کسانی آمده که با زنان نامحرم شوخی و خوش طبعی می کنند.

با توجه به آیات و احادیث فوق به خوبی حکم اختلاط و همدوشی ها و روابط بی حدّ

و مرزی که متأسفانه دارد در سطح جامعه رواج پیدا می کند و حتی به اسم روشنفکری به آن دامن زده می شود مشخص می شود که برخلاف نص صریح معارف اسلامی و آموزه های دینی است. آری ای عزیز بزرگوار غزل زیر که در همین راستا می باشد را با تامل و دقت مرور فرما:

دوست دختر یا پسر در این جهان

آفت است بر جان و سر بی هر گمان

گر چه نفس تو همانند سراب

می رود دنبال آن در هر زمان

کار تو باشد حرام اندر حرام

می کنی نابود عزیزم روح و جان

حکم آن باشد شدید در شرع ما

گر نمی دانی بدان تو ای جوان

بعضی از افراد نادان و خراب

می زنند با نیش خود بر هر روان

آن جوانی را که دور است از گناه

امّلس دانند و گویند او همان

پست و بی ارزش بود در دید ما

گر چه خود نادان و باشند در فغان

پس عزیزم آن عزیز با عفاف

چون که از جنس مخالف در نهان

ص: 92

بر اساس معرفت و اعتقاد

می کند دوری درون هر مکان

تا زمانی که شود محرم و یار

وفق سنت می برد لذت ز آن

این جوانی که چنین با افتخار

عفت و پاکی ی خود را آن چنان

کرده حفظ و می رود سوی حلال

بی گمان هر روز و شب از آسمان

سوی وی آید ثواب ها و سلام

می برد لذت و باشد در امان

چون که عشقبازی ی وی در این سرا

لحظه لحظه همچو ذکر است در عیان

در چنین حالی بود آرام و شاد

چون که طبق شرع رود سوی جنان

پس حقیر گوید که ای دوست خدا

ارزشت والا بود قدرش بدان

همانطور که اشاره شد اسلام ارتباط دختر و پسر در مسائل ضروری با رعایت حدود شرعی را بدون اشکال می داند و دستورات دینی برای این است که دختر و پسر «ارتباط» شان تبدیل به «رابطه» و وابستگی عاطفی نشود. خدا قادر، مهربان، حکیم و بی نیاز است و در تکالیف شرعی اش مصالح ما را در نظر می گیرد. مراجع تقلید، اسلام شناس هستند و با سال های متمادی تلاش علمی حکم خدا را از قرآن و

حدیث برای ما بیان می کنند. اگر مراجع دنبال شهرت و جمع کردن مرید و هواخواه از هر طیفی و به هر شکلی بودند، می توانستند برای فریب دیگران سخنانی بگویند که مطابق میل و هوس افراد هوسران هم باشد، آنها نمایندگان امین امام زمان (عج) در زمان غیبت هستند. رعایت نکردن مسائل شرعی در روابط محرم نامحرم دودش بیشتر در چشم دختران می روند. دختران و زنانی که بزرگ می کنند تصور می کنند که مردان را به خود جذب می کنند غافل از این که مرد از الف نگاه تا یای ارتباط با نامحرم به دنبال هوسش است و کلمات عاطفی، هدیه و.. ابزار کشاننده و نیرنگ و فریب است. 32 نکته ای که هرکدام با «ت» شروع شده اند، هشدارنامه ای است برای دخترخانم ها که براساس سال ها تحقیق میدانی و تجارب مشاوره ای به دست آمده است و هم اکنون در صحن دادگاه ها و متن ندامت نامه ها از دختران فریب خورده می شنویم:

1. تقدیس: برخی ارتباط دختر و پسر را آسمانی می دانند و التهاب هیجانی اش را محبتی مقدس می شمارند.

2. تشبیه: تو ملکه رویاهای منی، من تو دو مرغ عشقیم.

3. توشیح: خالکوبی نام دختر روی بازو و نوشتن جملات عاشقانه روی بدن. 4. تشریح: شرعی دانستن این ارتباط و بی گناه دانستن آن به خاطر این که هر دو راضی هستیم و به ازدواج ختم می شود.

5. تندیس: به ظاهر از دختر بت ساختن، تصویر دختر را گرفتن و بدن، هیکل، چهره، چشم و ابروی او را بی مانند دانستن.

6. تشیپ: شوخی کردن و سر به سر گذاشتن و خود را همیشه با نشاط و سر حال جلوه دادن

7. تعجیل: در ابتدا که ارتباط شروع می شود برای ایجاد اصل ارتباط عجله دارند و تمایل دارند مکرر هم را ببینند، تماس داشته باشند تا این که دختر به مرز وابسته شدن

برسد. 8. تعقیب: دنبال او می رود تا خانه اش را پیدا کند.

9. تشویق: برای این که دختر را به ادامه ارتباط وادار کند او را با کلمات عاطفی و هدیه تشویق و تقویت می کند.

10. تصدیع: درد سر درست کردن و مزاحمت، اخاذی به بهانه پول قرض گرفتن با تحریک عواطف دختر، تماس های مکرر و...

11. تصنیف: درباره او شعر گفتن و خالی بندی و بلوف زدن. ظاهرا درس رویاه و زاغ دوم ابتدایی را پسران رویاه صفت بدجوری برای فریب دختران به کار می بندند.

12. تعسیر: سختگیری کردن که چرا دیر آمدی، چرا با فلانی حرف زدی، حسادت و تعصب نشدن دادن.

13. تزویر: دروغ پردازی و دورویی و با ادب سخن گفتن برای دام پهن کردن، با هر دختری که دوست می شود می -گوید تو اولین و آخرین عشق منی،

14. تنویم: خواب کردن دختر با به دست آوردن رگ خواب او؛ چه قدر این لباس بهت میاد، هم حرفای قشنگی می زنی و هم قشنگ حرف می زنی، دیدنت خیلی به من آرامش می ده و... (همون چیزهایی که والدین در خانه برای دختر کم گذاشته اند و...)

ص: 95

15. تخدیر: معتاد کرد دختر به اس ام اس های عاشقانه وقت و بی وقت، کلمات رمانتیک و حتی مواد مخدر.

16. تحمیل: در برخی موارد وادار کردن دختر به معرفی دختر دیگر، 17. تحریک: استفاده از اهرم و تحریک عاطفی دختر؛ وانمود کردن این که اگر

رهام کردی نفرینت می کنم تا آه من و مادرم دامن تو خانواده ات را بگیرد، اگر به تو نرسم تا آخر عمرم ازدواج نمی کنم، اصلا سر به بیابان می گذارم. یا من خواهر ندارم و تو را به چشم خواهری می بینم، من سرطانی هستم و می خوام آخر عمری با کسی که شخصیتی عرفانی دارد، صحبت کنم تا آرام شود و شما را مناسب دیدم و... (بعد که مطمئن شد دختر وابسته شده می گوید من سالم هستم دکترها گفتند اشتباه شده یا من را ببخش مجبور شدم برای صید دختر خوبی مثل تو از این روش استفاده کنم و از این به بعد این دختر است که تمنای دیدن پسر و با او بودن را دارد.)

18. تحمیق: به زبان ساده و خودمانی خر کردن دختر و بستن راه بینش او. مثلا میگه خانواده ات در جریان نباشه می خواهیم سورپرایزون کنیم یا توفروشته تمام عیاری از وقتی با تو آشنا شدم، دور گناه و نگاه به نامحرم را خط کشیده ام و با خدا آشتی کردم؛ به همین دلیل است که می گویم شک نکن که عشق ما آسمانی است نه زمینی.

19. توقیت: ضرب الاجل و وقت مشخص کردن. اگر در دوستی ات با من صادقی باید بدون نگرانی و درنگ من را به کام برسانی وگرنه حتما دلت با پسر دیگه ای است و...



20. تملیک: احساس مالکیت نسبت به دختر. تو حق نداری به فلان مهمانی بروی. حق نداری چادر بپوشی یا ....

21. تفضیح: به رسوایی کشاندن در صورت تن ندادن به درخواست پسر با عکس و فیلم و توهین و تهمت.

22. تطمیع: به طمع انداختن دختر؛ من کمکت میدم بابات مواد را ترک کنه. برات یه بوتیک می زنم که مستقل بشی حق تو بیش از اینهاست. کاری می کنم که همه حسرت لباس و ماشین و منزل تو را ببرند. یه لباس عروس دیدم نشونت بدم فکر می کنم تو اون ماه میشی و..

23. تهدید: اگر به خواسته ام تن ندهی آبروت را می برم. به صورتت اسید می پاشم که حتی بابات هم نخواد به صورتت نگاه کنه. عکس و فیلمت را پخش می کنم. بلایی به سرت میارم که مرغان هوا به حالت بگریند و..

24. تویخ: پسر بعد از سوء استفاده از دختر و ارضا شدن می گوید: عقل و شعور که داشتی من هم که مجبورم نکرده بودم می خواستی تقاضای دوستی من را نپذیری، هزارتا دختر دیگر سراغ داشتم. تو اگر دختر پاکی بودی بدون هماهنگی با خانواده با من دوست نمی شدی. بی خود به من دلبستی. دختر خاله ام عاشق منه تو به چه چیزت می نازی به مالت، جمالت یا...

25. توجیه: ببین هنوز هم می خوامت، ولی یه حسی به من میگه نمی تونم خوشبختت کنم. فال گرفتم میگه شما برای هم نیستید. مادرم میگه من باید عروسم را خودم انتخاب کنم، من سرطان دارم نمی خوام بدبختت کنم. و....

26. تکثیر: ارتباط با دختر و باردار شدن با لحظه ای هوسرانی پسر، منبع اضطرابی طولانی برای دختر به بار می آید، در حالی که پسر هیچ سهمی از این گرفتاری را به «عهده» نمی گیرد، چون تعهدی ندارد. روان شناسان می گویند مثلث عشق با ازدواج اتفاق می افتد با سه ضلع کامل؛ مثلث عشق = تعهد + صمیمیت + شور و شهوت. در روابط دوستی این مثلث کامل نمی شود. و خواستگاری سنتی کمک می کند این مثلث دقیق و بدون فریب اتفاق افتد. در واقع نظارت و اجازه پدر مهر استاندارد بر پسر است که همجنس پدر است.

27. تحقیر: خانواده شما در حد خانواده ما نیستند. من خجالت می کشم با تو بین فامیلم بروم. یا بهانه هایی مانند تو چاقی، خیلی لاغری، از من بزرگ تر به چشم میای، هنوز بچه ای و...

28. تکثیر: ادعای عدم آشنایی. من قول ندادم که با هم ازدواج کنیم. از همان اول هم ارتباط مان برای دوستی بود. اصلا من تو را نمی شناسم این پرت و پلاها را برای من نباف. برو یکی دیگه ای را سرکیسه کن و...

29. تصمیم: من فکرهایم را کردم. مطرح کردن این سخنان قلبم را میچاله و داغون می کنه، خیلی برام سخته بگم، ولی هر طوری بود تصمیمم را گرفته ام. چون دوستت دارم، نمی خوام با ازدواجم با تو جلوی خوشبختی ات را بگیریم. لیاقت تو بیش از اینها است. می دونم من نمی تونم با گرفتاری هایی که دارم تو را خواسته هایم که حقت هم هست برسانم. بهترین راه اینه که از هم جدا بشیم اما نه برای همیشه تو ازدواجت را بکن ولی باز هم را ببینیم.

30. تنبیه: باز هم برای خام کردن دختر و برای این که بدقولی ها و خیانت های خود را توجیه کند رویاه وار می گوید. فکر نکن جدا شدن از تو برام راحت است. ولی به نظرم این مزد و رسم عاشقی است که باید عمری عاشق بسوزد. ولی من با آشنایی با تو بود که خودم را یافتم. حاضرم به خاطر این تصمیم هر توانی را به جز بدبخت کردن تو با ازدواج بدهم.

31. تطلیق: جدایی عاطفی و فیزیکی

32. تعلیق: معلق ماندن دختری که علاقه شدید عاطفی به پسر پیدا کرده و قلب و ذهنش درگیر او شده است و احساس گناه و خیانت به پدر و مادرش که از آنها مخفی کاری کرده است، می کند. از سوئی هم بی وفایی پسر و نقشه او برای به دام انداختن دختری دیگر (1) حال ای عزیز بزرگوار با عنایت به آنچه مطرح شد و سی و دو بند مزبور وظیفه یک دختر در قبال نا محرم و انجام دستورات اسلام چیست؟ در پاسخ ابتدا باید به این نکته توجه داشت که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره زن می فرمایند: "الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ" (2) یعنی زن گل است. یک موجود لطیف، که از نظر اسلام از جایگاه والایی برخوردار است و مهم ترین نقش زن، همسررداری، مادری و مدیر تربیتی خانواده است. از نظر اسلام، بالاترین سرمایه زن، عفت و پاکدامنی اوست که از ایمان و آگاهی او سرچشمه می گیرد، و از ابتدای زندگی تا انتهای آن جریان دارد. اگر این عفت در کنار علم و تجربه و اخلاق قرار گیرد ثمره اش

ص: 99

---

1- محمدحسین قدیری، ماهنامه خانه خوبان، ش 59، ص 58 و 59. (با کمی دخل و تصرف)

2- کافی، ج 5، ص 510، باب اکرام الزوجه و نیز وسائل الشیعه، ج 20، ص 168، باب 87

زندگی موفق، فرزندانی مفید و مؤثر و خدمت گذار خواهد بود. بر عکس هر چه این سرمایه آسیب ببیند؛ انسان در زندگی دچار مشکلات متعدد خواهد شد. زیرا اگر این سرمایه خدشه دار شود در گام اول اعتماد خانوادگی (اعتماد بین زن و شوهر، مادر و فرزند، دختر و پسر و . . .) سلب خواهد شد و به دنبال آن پایه های زندگی سست و اختلاف و درگیری؛ جای آرامش را خواهد گرفت. بنابر این یک دختر مسلمان یا حتی غیر مسلمان که خواهان زندگی موفق است، باید نهایت سعی و تلاش خود را به کار گیرد تا این گوهر گرانبها حفظ شود، زیرا چه بسا که یک لذت زود گذر یک عمر پشیمانی را به همراه دارد! پس باید تمام دستوراتی که اسلام برای حفظ پاکدامنی، وضع کرده است در جامعه رعایت شود، اما از آنجا که آسیب هایی که متوجه یک زن است غیر قابل جبران است، لازم است که زنان در این راه بیشتر سعی و تلاش نمایند. دستوراتی نظیر پوشانیدن زیبایی های بدن در مقابل نامحرمان، خودداری از ارتباط و تماس های غیر ضروری با مردان بیگانه و نامحرم، خودداری از تردد در مکان های خلوت، خودداری از پذیرفتن شغل هایی که ناچار است با یک نامحرم ساعتی را در یک محیط خلوت باشد و . . .

در هر حال ای عزیز بزرگوار، برای این که این دستورات را به طور کامل انجام دهی لازم است به این نکته توجه داشته باشی که، خداوند متعال هر دستوری را که صادر می کند یا خیری در آن است که بندگان از آن بهره مند می شوند و یا به واسطه آن، شری را از آنها دفع می کند. بدان و هوشیار باش که هیچ یک از دستورات خداوند، بدون حکمت و بیهوده نیست. حتماً نفعی را به ما می رساند

یا ضرری را از ما دور می کند. هر چند ما آن نفع و ضرر را الان به خوبی درک نمی کنیم! آری اگر اسلام از زن خواسته است که زیبایی خود را از نامحرم بپوشاند، وقار خود را حفظ کند و حتی نسبت به مردان نامحرم حالت تکبر به خود بگیرد و با خشوع و خضوع با آنها سخن نگوید و شب به تنهایی از خانه خارج نشود و در فضاهای ترسناک نرود. . . از آن جهت است که زن سرمایه گرانبهای خود را حفظ کرده و آن را در اختیار شریک زندگی خود (همسر) قرار دهد تا بتواند شوهر و فرزندان را پای بند زندگی نماید. بدون تردید زنی که دستورات اسلام را باور کرده باشد به هیچ قیمت و در هیچ شرایطی حاضر نیست که این دستورات را زیر پا بگذارد.

در خاتمه این بحث تاکید می گردد که اسلام به نیاز طبیعی زن و مرد توجه کرده و ازدواج را بهترین پاسخ برای نیازهای جسمی و روانی انسان قرار داده است. و خواهان آن است که هرگونه ارتباط تحت ضابطه و در کادر رسمی آن باشد. در سایه ازدواج از هرج و مرج جنسی و بی بند و باری - که امروزه جوامع غربی شاهد آن است - جلوگیری شده و به نیاز طبیعی نیز پاسخ داده می شود. اشباع غرایز و سرکوب نکردن آن یک مطلب است و آزادی و رفع مقررات و موازین اخلاقی مطلب دیگری است. اسلام اصرار فراوانی دارد که مسائل جنسی منحصرآ باید در خانه و محیط خصوصی باشد و افراد با خروج از خانه دغدغه ای جز فعالیت و تلاش در کار و تحصیل نداشته باشند و محیط اجتماع عاری از هر نوع گناه و کامیابی نامشروع جنسی باشد، فلسفه تحریم نظر بازی و تمتعات جنسی غیر قانونی و حرمت

خودآرایی برای بیگانه از اینجا نشأت می‌گیرد و این همان چیزی است که فریاد خاموش درون هر زوجی برای رسیدن به آرامش و خوشبختی بدنبال آن است.

### پیامدهای منفی دوستی‌های قبل از ازدواج چیست؟

اختلاط مرد و زن در هر مکان\* می‌کند ویران همه روح و روان

پس نما دوری ز آن در هر زمان\* تا شوی راحت ز شرّ این و آن

ای عزیز بزرگوار، بیشتر دخترانی که ماجرای ارتباط خود با جنس مخالف را با مولف در میان گذاشته‌اند می‌گویند: «او به من گفت که ما با هم ازدواج خواهیم کرد.» اما تجربه نشان داده است که قریب به اتفاق این نوع دوستی‌ها به ازدواج ختم نمی‌شود چرا که همه مردم به صورت فطری ارزش پاک بودن را می‌دانند. بنابراین همان جوانی که قبل از ازدواج ممکن است با چندین دختر ارتباط داشته باشد؛ در هنگام ازدواج، از مادرش می‌خواهد که برای او یک دختر پاک و مؤمن انتخاب کند. وقتی از آنها سوال می‌شود چرا با همان دختری که با او دوست بودی ازدواج نمی‌کنی؟ می‌گفتند: «او به درد دوستی می‌خورد ولی به درد ازدواج نه. ازدواج شوخی بردار نیست، یا من به او اعتماد ندارم!» با این حال همین افراد وقتی با دیگران ازدواج می‌کنند؛ متأسفانه دوستی‌های قبل از ازدواج آنها پیامدهای منفی در زندگی آنها، بر جای خواهد گذاشت که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. ترس از افشای ارتباط های گذشته: جوانی که انتظار دارد که زندگی او سرشار از عشق و محبت و آرامش باشد اگر در گذشته دوستی هایی داشته، همیشه نگران است که مبادا روابط گذشته او آثار بدی در زندگی اش گذارد و هر آن احتمال افشای آن سبب بروز مشکلاتی گردد، به ویژه در بافت اجتماعی جامعه اسلامی ما.

2. بدگمانی نسبت به همدیگر: پسری که قبل از ازدواج با افراد زیاد ارتباط داشته است به هنگام ازدواج به هر دختری نظر می کند، می پندارد و نیز با پسرهای متعددی ارتباط داشته پاک و عفیف نیست. حال اگر جوانی با تجربه های قبل از ازدواج بخواهد کانون عشقی بر پا کند، خانواده ای تشکیل دهد، اولین مشکل او بدگمانی به همسر اوست که نکند او هم به سان دیگر دختران از دوستان پسری برخوردار باشد. و طبعاً اضطراب و ناآرامی بر زندگی او حاکم خواهد شد. «ویل دورانت» در کتاب لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، ص 136 در این زمینه می گوید: «مرد، نگران و مضطرب است که مبادا کسی پیش از او زنش را تصرف کرده باشد، ولی این نگرانی و اضطراب در زن کمتر است».

3. تنوع طلبی: مرد با زنی که قبل از ازدواج با افراد متعددی ارتباط دوستی داشته خواه ناخواه تنوع طلب می شود و این امر بعد از تشکیل خانواده و زندگی مشترک همچنان ادامه می یابد، و این امر عامل کم شدن محبت به کانون گرم خانواده می شود. «ویل دورانت» در این خصوص می نویسد: «فساد پس از ازدواج، بیش تر محصول عادات پیش از ازدواج است. . . (که) در زیر عوامل سطحی طلاق، نفرت از بچه داری و میل به تنوع

طلبی نهان است. میل به تنوع

ص: 103

گرچه از همان آغاز در بشر بوده است ولی امروزه به سبب اصالت فرد در زندگی و تعدد محرکات جنسی در شهرها و تجاری شدن لذت جنسی، ده بار گشته است»<sup>(1)</sup>.

4. دشمنی و نفرت: فلسفه منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع و منع ارتباط با نامحرمان از نظر خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوش بخت کردن او به شمار برود، در حالی که در سیستم آزاد کامیابی و ارتباط دوستانه، همسر قانونی از لحاظ روانی، یک زندانبان و نگهبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود.

5. جرّ و بحث دائمی: بدگمانی از یک طرف و تنوع طلبی از طرف دیگر باعث می شود همیشه جر و بحثی بین زوجین در گیرد و هر چند وقت یکبار به این مسأله اشاره شود که بلی اگر تو سالم بودی با من دوست نمی شدی. جمعی از جوانان در مصاحبه درباره روابط دختر و پسر علی‌رغم اصرار بر رفع محدودیت های موجود در جامعه و خانواده؛ در لا به لای سخن خود به برخی از مفاسد اشاره نموده اند. پسری می گوید: «به نظر من اگر پس از ایجاد ارتباط، ازدواجی صورت گیرد مشکل آفرین می شود، چون پسرهایی که (با دختری) دوست می شوند، تا مشکلی در زندگی مشترک پیش می آید می گویند: آره تو همان کسی بودی که با من دوست شدی...»<sup>(2)</sup>.

ص: 104

---

1- کتاب لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، ص 46

2- ایران جوان، شماره 135، ص 36



و اما از آثار منفی اختلاط بی قید و بند در جوامع غربی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- از هم گسیختگی اخلاقی: از هم پاشیدن اخلاق و کودتای شهوانی. غلبه شهوات حیوانی بر انسانیت انسان. تباه شدن حیا و عفت در بین زنان و مردان و سلب آسایش از جامعه و... همه از آثار بی بند و باری و آزادی جنسی هستند. کندی رئیس جمهور پیشین آمریکا در یک اعتراف مشهور که در سال 1962 توسط روزنامه ها منتشر شد. اظهار داشت: "جوانان آمریکایی پوچ و خام و از هم گسیخته و در لجنزار شهوانی غرق شده اند. شش هفتم آنها به علت فساد اخلاقی لیاقت و توانایی خدمت سربازی را ندارند، به عنوان یک مسئول آمریکایی هشدار می دهم که آینده آمریکا در خطر است"

2- انتشار فرزندان نامشروع: انتشار فرزندان نامشروع که بصورت غیر قانونی متولد شده اند یکی از آثار آشکار بی بند و باری جنسی و برداشته شدن حجاب از بین جامعه است و از گزارشات متعددی که از دختران حامله در دبیرستانهای امریکا تهیه شده آمار وحشتناکی بدست آمده است و اینک به تازه ترین سرشماری در این مورد می پردازیم در این گزارش آمده است که بیش از یک سوم متولدین سال 1983 در نیویورک. کودکانی هستند که از راه نامشروع و غیر قانونی به دنیا آمده اند و اکثر آنها از دخترانی متولد شده اند که سن آنان از 19 سال پایینتر است. تعداد این کودکان 112353 نفر یعنی 37% از کودکان متولد شده در نیویورک است.

3- افزایش تعداد کسانی که علاقه به ازدواج و زندگی زناشویی ندارند: وجود راه های ارضای غرایز شهوانی بدون دردسر و پیگرد قانونی و بدون تحمل هزینه های

ص: 105

ازدواج سبب شده که بسیاری از جوانان این راه آسان را انتخاب کنند و به گمان خود بجای زندگی راکد و تکراری هر روز با یکی در فضای تنوع به سر برند و روزهای جوانی را با این و آن سپری کنند. از سوی دیگر از دام تکلیف های همسر داری و هزینه های پرورش فرزندان نجات یابند. نتیجه چنین فرهنگی وجود دختران سرگردان بی شماری است که روزهای جوانی را بدون همسری می گذرانند که در کنار او به آرامش برسند. وقتی به سن پیری رسیدند همچون کالایی فرسوده به گوشه ای پرتاب خواهند شد. 4- افزایش طلاق و فروپاشی خانواده ها: مشکلات و موانع بسیاری در راه ازدواج قد برافراشته اند و در صورت ازدواج پیوند بین زن و شوهر چندان محکم و مطمئن نیست چنانکه بین زن و مرد نامحرم در جامعه محدودیتی وجود نداشته باشد کسی حاضر نیست این همه موانع و مشکلات را تحمل کند و حتی به فرض ازدواج هم. خانواده خیلی زود فرو می پاشد و با کوچکترین بهانه پیوند زن و شوهر از هم می پاشد و نسبت طلاق در آمریکا روز به روز با رشد وحشتناکی افزایش می یابد.

5- افزایش بیماری های وحشتناک: بیماریهای مسری. اختلالات عصبی و روانی، دیوانگی و ناهنجاریهای جسمی و روانی هر ساله هزاران قربانی می گیرد. ایدز این خطرناکترین بیماری است که سالهای زیادی از کشف آن نمی گذرد. این بیماری سیستم دفاعی بدن را در مقابل میکروب و بیماریهای معمولی نابود می سازد و چنانکه در گزارشهای پزشکی و آمارگیری های رسمی که از نشریات و روزنامه های جهان منتشر می شوند، این بیماری جان میلیونها انسان را تهدید می کند. در اینجا ای عزیز بزرگوار باید به عظمت اسلام و معجزه پیامبر اعتراف نمود که می

فرماید "میان هر قومی که فساد و فحشاگری گسترش یابد و آن قوم در ارتکاب گناه گستاخ شوند طاعون و بیماریهایی در میان آنان گسترش می یابد که در میان گذشتگان آنان وجود نداشته است" دعوتگران اختلاط نامشروع و بی بند و باری و از هم گسیختگی اخلاقی چرا می خواهند این همه درد و بلا را به جامعه ما تزریق کنند؛ حال آنکه خداوند ما را از آن بر حذر داشته است.

6- از بین رفتن محبت: بی گمان در بسیاری از کشورها فسق و فساد پنهانی جایگزین فساد و بدکاری علنی شده است، که به شکل آزاد و بصورت امری روا انجام می گیرد. بنابراین آزادی جنسی و محبت از شخصی به شخص دیگر در ذات خود محبت واقعی را از بین می برد، زیرا تا زمانی که انسان به مقصود نرسیده است محبت همان چیز را دارد و همین که به هدف خود رسید در پی به دست آوردن محبت دیگری و در واقع به دام انداختن دیگری است.

تصویر



### شروط اصلی برای ازدواج چیست؟

بر بلوغ هایش توکن هر دم نظر

از شروط ازدواج است ای بشر

ص: 107

با امید و اختیار کن انتخاب

تا شوی فارغ ز هر نوعی خطر

ازدواج سفری است که دختر و پسر با عقد آغاز نموده و با همراهی و همکاری هم آن را ادامه می دهند و به سوی اتحاد و یک رنگی گام بر می دارند، آن دو پس از عقد شرعی و محرمیت، با کمال مسرت و خوش دلی، از انس و محبت یکدیگر و نیز از گرمای وجود هم لذت می برند.

اگر چه ازدواج امری مقدس و لازم است ولی نباید از این نکته غافل بود که باید با شرایط خاص خود و در زمان مخصوص خود انجام گیرد تا آن برکات ویژه بر آن مترتب شود. و نباید تصور شود که ازدواج یعنی وسیله دفع شهوت جنسی و بس. بلکه ازدواج بناگذاری یک زندگی مشترک و آمادگی برای تربیت فرزند و قبول مسئولیت خطیر تربیت و پذیرفتن تعهد اخلاقی و اجتماعی در مقابل همسر و خانواده همسر می باشد و دیگر اینکه باید توجه داشت همانطور که تأخیر در ازدواج پسندیده نیست، ازدواجهای زود و ناپخته و همچنین ازدواج با افرادی که صلاحیت یا آمادگی ندارند نیز مذموم و مشکل آفرین خواهد بود. که حقیر موارد مختلفی را پیگیر بوده ام که متأسفانه در نهایت به جدایی و مشکل ختم شده است.

می شود روزی شویم ما سرفراز

در مسیر زندگی پر رمز و راز

همسر خود را کنیم خوب انتخاب

تا شویم راحت در آن راه دراز

لذا ای عزیز مقید، برای وقوع ازدواج شروط زیر لازم و ضروری می باشد:

ص: 108

1- بلوغ شخصیت یا قدرت انتخاب و اختیار: اختیار و قدرت انتخاب هر یک از زوجین در گزینش همسر، بدون شک دوام و استحکام پیوند زناشویی را به دنبال خواهد داشت. امام صادق (علیه السلام) در روایتی بر موضوع اختیار و قدرت انتخاب همسر تصریح کرده، در پاسخ به ابن یعفر که از آن حضرت پرسیده بود: «می خواهم با زنی ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم فرد دیگری را در نظر گرفته اند، فرمودند: با زنی ازدواج کن که خود می خواهی و زنی را که پدر و مادرت می خواهند رها کن.» البته، این توصیه به معنای نادیده گرفتن دیدگاه والدین و بی اعتنایی به آنان نیست، بلکه لازم است که فرزند به نظرات آنان به عنوان شفیق ترین افراد احترام گذارد. اما با وجود این، نباید در صورت بی رغبتی تحت فشار والدین یا به منظور تکریم آنان، با فردی که مطلوب او نیست ازدواج کند. این گونه ازدواج های تحمیلی یا شبه تحمیلی، علاوه بر آن که برای خود فرد مخاطره آمیز است، نتیجه مطلوبی برای طرف مقابل نیز به همراه نخواهد داشت و موجب سلب آرامش از والدین فرد نیز خواهد شد. به بیانی در بلوغ شخصیتی، شما از بی ثباتی هایی که معمولاً در رفتار نوجوان ها دیده می شود فاصله گرفته و می دانی در زندگی دنبال چه هستی. چرا می خواهی ازدواج کنی؟ چه انتظاری از همسر آینده خود داری؟

این ثبات و معیار داشتن برای ازدواج به معنی بلوغ شخصیتی است. بلوغ شخصیتی ارتباط تنگاتنگی با خودشناسی دارد.

2- بلوغ جسمی: توضیح اینکه بلوغ جسمی براساس شرایط جغرافیایی، تغذیه ای و نژادی تفاوت می کند ولی به طور متوسط برای دختران 11-13 سالگی و در مورد پسران 13-15 سالگی است. مرحله بلوغ به عنوان آغاز دوره نوجوانی است که با

بروز فعل و انفعالات و ترشحات هورمونی در غدد درون ریز با تغییرات سریع و محسوس در ویژگی های ظاهری بدن، حتی خصوصیات روانی همراه است و این تغییرات نوجوان را از لحاظ زیستی و روانی برای ورود به عرصه بزرگسالی آماده می کند. براساس روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل گردیده، به ایشان عرض شد ما فرزندانمان را در کودکی به ازدواج درمی آوریم. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر آنان را در خردسالی و سنین پایین به ازدواج درآورید، بسیار بعید است که باهم انس و الفت بگیرند.» 3- بلوغ روانی و عاطفی: مدتی پس از بلوغ جسمی ایجاد می شود. برخی از روانشناسان می گویند حدود 2 تا 4 سال پس از بلوغ جسمی بوجود می آید. رشد عاطفی شخص مستلزم بروز و ظهور رفتارهای آشکاری همچون قدرت برقراری و حفظ روابط شخصی با دیگران، توان درک احساسات متقابل و توسعه حس همدلی و قدرت ابراز علاقه و محبت به همسر است. موفقیت ازدواج، مشروط به برخورداری همسران از استعدادها و ظرفیت های عاطفی بالا برای تبادل احساسات مثبت در تعاملات مشترک خانوادگی است. هر قدر تبادل عواطف زن و شوهر بیشتر باشد، خانواده از استحکام بیشتر و بالندگی بهتری برخوردار خواهد بود. در منابع اسلامی،

روایات زیادی بر اهمیت نقش ویژگی های شخصیتی مثبت مانند: روحیه سازگاری، همدلی، عطف، مهربانی و اظهار علاقه به یکدیگر وارد شده است که ثمره این توصیه ها در استحکام و پویایی خانواده و روابط عاطفی همسران تجلی می کند. به دو روایت از پیامبر اسلام اشاره می شود که یکی اظهار محبت از ناحیه مرد است و دیگری درباره اظهار محبت و عواطف از ناحیه زن می باشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

می فرمایند: «اگر مردی به همسر خود بگوید من تو را دوست دارم، هرگز از قلب زن بیرون نمی رود. همچنین می فرمایند: «حق مرد بر زن این است که زن ملازم خانه باشد و به شوهرش دوستی و محبت و مهربانی کند و از به خشم آوردن او اجتناب کند و آنچه مورد رضایت اوست انجام دهد.» در بلوغ عاطفی، شما به ثبات فکر و رفتار در مواقع حساس زندگی رسیده ای. یعنی جایی که عصبانی می شوی، می توانی خشم خود را به شکلی سازنده نشان دهی نه این که مثل بچه ها سر و صدا راه بیندازی، وسایل را بشکنی، با طرف مقابل گلاویز شوی و... یعنی شما در مواجهه با مشکلات زندگی می توانی آنها را مدیریت کرده و حل مساله کنی و از آن مهم تر، در بحران های عاطفی که مورد هجوم عشق و نفرت قرار می گیری، می توانی این احساس را کنترل کرده و رفتاری متناسب با عقل خود بروز دهی.

4- بلوغ اجتماعی: رشد اجتماعی فرد، که طی فرآیند جامعه پذیری شکل می گیرد، در قالب ویژگی هایی همچون قدرت تشخیص وظایف و مسئولیت ها، قدرت انتخاب گری، اعتماد به نفس، استقلال نسبی در انجام وظایف و مسئولیت پذیری، التزام به رعایت هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و توان درگیر شدن در روابط پیچیده اجتماعی، به ویژه روابط زناشویی اهمیت خاصی دارد. اگر همسران به این مرحله از رشد، هر چند به طور نسبی نرسیده باشند، با مشکلات متعددی روبه رو خواهند شد. در احادیث نیز به اشاره هایی درباره اهمیت رشد اجتماعی زوجین

برمی خوریم. برای نمونه، ویژگی هایی مانند گرمی داشتن همسر در بین بستگان خویش، آداب همسررداری به گونه ای که وظایفش را بدون امر و نهی دیگران نسبت به همسرش انجام دهد. و نهی از ازدواج با افراد لجوج و بی منطق و سفارش به

ازدواج با مردی که مسئولیت پذیر باشد و همسر و فرزندان خود را به دیگری واگذار نکند. از مجموعه این روایات استفاده می شود که رشد اجتماعی و توانایی ایجاد و ارتباط با افراد خانواده، و فهم وظایف اجتماعی و خانوادگی از مسائل است که باید در انتخاب همسر به آنها توجه شود. متأسفانه هنوز در بعضی خانواده ها به محض ایجاد علائم بلوغ جسمی، اقدام و یا تشویق به ازدواج نوجوان می نمایند و یا برای فرزندان عقب مانده ی ذهنی خود علی‌رغم بلوغ بدنی و عدم رشد بلوغ روانی و اجتماعی، همسر تعیین می نمایند. لذا تأکید می شود که پسر علاوه بر بلوغ و عقل، توانایی اداره ی یک زندگی ابتدایی را باید داشته باشد. آری ای عزیز در بلوغ اجتماعی، آنچه مهم است این است که شما مهارت های شخصی خاصی داشته باشی که بتوانی با آنها در اجتماع جایگاه واقعی خود را پیدا کنی.

5- بلوغ مالی: بلوغ مالی به معنی این نیست که شما تمکن مالی داشته باشی. در این نوع بلوغ شما توانایی و مهارت تامین مالی و مدیریت مالی زندگی را در خود می سنجی. اگر ندانی چقدر درآمد داری، از کجا در می آوری و کجا خرج می کنی، یعنی مدیریت مالی نداری. اگر بخش مهمی از درآمد خود را صرف دوستانان می کنی یا برای خرید موبایل جدید و... هزینه می نمایی، یعنی برای ازدواج مناسب نیستی. به این توانایی کسب درآمد و برنامه ریزی برای هزینه ها بلوغ مالی گفته می شود.

آری ای عزیز، علاوه بر بلوغ های مزبور که باید بصورت جدی مد نظر باشد. موارد زیر هم باید مورد توجه قرار گیرد:

الف- امید و انگیزه: بایستی دختر و پسر جوان، امید به زندگی و انگیزه واقعی برای



ایجاد پیوند زناشویی با فرد مورد نظر را داشته باشند. بدیهی است که خواست و علاقه والدین و یا آشنایی و تایید آنها دلیل درست بودن این پیوند نمی باشد. چه بسا جوانانی که بدون انگیزه، ازدواج و مدت کمی پس از مراسم ازدواج اقدام به جدایی و طلاق می کنند. ب- داشتن اطلاعات لازم: فرد متقاضی ازدواج بایستی اطلاعات کامل در مورد ازدواج و نیازهای روانی و اجتماعی طرف مقابل خود و هم چنین خصوصیات روانشناختی زن و مرد داشته باشد و یاد بگیرد که ازدواج یک پیوند مقدس الهی است و صرفاً به عنوان روشی برای ارضاء غرایز نیست. بلکه باید از آئین صحیح همسر داری، برخورد درست با نزدیکان همسر، برخورد صحیح با ناهنجاری هایی که ممکن است در طول زندگی با آن روبرو شود نظیر فقر، بیماری، اعتیاد و . . . و نیز روش برخورد با حالات مختلف همسر (عصبانیت، کم روئی، پرروئی، کم حوصلگی و . . .) آگاهی کامل داشته باشد.

### **آیا شباهت ها باعث به وجود آمدن ازدواج موفق می شود؟**

گر که تو و همسرت از هر نظر

مثل هم باشید در این سیر و سفر

زندگی گیرد دوامی پر ثمر

با شباهت هایی که باشد چو زر

ای عزیز بزرگوار، پژوهش های به عمل آمده نشان می هد که با ثبات ترین ازدواج ها آنهایی هستند که زن و شوهر بیشترین شباهت ها را با هم داشته اند. استغن وایت معتقد است: «با توجه به بررسی های بالینی، شباهت های اخلاقی و شخصیتی

زن و شوهر روی موفقیت ازدواج آنها نقش تعیین کننده ای دارد» میزان بی ثباتی و طلاق در زوج های به هم شبیه، کمتر مشاهده می شود. با توجه به نتایج به دست آمده، نداشتن شباهت با بی ثباتی و طلاق همراه است. هر قدر تشابه بین زوجین کمتر باشد به همان نسبت احتمال این که دچار بحران شوند زیاد خواهد شد، بهتر است دختر و پسر در تشابهاتی همانند تشابهات شخصیتی و هویتی، فرهنگی و اجتماعی، فکری و عاطفی قرابت و نزدیکی داشته باشند. همچنین اختلاف سن آنها بهتر است به گونه ای باشد که مرد دو تا هفت سال بزرگتر از زن باشد و نیز شایسته است که میزان تحصیلات و درآمد مرد بیشتر از زن باشد. در حقیقت باید از لحاظ های مختلف کفو هم باشند.

### **عوامل اختلافات زناشویی که در هنگام انتخاب همسر باید مد نظر باشد کدام است؟**

اختلاف بی شک کند حال را خراب

گر کنی آن را رهایی هر جواب

در زمان خواستگاری چون نقاب

بر طرف کن تا کنی خوب انتخاب

ای عزیز بزرگوار، مواردی از اختلاف هایی که ممکن است، به صورت نسبی منجر به ناسازگاری در طول زندگی شما شود و لازم است در هنگام انتخاب همسر، آنها را مد نظر قرار دهی؛ عبارت است از:

1- اختلاف در ابعاد معنوی: مرد و زنی که از نظر رعایت و پایبندی به امور معنوی اختلاف سطح دارند، زندگی بی دغدغه ای نخواهند داشت. بنابراین

در امر ازدواج بُعد اعتقادی به ویژه جنبه های معنوی آن باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

2- اختلاف در خلق و خوی: بعضی افراد عصبانی، خشن، متکبر، خودخواه، از خود راضی، و بعضی دارای روحیه ای گرم، خوش برخورد، متواضع و مردم دوست می باشند؛ بنابراین توافق اخلاقی در صدر عوامل انتخاب همسر قرار دارد.

3- اختلاف در خواسته ها: یکی از عواملی که در انتخاب همسر و زندگی زناشویی باید مورد توجه قرار گیرد، خواسته های زن و شوهر است. زن یا شوهری که دارای خواسته های ایده آل و متفاوت از دیگری باشد و در تعدیل آن اقدام نکند؛ احتمال ناسازگاری در زندگی زناشویی از این جهت وجود خواهد داشت.

4- اختلاف در سلیقه ها و علاقه ها: وجود اختلاف سلیقه و علاقه در افراد طبیعی است؛ ولی چنانچه در برنامه های زندگی خانوادگی، این اختلاف در جهت هماهنگی بین زن و شوهر تعدیل نشود؛ احتمال آن دارد که به ناسازگاری منتهی گردد.

5- اختلاف در دیدگاه ها: انسان موجودی است با آرزوهای نامحدود، او هر چه بیشتر داشته باشد؛ بیشتر هم می خواهد و برآورده شدن هر نیازی به جای کاستن از آرزوهای انسان، نیازهای تازه ای را هم در وی بر می انگیزاند. چنانچه زن و شوهری با دیدگاه ها و آرزوهای متفاوت که احتمال حصول به

آن کم باشد؛ نتوانند در زندگی زناشویی خود هماهنگی ایجاد کنند، زندگی شاد و موفق را نخواهند داشت.

6- اختلاف در میزان هوش: اختلاف سطح هوشی همسران نسبت به یکدیگر، ممکن است در زندگی زناشویی آنان مشکلاتی ایجاد نماید. بنابراین در نظر گرفتن بهره هوشی و اختلاف سطح معقول در این زمینه خالی از اهمیت نیست.

### **ضرورت‌ترین مسائلی که قبل از ازدواج باید مد نظر باشد کدام است؟**

ازدواج یکی از مهمترین حوادث زندگی است و نقش بسیار مهمی در همه ابعاد زندگی انسان دارد بنابراین موفقیت در امر ازدواج باعث موفقیت در جنبه های دیگر زندگی نیز می شود و ناکامی و یا شکست در ازدواج موجب مشکلات جدی در سایر مسائل مربوط به زندگی می گردد.

مع الوصف ای عزیز، ضمن رعایت مسائل مزبور، از باب اهمیت در اینجا نظر جنابعالی را به ضرورت‌ترین مسائلی که قبل از ازدواج باید نسبت به آنها شناخت و معرفت بیشتری داشته باشی، بصورت ویژه معطوف می نماید تا انشاء... حساب شده و با دقت لازم عمل نمایی.

1- خود شناسی: خودت را درست بشناس و مطمئن باش که واقعا تصمیم داری ازدواج کنی. کسی که خودش را بشناسد، برای زندگی خود برنامه ریزی می کند و هدف مشخصی را دنبال می نماید. آرزوهایش را روی کاغذ می آورد و جاهای خالی زندگی اش را شناسایی می کند. در این راستا لازم است اعتماد به نفس بالایی

داشته و فکر نکنی پر از اشکال هستی و مورد تایید دیگران قرار نمی گیری، در حالی که اگر به نکات مثبت خودت توجه کنی، از خیلی ها بهتر به نظر می رسی.

آری کسی که خودش را خوب می شناسد، از طرفی با اعتماد به نفس بالاست، کمتر تحت تاثیر حرف دیگران مسیر زندگی اش را تغییر می دهد. لذا دوست دارد خودش بدانند با زندگی اش چه کار می کند. پژوهش ها نشان داده است؛ کسانی که حرف مردم برایشان مهم است بیشتر به ظاهر طرف مقابلشان اهمیت می دهند. بنابر این همسر آینده ات را بر اساس خواسته ها و موقعیت فعلی خود تصور کن. تصور کردن همسر ایده آل با توجه به آرزوهای دور و دراز باعث ایجاد مشکل در آینده خواهد شد.

2- عقاید و باورها: از دیدگاه های مذهبی و اعتقادی او مطلع شو و میزان تاثیر آنها را در زندگی مشترک و تربیت فرزندان بررسی کن. به عنوان مثال نظری وی را در مورد نحوه پوشش، نحوه ارتباط با محارم و نا محرم ها، میزان تقید به مسایل شرعی، و . . . جویا شو.

آری ای عزیز، شاید با کمی آشنایی فکر کنی که گمشده ی خود را در زندگی پیدا کرده ای، اما حقیقت این است که عدم شناخت عقاید دینی، باورها و ارزشهای طرفین، یکی از مهم ترین عوامل بروز چالش ها در زندگی زناشویی می باشد. صادقانه، قبل از عقد، عقاید و باورهای خود را بازگو کن، چرا که با گذشت چندی از زندگی مشترک و به خصوص در تربیت فرزندان، عدم تفاهم در این مورد موجب بروز مشکلاتی می شود، البته همواره به یاد داشته باش در زندگی مشترک انعطاف پذیری و گذشت امری ضروریست.

ص: 117

آری ای عزیز در اینجا به نظر می‌رسد با عنایت به اهمیت ویژه نقش دین و مذهب در ازدواج؛ باید کمی بیشتر پیرامون آن صحبت شود. همانگونه که مستحضر هستی اعتقادات دینی و مذهبی در ازدواج نقش مهمی دارد. مخصوصاً دختر و پسری که با دو دین متفاوت ازدواج می‌کنند؛ باید بدانند که پس از احساسات پرشور جوانی، در زمینه‌های مختلف اختلاف نظر و احتمالاً ناسازگاری پیدا خواهند کرد که در کتب مربوطه قابل پیگیری می‌باشد. اما بسیار اتفاق می‌افتد که یک زوج مسلمان به علت اختلاف در سطح اعتقاد، زندگی پر آشوب و ناراحتی را می‌گذرانند. اگر یک دختر مؤمن با یک پسر بی‌بند و بار ازدواج کند، از نظر لباس پوشیدن، از نظر روزه گرفتن، نماز خواندن و یا معاشرت با دوستان شوهر و خانواده اش ناراحت است. او نمی‌تواند به اعتقاداتی که بدان پای بند است، جامه عمل بپوشاند و گاه اتفاق می‌افتد که شوهرش او را به انجام اعمال خلاف شرع نظیر عدم رعایت حجاب، دست دادن با مردان نامحرم و شرکت در جلسات لهو و لعب و نظایر آن وادار کند و در صورتی که اطاعت نکند با او ناسازگاری کند و به او بر چسب‌هایی نظیر مرتجع و عقب افتاده بزند و چه بسا که زندگی را برای او تلخ سازد. در چنین خانواده‌هایی با نزاع و جدال در مواردی که شوهر به دیدن نوارهای مبتذل ویدیویی و یا صرف وقت برای شنیدن نوارهای موسیقی مشغول است، و زن با آن مخالفت می‌کند، مواجه می‌شویم. عکس این حالت نیز صادق است؛ پسر مؤمنی که با دختر بی‌بند و بار ازدواج می‌کند، از رفتار و اعمال و لباس پوشیدن او رنج می‌برد و اگر او را به اجبار به رعایت حجاب و سایر مسائل شرعی وادار کند، زندگی ناراحت‌کننده‌ای خواهد داشت؛ چه بسا که خانواده‌های آنان نیز چنین اختلافی از نظر عقیده و رفتار

داشته باشند و بالاخره پس از چند فرزند و سال ها تحمل ناراحتی، مجبور به جدایی شوند. در هر حال انسان دیندار نمی تواند یا خیلی مشکل می تواند با همسر بی دین کنار بیاید و زندگی سعادت‌مندانه ای داشته باشد. انسان متدین ممکن است بتواند نقص های دیگر همسرش را تحمل کند، اما بی دینی و لابلالی گری او را نمی تواند تحمل کند.

بنابر این ای عزیز متدین: این مسائل باید قبل از ازدواج بصورت جدی مورد توجه قرار گیرد و فرد همسری انتخاب کند که اعتقادات و باورهای او به اعتقادات و باورهای وی نزدیک باشد. در این صورت آنها خواهند توانست با روش های منطقی بر اعتقادات و باورهای یکدیگر تأثیر بگذارند و اختلاف های جزئی را حل و به تفاهم نسبی برسند.

3- امور اخلاقی و شخصیتی: در میان صحبت هایی که جهت آشنایی طرفین برای ازدواج صورت می گیرد باید مجموعه باورها و عادات و اخلاقیات دختر و پسر نیز مورد بحث قرار گیرد. بنابر این باید بدانی که شخص مقابل از چه چیز هایی شاد می شود و چه عواملی او را غمگین می کند. انتظارات و توقعات او از آینده و همسرش چیست و چه اهدافی را برای زندگی دنبال می کند. رویه زندگی او تعقل مدار است یا احساس مدار. در تصمیم گیری ها مستقل عمل می کند و یا وابسته به نظرات دیگران است. از زمان گذشته خود استفاده بهینه را داشته و یا فرصت ها را بی هدف و به بطالت گذرانده است و . .

4- داشتن صداقت: اگر می خواهی روابط شیرین و ارتباطی موفق داشته باشی همیشه دارای صداقت باش. وقتی با کسی که می خواهد شریک زندگی ات شود

صادقانه صحبت می کنی، احساس می کنی که به او نزدیک شده ای. صداقت، همانند پلی میان قلب تو و قلب فرد مقابلت می باشد. گویی صداقت، دری را به روی قلبت باز می کند. بنابراین نامزدت می تواند خود واقعی شما را احساس کند. اگر صادق نباشی، روابطت با نامزدت سطحی خواهد بود و هرگز این روابط به طور جدی عمیق نمی شود. هرچه از لحاظ عاطفی صادقانه تر برخورد کنی، به همان اندازه، صمیمیت بیشتری را تجربه خواهی کرد. صداقت، سبب می شود نامزدت به خود اجازه دهد، احساساتش را بیان کند. وقتی با نامزد خود از نظر عاطفی صادق هستی، موجب می شود او هم از نظر عاطفی با شما صادق باشد، در چنین شرایطی او احساس امنیت بیشتری می کند و با اعتماد می تواند احساسات قلبی اش را بیان کند.

5- ایجاد عشق و علاقه: اگر انتظار داری فوراً عشق و علاقه شدید و رویایی بین تو و همسر آینده ات به وجود آید و به عبارتی طرف مقابل فوراً یک دل نه صد دل عاشقت شود. اگر انتظار داری در همان برخورد اول یک رابطه شدید عاشقانه به وجود آید؛ اشتباه می کنی. چرا که عشق بین زن و شوهر اکتسابی است و بصورت تدریجی با ایجاد زمینه های لازم حاصل خواهد شد. مخصوصاً بعد از جاری شدن خطبه عقد، زمینه های آن عشق مقدس و الهی ایجاد خواهد شد. بنابراین در این خصوص باید دقت لازم را به خرج دهی.

6- توجه به پوشش و نوع آرایش: در ازدواج مسئله لباس پوشیدن و آرایش ظاهر مخصوصاً در مورد خانمها بسیار حائز اهمیت است. چنانچه یک زن مؤمن محجبه با یک مرد بی بند و بار ازدواج کند؛ زندگی برای یک عمر برای او زجرآور خواهد بود. برعکس یک زن آرایش کرده ی بد حجاب نیز چنانچه با مردی متدین ازدواج



کند؛ زندگی هر دو با ناراحتی و مجادله خواهد گذشت. خوشبختانه چون نحوه لباس پوشیدن و آراستن ظاهر یک امر عینی است. بنابراین در این مورد بررسی و تصمیم گیری امر ساده ای است و هر کس در نگاه اول می تواند وضعیت خود را با طرف مقابل ارزیابی کند. قابل ذکر است که در فرهنگ ایرانی اسلامی مردان اعم از مؤمن و بی بند و بار، به ناموس خود اهمیت می دهند و غیرت مردانگی آنان اجازه نمی دهد که بدن همسر آنان عریان در معرض دید دیگران قرار گیرد و بخصوص روابط عاطفی با مردان دیگر داشته باشد. بنابراین دختران جوان باید این موضوع را در نظر داشته باشند و به خیال تجدد خواهی طوری عمل نکنند که برای جلب مردان و خودنمایی، حرکات جلف انجام دهند و لباس های نامناسبی بپوشند. آنچه در کنه ذات مردان با تعدیل های متفاوتی وجود دارد آن است که همسر آنان پاک دامن و عفیف باشد. بنابر این ای عزیز قبل از انتخاب به این مهم باید توجه لازم را داشته باشی.

7- مشورت کردن: در صورت لزوم برای جمع بندی و گرفتن تصمیم مناسب می توانی با یک مشاور یا افراد دلسوز و با تجربه مشورت نمایی. در زندگی هر کسی، حداقل یک فرد معتمد وجود دارد. نسبت آن شخص مهم نیست. عقل و تجربه اش مهم است. با وی صحبت کن و مجموع شرایط را برایش بگو و از او بخواه وضعیت را از دید خودش برایت ارزیابی کند. از طرف دیگر نظر والدین نیز بسیار حائز اهمیت است و بی توجهی به آن عواقب بدی می تواند داشته باشد.

8- فرزند در زندگی: در مورد علاقه به بچه دار شدن و تعداد آن، زمان بچه دار شدن، روش تربیت و مسائل مرتبط با این موضوع صحبت کن. اگر اهدافی مدنظر

داری که مایلی قبل از تولد فرزندان به آنها دست یابی (برای مثال ادامه تحصیل و یا خرید خانه)، همسر خود را از آن آگاه کن. فرزند، بخشی از زندگی مشترک است، از آنجاییکه هر فردی در این مورد و نحوه ی تربیت فرزندان خود، نظری متفاوت دارد و این مسئله خود به نوعی یکی از دلایل ایجاد تنش در کانون خانواده است، بنابراین قبل از عقد دیدگاهها و افکار خود را در این زمینه با نامزد خود مطرح کن و با وی به توافق نسبی برس.

9- کارهای خانه و صرف زمان با یکدیگر: در مورد نگاه خود به وظایف زن و مرد در زندگی مشترک، آشکارا صحبت کن، بنا به وضعیت اجتماعی و اقتصادی متفاوت با دهه های گذشته، به نوعی شاید نتوان خیلی مرز مشخصی برای این وظایف و مسئولیتها تعیین کرد. لذا امکان دارد همین موضوع بصورت ناخودآگاه باعث بروز مشکل در آینده شود. مع الوصف در خصوص کارهای خانه از قبیل آشپزی، نظافت و . . . خیلی راحت با وی صحبت کن. نظر او را در مورد همکاری در کارهای روزانه منزل جويا و با دیدگاه هایش آشنا شو. همچنین می توانی از مهارت یابی او در این امور نیز سئوالاتی داشته باشی. و نیز در مورد چگونگی با هم بودن در اوقات فراغت با نامزدت گفتگو کن و قبل از عقد با وی در این خصوص نیز به توافق برس. چرا که یکی از پایه های لازم برای دوام زندگی زناشویی، وقت گذاشتن برای خانواده و بودن در کنارشان است.

10 - انتظارات و روابط زناشویی: البته انتظارات و توقعات هر انسانی، به مرور زمان تغییر می کند، شاید برایت سخت باشد که با فرد مورد انتخاب خود قبل از عقد در مورد مسائل زناشویی سر صحبت را باز کنی، اما از جهت اهمیت فوق العاده این

مطلب در زندگی مشترک، به تدریج و با زمینه چینی و در نهایت ادب، می توانی نظر نامزد خود را جویا شوی، چرا که عدم رضایت در روابط زناشویی، عاملی ویران کننده برای ثبات زندگی می باشد. بنابر این بهترین زمان برای این است که انتظارات خود را از یک رابطه زناشویی بیان کنی. خوب است که طرف مقابل را در مورد میزان گرایش به این موضوع و توقعات خود مطلع نمایی. اگر چه مسائل عاشقانه و رابطه شیرین زناشویی بعد از عقد و ازدواج به صورت طبیعی خود را نشان می دهد و در زمان خواستگاری کمتر می توان از کم و کیف آن مطلع شد.

11- سازش های عجولانه: برای این که وانمود کنی با طرف مقابل توافق داری نباید از ارزشهای خود چشم پوشی کنی. عقاید خود را ابراز نکنی و خطای شخص مقابل را هم نادیده بگیری و در فعالیتهایی که هیچ علاقه ای به آن نداری شرکت کنی و از علایق خود هم دست برداری. اگر بخواهی در زمان انتخاب با چشم پوشی رابطه را حفظ کنی؛ اشتباه می کنی. همچنین در زمان انتخاب نباید ایثار و فداکاری بیش از حد از خود نشان داد و نباید به دیگران بیش از خود فکر کرد و نیاز دیگران را بر خود مقدم دانست. چرا که این گذشت بدون شک در این زمان حساس و حیاتی؛ اشتباه بزرگی است که شاید یک عمر پشیمانی به دنبال آورد. متأسفانه گاهی سراغ فردی می روی که هیچ شباهتی به شما ندارد و فقط به یک دلیل خاص می خواهی انتخاب کنی. یادت باشد تنها با یک خصوصیت نمی توان زندگی کرد. از طرفی ممکن است فردی از بسیاری جهات مورد تایید شما و دوست داشتنی باشد اما به دلیل حرف و حدیث بی منطق و دور از عقل دیگران، مورد تایید خیلی ها قرار

نگیرد. در این شرایط اگر فرصت دوست داشتن و بله گفتن را از خودت بگیری، خطای بزرگی مرتکب شده ای.

12- هویت یا شخصیت: هویت، یکی از ضروری ترین مشخصه های همسر دائمی شماست. بنابراین در جست و جوی همسری با هویت مناسب باش. هویت، خمیرمایه ی درونی شخص است. هر چیزی که درون فرد را بیان کند و اخلاق و رفتارش را نشان دهد، جزو هویت او می باشد. رفتار نامزدت نسبت به خود، شما و بعد از ازدواج، رفتارش با فرزندان، نشان دهنده ی هویت اوست در حالی که شخصیت، روشی است که شخص، خود بیرونی اش را به جهان اطراف نشان می دهد؛ روشی که او، ظاهرش

را بیان می کند. امکان دارد هویت در ظاهر، به اندازه ی شخصیت، قابل رؤیت نباشد. اما در واقع انعکاسی حقیقی تر از باطن شخص می باشد. اگر هویت و شخصیت را یک کیک در نظر بگیری، «شخصیت» قسمت رویه ی کیک «هویت» مواد تشکیل دهنده ی کیک می باشد. به جای این که روی ویژگی های شخصیتی او تکیه کنی، هویت او را بشناس. به جای این که هدف، مسائل ظاهری باشد، مطمئن شو که او هویت مناسبی دارد.

در مجموع ای عزیز، چند مشخصه ی هویتی که باید در همسر آینده آل خود جست و جو کنی، عبارتند از:

رشد فکری و مسؤولیت پذیری: از نظر فکری، رشد کرده و مسؤولیت پذیر باشد و آن چه را که می گوید و می خواهد در زندگی انجام دهد، جامه ی عمل بپوشاند.

اعتماد به نفس بالا: نسبت به خودش، احساس خوبی داشته باشد. از خودش و محیط زندگی اش به خوبی مراقبت کند.

نگرش مثبت نسبت به زندگی: همسری با هویت مناسب، خوبی های دنیا را در شما و خودش می بیند و هنگامی که شما با او هستید، احساس خوبی در مورد زندگی خواهید داشت.

آری شخصیت همسر مناسب شما، به اندازه ی هویت او اهمیت ندارد. علاقه به ظاهر یک همسر، مهم است اما نه این که تنها ظاهر را در نظر بگیرید. شما باید او را بیش تر به خاطر باطنش دوست داشته باشید. مع الوصف وضعیت مالی خوب و ظاهر مناسب تنها ملاک برای ازدواج موفق نیست. پس چشم خود را باز کن و بیشتر با هویت وی آشنا شو.

در زمان انتخاب ای با صفا

کن هویت اصل و دیگر را رها

گر چه شخصیت بود خود یک اساس

آنچه اصل است گیر و کن آن را صدا

13- مسائل مالی: در مورد درآمد و هزینه های زندگی با نامزدت مشورت کن، چرا که چیزی نمی گذرد که با عدم توافق در این مسئله، کنترل زندگی از دستتان خارج شده و رو به زوال می رود. بنابراین درباره مخارج، کم کردن هزینه های غیر ضروری، باز کردن حساب بانکی مشترک، پس انداز برای اهداف مشترک (مثل خرید خانه)، هزینه های تفریح و یا سایر امور متفرقه با نامزدت برنامه ریزی کن و افکار خود را بیان نما. و نیز از قرض ها و مشکلات مالی یکدیگر آگاه شوید. در مورد مسائل بلند مدتی مانند سرمایه گذاری و بیمه نیز با هم مشورت کنید. در ضمن بعضی دختر خانم ها که تحصیل و شغل مناسبی دارند، فکر می کنند به دلیل رفع نیاز

ص: 125

مالی می توانند از موضع بالا صحبت کنند و به کمک یک مرد احتیاج ندارند. این دختر خانم ها با این طرز تفکر نمی توانند درست انتخاب کنند.

14- خانواده و توجه به آداب و رسوم: آداب و رسوم متفاوتی در جوامع مختلف، رایج است. گاه عقاید یک جامعه با عقاید جامعه دیگر در تضاد می باشد و این موضوع بخصوص در مسئله زناشویی قابل توجه است. در فرهنگ غرب اعتقاد به اصل آزادی جنسی؛ آداب و رسومی را موجب شده است که با عقاید جوامع اسلامی مغایر است و با اعتقادات مسلمانان همخوانی ندارد. از جمله این آداب و رسوم می توان به موارد زیر اشاره نمود: - دست دادن زنها و مردهای نامحرم؛ - معاشرت زنان و مردان نامحرم؛ - تشکیل جلسات لهو و لعب مختلط مرد و زن؛ - جدا شدن فرزندان از خانواده از 18 سالگی و گسیختگی رشته های عاطفی آنان با والدین؛ - اهمیت ندادن به صله رحم؛ - عدم همیاری؛ - قطع ارتباط های خانوادگی.

حال با توجه به آداب و رسوم رایج در ممالک غربی و تضاد آن با سنن و آداب اجتماعی در ممالک اسلامی می توان نتیجه گرفت که ازدواج با پسر و دختر ممالک غربی صرفنظر از سایر عوامل فرهنگی تنها از دید آداب و رسوم رایج، عواقب خوشایندی نخواهد داشت.

آداب اجتماعی رایج در یک جامعه نیز در طبقات اجتماعی و ساکنان قسمتهای مختلف یک کشور متفاوت است و گاه در پیوندهای زناشویی مشکلاتی را ایجاد می نماید. آداب و رسوم ده با شهر، و آداب و رسوم اصناف و طبقات مختلف اجتماع با یکدیگر فرق دارد.

لذا ضرورت دارد، درانتخاب همسر همه این موارد مورد توجه قرار گیرد. چرا که ازدواج هایی که در چنین خانواده هایی با آداب و رسوم متفاوت صورت می گیرد، برای زوجین و خانواده های آنان خوشایند نیست و گاه به صورت مشکل حادی

خودنمایی می کند که حلاوت زندگی را از زن و شوهر می گیرد و خانواده های وابسته را نیز ناراحت می کند و به عکس العمل های ناخوشایند وا می دارد.

بنابر این ای عزیز، ضمن عنایت به مسائل مزبور در مورد نحوه معاشرت با خانواده یکدیگر تصمیم بگیرید. در مورد رفت و آمد با آنها به توافق برسید. میزان وابستگی خود را به خانواده بیان نموده و از میزان آن در طرف مقابل نیز مطلع شوید. نظر او را در مورد زندگی بدور از خانواده جویا شوید. و از میزان احترامی که برای خانواده قایل است و نحوه روابط عاطفی آنها آگاه شوید.

15- وضع قوانین ساده: چند قانون ساده و اصلی برای رفع اختلاف های خود وضع کنید. برای مثال، «هرگز عصبانی وارد خانه نمی شویم» و یا «هر روز صبح با روی گشاده از خواب بیدار می شویم». «در هنگام ناراحتی به جای درون ریزی، احساساتمان را بیان می کنیم».

حال ای عزیز بزرگوار، علاوه بر موارد مزبور به ت-وص-ی-ه هایی زیر در آست-ان-ه ازدواج باید توجه نمایی؟

الف- خانواده های نامزدت را محترم و معتبر بدار.

ب- قبلا تمام آزمایش های ژنتیکی، روانی و جسمانی و مشکلات سابقه دار خانوادگی که بعدا می تواند مشکل ساز شود را به نامزدت گوشزد کن.

ج- طوری رفتار کن که دیگران اجازه مداخله پیدا نکنند.

د- مسائل مهریه و نفقه و کار و تحصیل و بچه آوری و ارثیه و حق مسکن و حق طلاق را عادلانه قرار بده.

و- درباره حساسیت های غیرقابل اغماض خود به توافق برس و مسوولیت ها و محدودیت های دوران تاهل را بازآموزی کن.

بنابر این ای عزیز، با عنایت به مشاهدات و شنیده ها با خودت خلوت کن. تمام نظرات و تفکرات را کنار هم قرار بده و جنبه های مثبت و منفی ازدواج با فرد مورد نظرت را با هم مقایسه نما. آیا جنبه های مثبت بر جنبه های منفی می چربد؟ آیا چیزی در نکات منفی هست که خیلی برایت مهم باشد و بخاطرش بخواهی از طرف بگذری؟ ممکن است چیزهایی را که شنیده ای قبول نداشته باشی که ایرادی ندارد. هرکسی نظر خودش را دارد، ولی در نهایت این زندگی شماست. تصمیم آخر را خودت باید بگیری، ازدواج در زندگی فرد یک تصمیم خیلی مهم و یک فرایند عقلانی و منطقی است. ازدواج موفق می تواند تمام توانایی های بالقوه فرد را شکوفا کند و ازدواج نا موفق می تواند منابع غنی درون وجود یک نفر را به صفر برساند. تعداد کسانی که خوشبختند و این تصمیم را با چشمهای باز و با در نظر گرفتن همه جوانب گرفتند زیاد است.

### **کم و کیف گفتگو در مراسم خواستگاری چگونه باید باشد؟**

ستون خانه را ای دوست بنا کن

بگیر تو همسر و غیرش رها کن

شناس او را تو قبل از خواندن عقد

اصول انتخاب یک یک ادا کن

ص: 128



دختر و پسر و خانواده های آنها موظف هستند قبل از عقد بصورت دقیق و کامل در خصوص ویژگیها و مسائل مختلف شخصیتی و خانوادگی یکدیگر با احساس مسئولیت خاص و بدون هر گونه عجله و شتاب تحقیق، تفحص و بررسی نمایند تا هیچ نکته مبهمی برایشان باقی نماند. علاوه بر آن باید بعد از خواستگاری در حضور خانواده ها با دیدگاه های فکری و اجتماعی و دلایل و برنامه ریزی های یکدیگر برای زندگی مشترک آشنا شوند. بدون شک باعجله و بدون آگاهی عمل کردن، موجب یک عمر پشیمانی خواهد شد. ویژگی های رفتاری و ظاهری فرد در اولین ملاقات رسمی، از اهمیت بسزایی در طرز تلقی دیگران از شخصیت فرد دارد؛ بویژه آنجا که جلسه خواستگاری در چارچوب اصول دینی و عرفی، بدون سابقه ارتباط قبلی برگزار گردد.

لذا با عنایت به آنچه در سوال قبل مطرح شد برای یک ازدواج موفق لازم است که طرفین آگاهی و شناخت خوبی نسبت به یکدیگر بیابند و یکی از راه های آشنایی بیشتر دختر و پسر، صحبت های آن دو در خواستگاری است که اگر در این گفتگوی کوتاه؛ اما با ارزش مسائل و نکات ضروری و با اهمیت مطرح گردد می توان از آن بهره های خوبی برد. مجلس خواستگاری و آداب آن از اساسی ترین مراحل ازدواج است که معمولاً پس از انتخاب فرد مورد نظر صورت می گیرد. در اهمیت این موضوع باید گفت که اگر جوانان عزیز در چگونگی و آداب خواستگاری دقت لازم را نداشته باشند، چه بسا به دلیل عدم رعایت یک مسأله بسیار کوچک، موفق به انتخاب مناسب خود نشوند و با وجود این که فرد مورد نظر خود را یافته اند و تمام شرایط یک همسر ایده آل را در آن مجسم دیده اند؛ به دلیل روش ها یا رفتارهای نادرست در جلسه خواستگاری، آن فرد را از دست بدهند و یا به عکس، فردی نامناسب و ناشایست که خود را فردی مناسب جلوه داده، در نظر دختر یا پسر جوان قلمداد شود و ازدواج نامناسبی صورت گیرد که به دنبال آن مشکلات

متعددی برای آنها و خانواده شان به وجود آید. بنابراین وجود دغدغه برای اطلاع از چند و چون این مذاکره کوتاه اما حساس، بجا و پسندیده است.

اولین قدم منطقی و ضروری در این مسیر، در نظر گرفتن ملاکها و معیارهای همسر مناسب است تا بتوان زندگی موفق و شیرینی را ساخت. قدم بعدی اقدام برای شناسایی ملاک ها و اطلاع یافتن از وجود آنها در فرد مورد نظر است، که با استفاده از شیوه های زیر امکان پذیر است:

1- تحقیق و بررسی از خانواده و چگونگی روابط خانوادگی و فامیلی؛ چون هر فردی تحت تأثیر محیط خانواده به دنیا آمده و رشد کرده است و از آن فضای فرهنگی و اجتماعی تأثیر پذیر بوده و هست؛

2- تحقیق و شناسایی دوستان و نزدیکان و رفقای صمیمی در محل زندگی و سکونت، محل درس و محل کار؛

3- گفتگوی مستقیم (ولی تحت نظارت خانواده های دو طرف) با یکدیگر و اطلاع یافتن از نقطه نظرات همدیگر درباره مسائل مختلف و آنچه در آینده می تواند در زندگی مشترک تان تأثیرگذار باشد و کسب اطلاع از میزان اهتمام وی نسبت به ملاک ها و معیارهای همسر مناسب، که در شکل رسمی، همان جلسه خواستگاری است؛

4- حضور در مراکز مشاوره. چند سالی است که مراکزی جهت ارائه انواع مشاوره قبل و بعد از ازدواج بوجود آمده است. جوانانی که قصد ازدواج دارند با حضور در یکی از این مراکز، به کمک مصاحبه و گفتگو در حضور متخصص یا پرکردن پرسشنامه هایی خاص، از میزان ملاک ها در یکدیگر آگاه می شوند.

آری ای عزیز، جلسات خواستگاری زمان خوبی است برای آنکه بتوانی خواسته ها، نیازها و اهداف خود را با همسر احتمالی آینده خویش در میان بگذاری. متأسفانه برخی از دختران و پسران موضوع های صحبت خود را در این جلسات به رنگ مورد علاقه؛ غذای مورد پسند و سوالات سطحی اینچنینی محدود می کنند، در حالی که

بهرتر است این جلسات را فرصتی مناسب برای در میان گذاردن موضوع هایی مهم تر از این بدانی. چرا که ازدواج به نوعی، رسیدن به یک تفاهم مشترک است که طی گفتگو و صحبت های فی مابین تا حدودی حاصل می شود، در این خصوص باید متعادل باشی، یعنی تهیه یک فهرست بلند بالا- از خصوصیات همسر مورد نظر با تمام جزئیات و ریزه کاری ها اشتباه است. درست است که باید فردی را انتخاب کنی که خصوصیات او با نظرات شما شبیه تر باشد. اما اگر زیاده از حد محافظه کارانه عمل کنی و تمام زیر و بم او را مورد قضاوت قرار دهی، بالاخره مواردی پیش می آید که با فهرست شما همخوانی ندارد و همین موضوع باعث می شود به دلیل مسائل جزئی، فرد مورد نظر را قبول نکنی. بنابراین واقع بین باش و بر اساس واقعیات با مطرح کردن افکار و تصمیم های خود، ببین که طرف مقابل نیز در این موارد با شما هم عقیده است یا خیر؟ البته با صحبت، گفتگو و از همه مهم تر دقت در شنیدن صحبت های طرف مقابل، بسیاری از این مسائل نمایان و شاید هم قابل حل باشد. بنا بر این قبل از این که او به قلبت راه یابد و درگیر مسائل عاطفی شوی، اطمینان حاصل کن که با فرد مناسب یا نامناسبی طرف هستی! هرچه اطلاعات بیشتری در مورد نامزدت داشته باشی، بهتر می توانی قضاوت کنی که آیا او شریک مناسبی برای زندگی مشترکت می باشد.

در هر حال ای عزیز، به منظور مطمئن شدن از این که نامزدت، مناسب شماست یا نه، می توانی علاوه بر تحقیقات قبلی و غیر حضوری، در زمینه های زیر از او سؤال کنی: اعتقادات و دیدگاه های مذهبی، وضعیت خانواده و کیفیت روابط عاطفی خانوادگی، اخلاقیات، ارزش ها و دیدگاه های اخلاقی. . . . در این راستا؛ با استناد به

اندرز ایزد متعال با این مضمون که: «به آنچه علم نداری، عمل نکن»؛ توجه جنابعالی را بصورت خلاصه و کاملاً گذرا به 24 نمونه از مواردی که در جلسه خواستگاری، می توانی جهت کسب معرفت و سهولت سنجش و انعقاد تصمیم یاری بگیری، معطوف می نماید. البته در ادامه پیرامون برخی از موارد مهم و حسّاس آن بیشتر توضیح داده خواهد شد.

1- از تکرار مواردی که توسط خانواده ها بررسی شده، بپرهیز؛ مگر آنکه نیاز به حلاجی جزئیات داشته باشد. 2- صادق باش. 3- در طول جلسه متانت و حجب خود را حفظ کن. 4- خوب و کامل صحبت کن و سعی کن در مقابل، شنونده خوبی نیز باشی. 5- هدف خود را از ازدواج، اعلام نما. 6- در خصوص آنچه هستی (خصوصیات اخلاقی)، قبل از اینکه از شما پرسیده شود، توضیح بده. 7- شما حق داری از آنچه در زندگی مشترکت می خواهی، به طور کاملاً واضح سوال کنی. 8- مؤذبانه آرمان های خود را اعلام کن. 9- علایق مهم خود را بیان نما. 10- سطح و شکل مسائل فرهنگی خود را مشخص کن. 11- در مورد اعتقادات مذهبی خود، سخن بگو. 12- توقعات مالی معقولت را مطرح کن. 13- از ابراز توقعات عاطفیت چشم پوشی نکن. 14- در مورد استقلال زندگی آتی و اقتدار مطلوبت گفتگو کن. 15- اگر شرایط ویژه رفتاری، شغلی و... مطلوب شماست؛ حتماً همین جا مطرح کن. 16- اگر با شرایط یا موارد خاصی، مخالفت یا کراهت جدی داری، در همین مقطع اعلام کن. 17- تعصبات او را بشناس. 18- در موارد ناهماهنگ، سعی کن تا حدودی از تمایل و توانایی قابلیت تغییر وی در همان زمینه، مطلع شوی. 19- یقین بدان تظاهر به آنچه نیستی، از پرخطرترین رفتارها در این جلسات است. 20- از هیچ

پرسش مهمی که در ذهن نقش می بندد، صرف نظر نکن. 21- فراموش نکن: اطلاعات این گفتمان، روشننگر مسیر تصمیم گیری شما خواهد بود. 22- عجله نکن و هیچ گونه اعلام نظر قطعی اعم از مخالفت و یا موافقت کلی، در این جلسه نداشته باش. 23- در پایان جلسه، اگر هنوز دچار ابهام و تردید هستی و فکر می کنی قادر به رفع آن نمی باشی، با مشاوره ازدواج، مشورت نما. 24- به خاطر داشته باش که این حق شرعی و اجتماعی شماست که بدانی، بسنجی و تصمیم بگیری.

توجه به نکات زیر شما را به موفقیت در جلسه خواستگاری، نزدیک تر خواهد نمود:

1. به خداوند توکل نما؛

2. با وضو بودن، تجربه آرامشی معنوی را به شما هدیه خواهد داد؛

3. گفت و گو پس از انجام خواستگاری رسمی از طرف خانواده و تحقیق و آگاهی از بعضی شرایط که در مرحله تفحص به دست می آید، انجام گیرد نه در ابتدای آشنایی؛ به عبارت دیگر، در واپسین مراحل تحقیق و قبل از مراسم عقد باید گفت و گو تحقق یابد؛

4. گفت و گو باید خونسردانه و با آمادگی قبلی و در فضایی آرام و بدون خوف و فشار از طرف دیگران صورت گیرد؛

5. نگاه مثبت همراه با دقت داشته باش؛

6. شیک، تمیز و معطر باش. زمانی که به خواستگاری می روی، زیباترین لباسهایت را به تن کن و پوششی شیک و مناسب داشته باش. اولین دیدارها همیشه در اذهان باقی می مانند. عده ای با لباس های نامناسب و نه چندان تمیز به خواستگاری می روند و تصورشان این است که این شخص باید وضعیت زندگی مرا بداند در صورتی که این وضعیت خاطره خوشی به جا نمی گذارد؛

7. اگر در تحقیقات خود قبل از مراسم خواستگاری به علائق دخترخانم در مورد رنگ، عطر یا گل پی برده ای، او را با آنها مجذوب کن. البته افراط نکن تا شخصیتی وابسته از خود نشان ندهی؛

8. خودت باش. در هنگام صحبت کردن با فرد مورد نظر در اولین جلسه بنا را بر صداقت و یکرنگی بگذار و متعهد شو که آنچه می‌گویی کاملاً از سر صدق و صفا باشد و به این تعهد خود نیز پای بند باش. سعی کن مجسمه نباشی و تا حدی راحت بنشین. صداقت در رفتار و گفتار، اضطراب شما را به شدت کاهش خواهد داد.

9. متین باش. در تمام طول مراسم خواستگاری متانت و وقار باید از ناحیه هر دو خانواده مراعات شود و رفتارهای نامناسب و جلف، ذهنیت های بدی را رقم می‌زنند. جلف بازی، شما را بانشاط، سرزنده و اجتماعی نشان نمی‌دهد!

10. چشم چرانی ممنوع. اجازه نده احساس کند چشمانت مانند یک شکارچی، او را خیره وار واری می‌کند. گاهی (فقط گاهی) که احساس می‌کنی به شما نگاه می‌کند به او نگاه کن تا احساس کند برای زیبایی او ارزش قائل هستی؛

11. حد و مرز خود را حفظ کن. چه از لحاظ شرعی و چه از ل-حافظ-ت-ماعی نباید تا زمانی که با همسر آینده خود محرم نشده ای او را لمس نمایی. سعی نکن دست او را بگیری و یا چسبیده به او بنشینی؛

12. فاصله مجاز را رعایت کن. نه آنقدر از او دور بنشین که مجبور باشی بلند صحبت کنی و نه آنقدر نزدیک که جسور به نظر برسی. فاصله مناسب، ارتباط عاطفی را قوی تر خواهد نمود؛

13. جهت نشستن مهم است. کاملاً-روبروی هم نباشید. کمی متمایل باشید طوری که وقتی خواستید یکدیگر را ببینید مجبور باشید کمی سرتان را برگردانید؛ البته نه آنقدر که از دایره دید بیرون باشید و چهره یکدیگر را کامل نبینید. خوب است اگر صندلی ها فاصله یا جهت مناسبی ندارد، آنها را تنظیم کنید.

14. خوب بشنو و زیبا سخن بگو. هنگام صحبت کردن او، سراپا گوش باش، دقت لازم را به عمل آور تا مطالب گفته شده را بهتر بتوانی به خاطر بسپاری و گاهی با بیان عباراتی چون «بله»، «عجب»، «چه جالب» و ... متناسب با صحبت های او، نشان بده که به حرف

هایش دقت می‌نماید. هنگامی که خودت صحبت می‌کنی نیز سعی کن سنجیده حرف بزنی. از این شاخه به آن شاخه نپر و زیاد صحبت نکن؛

15. از سوالات ساده آغاز کن. بهتر است به عنوان اولین سؤال از فرد مقابل بخواهی خودش را کامل معرفی کند؛ به عبارت دیگر از او بخواه خلاصه‌ای از گذشته زندگیش را برای شما باز گو کند. خوب است بدانی او بر نکاتی تکیه خواهد کرد که برایش مهم است. خودت نیز متقابلاً خلاصه‌ای از سرگذشت خود را مطرح نما. سرگذشت و بیوگرافی شامل این موارد می‌شود: معرفی کامل نام و نام خانوادگی، شغل، سن، شغل پدر و مادر، میزان تحصیلات هر یک از آنها، وضعیت شغلی و تحصیلی و سنی دیگر افراد خانواده، و این که شما در چه خانواده‌ای و با چه شرایطی بزرگ شده‌ای و مسائل خاص زندگی شما در گذشته چگونه بوده است. دروغ نگو اما لازم نیست هر چیزی را هم بگویی؛

16. فقط روی مفاهیم کلی بحث نشود و به نموده‌ها، مصادیق و مثال‌های عینی آن توجه شود. سعی کن با مثال‌هایی، طرف مقابل را در موقعیت‌های عینی و واقعی قرار دهی؛

17. از آنجا که هر کس مطابق با ذهنیت و تصورات به سوالات جواب می‌دهد و چه بسا ممکن است برداشت دیگران از یک مفهوم، با برداشت شما مغایرت داشته باشد و عدم توجه به این نکته، در آینده مشکلاتی را برای شما ایجاد نماید و حمل بر نداشتن صداقت شود لذا بهتر است در چنین مواردی قبل از طرح سؤال مورد نظر، ابتدا از طرف مقابلت، در مورد این گونه مفاهیم توضیح خواسته و سپس سؤال اصلی را مطرح کنی؛

18. دقت داشته باش که اصل جواب‌ها و کیفیت آنها، نشان‌دهنده نوع شخصیت و دیدگاه‌های طرف مقابل شما و نیز نشان‌دهنده میزان رشد فکری و عقلی اوست؛ لذا جواب‌ها را کنار یکدیگر قرار ده تا به یک جمع‌بندی مناسبی برسی؛

19. اگر در موردی شک داری که طرف مقابل صداقت داشته است یا خیر، موضوع را در قالب دیگری بپرس و جواب‌ها را کنار یکدیگر قرار ده؛

20. جوگیر نشو. وعده‌ها و قول‌هایی که با امکانات شما نمی‌خواند و امکان برآورده شدنش نیست نده. بگو همیشه برای بهتر شدن زندگی مادی و معنوی‌تان، تلاش خواهی کرد ولی قول‌های غیر معقول نده؛

21. درباره زنان دیگر صحبت نکن: چه لزومی دارد دائم از خواهر، مادر یا زن دیگری نقل قول کنی؟!

22. فخر فروشی نکن. حواست باشد که خواستگاری در درجه اول، احترام و اکرام به جنس مؤنث است؛ نه محل فخر فروشی.

23. گفتگو را ملایم و مثبت نگاهدار؛ برخی اوقات مردان بدون فکر کردن و حتی بدون اینکه بدانند چه کار می‌کنند، صحبت را به موضوعاتی س-نگین و منفی می‌کشانند. هیچ دلیل مفید و سازنده‌ای ب-رای این-کار وجود نداشته و تنها باعث از بین بردن لطف گفتگو و کاهش اشتیاق طرف مقابل خواهد شد. باور کن؛ صحبت از تحقیقات ناسا و حوادث پس از انتخابات، شما را فردی آگاه و روشنفکر نشان نمی‌دهد!

24. در مورد مسائل جنسی صحبت نکن. برخی از مردان این کار را انجام می‌دهند ولی شما قرار ن-ی-ست ب-ه-ای-ن-ع-م-ل-م-ب-ادرت ورزی؛ زن‌ها به دنبال قهرمان جنسی نیستند. آرام و با کلاس باش. اگر در ملاقات‌های آغازین با شریک آینده زندگی خود مسائل جنسی را پیش بکشی در حقیقت به احساس راحتی و آرامش او حمله خواهی کرد؛

25. شگاک نباش. هر یک از طرفین خواستگاری این حق را دارد که در مورد گذشته طرف دیگر، مطالبی را جویا شود هر چند از مٔه به خشخاش گذاشتن و دقت و سواس گونه و شکاکانه باید پرهیز شود؛

26. هر حرفی را نزن. هر چند دروغ گفتن جایز نیست اما هر راستی را نیز لازم نیست بگویی. اشتباهی که بعضی از دختران و پسران در جلسه خواستگاری مرتکب می‌شوند این است که همه گذشته خود را (که بعضا همراه با رفتارها، صفات یا ارتباطات غلطی بوده است که اکنون از آنها پشیمانند) به بهانه صداقت یا جلب اعتماد طرف مقابل، مطرح می‌کنند حال آنکه این عمل در بسیاری موارد اثر عکس دارد که نتیجه منفی آن در همان



زمان (با از بین بردن تمایل فرد به این ازدواج) یا در زندگی مشترک (به شکل سوءظن، مشاجره های فراوان و طلاق)، دامنگیر طرفین خواهد شد؛

27. صبور باش. از او نخواه همانجا به شما پاسخ گوید یا اصرار نکن در همان جلسه تاریخ عقد و عروسی مشخص شود. او این گونه احساس خواهد کرد که به نظر او اهمیت نمی دهی؛

28. به زمان جلسه دقت کن. اجازه نده آنقدر طولانی و خسته کننده شود که تاثیرش را از دست بدهد یا ملال آور گردد؛ شاید همه آنچه باید، در یک جلسه خواستگاری مطرح شود نتوان مطرح کرد، هیچ اشکالی ندارد تعداد جلسات خواستگاری با هماهنگی وی و بزرگترها اضافه شود.

در هر حال موضوعات قابل طرح در گفت و گوی جلسه خواستگاری، مختلف است؛ چرا که افراد عقیده ها، آرمان ها، هدف ها و خواسته های گوناگون دارند؛ در نتیجه آنچه که در زندگی برای شما اهمیت ویژه ای دارد و شما برای آن جایگاه و نقش عمده ای در نظر گرفته ای (مانند سبک زندگی، توقعات شما از همسر آینده و...) را باید حتما مطرح کنی تا نظر طرف مقابلت را نیز در رابطه با آن بدانی. البته بعضی از مسائل و موضوعات عمومی است و ضرورت دارد جوانان قبل از ازدواج برای آگاهی یافتن از ویژگی های جسمانی، روانی، اخلاقی یکدیگر مطرح کنند و درباره آن ها به گفت و گو بنشینند. ناگفته پیداست، این گونه جلسات حتماً باید تحت اشراف خانواده های دو طرف صورت گیرد؛ زیرا مذاکره مستقیم و بدون اطلاع خانواده دختر و پسر مطلوب عرف و در اکثر موارد مورد پسند شرع و عقل نیست و به جای این که زوج جوان را به حقیقت برساند، مایه انحراف و مشکلات دیگر می شود. بنابراین در این گونه جلسات می توان درباره مسائل زیر گفت و گو کرد:

1. خط مشی کلی زندگی آینده: مراد تبیین مبنای زندگی آینده است. برای مثال جوان متدین می خواهد زندگی اش بر اساس قوانین اسلام بنا شود. در این جا باید از میزان پای بندی افراد به ارزش های دینی و اخلاقی سؤال شود؛

2. اهداف زندگی: یعنی هدف هایی که هر کدام قصد دارند در زندگی آینده شان دنبال کنند: هدف ها و آرمان های علمی و تحصیلی، اجتماعی، شغلی و ...، برای مثال تاچه اندازه به ادامه تحصیل علاقه مند است و مشکلات تحصیل را تحمل می کند؟ جایگاه اجتماعی را دارای چه اهمیتی می داند؟ از نظر اقتصادی و مالی به چه سطحی می اندیشد و حداقل و حداکثر چقدر است؟

3. چگونگی رابطه با خانواده و بستگان: برای مثال به چه اندازه به رفت و آمد با اقوام و خویشان و نیز دوستان اهمیت می دهد؟ و بر آن اصرار می ورزد؟ به آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی رفتار با بستگان چقدر پایبند است؟

4. خواست ها و انتظاراتی دو طرف از یکدیگر

5. شیوه تربیت فرزندان: مسؤولیت تربیت با چه کسی است و چگونه باید آن را آموخت؟

6. نقص های جسمانی و بیماری های مزمن احتمالی یکدیگر

از سوال مهمتر، ارتباطات غیر کلامی است. مثلاً آیا رفتارش با مهربانی و عاطفه هست؟ آیا آداب اجتماعی را در حدی که برای شما مهم است بلد هست اگر نه، آیا در این حد با او احساس صمیمیت می کنی که این مورد را با او در میان بگذاری؟ علاوه بر آن باید از خودت بررسی: از هم صحبتی با او خسته شدی یا لذت بردی؟ اینکه اگر اختلاف نظری پیش آمد می توانی با صحبت کردن مسئله را حل کنی و یا بر سرش به تفاهم برسی؟ آیا می ترسی مسئله ای را با او در میان بگذاری؟ از عکس العمل هایش در مقابل حرف ها و رفتارت نگران می شوی؟ و .

حال پس از حصول اطمینان از توافق اخلاقی، مراسم عقد با کمترین تشریفات انجام شود. متأسفانه در شرایط فعلی، ازدواج ها بیشتر به صورت چشم وهم چشمی و رقابتی انجام می شود و روز به روز مراسم عروسی پرهزینه تر و تشریفاتی تر می شود و نیز تأمین جهیزیه مشکل بزرگی برای

خانواده‌ها شده است. به خاطر همین مسائل، انگیزه برای ازدواج و انجام این سنت الهی در بسیاری از خانواده‌ها کاهش یافته و به تبع آن سن ازدواج بالا رفته و به ناچار دختر یا پسر به خاطر همین سنت‌های غلط مجبور است در سنین بالا بصورت مجرد زندگی کند. در مجموع ابعزیز خوبیم، یگانه راهی که ما را به موفقیت‌های بینهایت مادی و معنوی می‌رساند، انتخاب در چارچوب آموزه‌های دین و در پرتو فرامین عقل پاک است.

### **وظایف مشاوران در رابطه با برخی از مسائل مربوط به انتخاب همسر چیست؟**

از مشاور توپرس چیست مصلحت \* تا روی در راه و خواست فطرت

چون مشاور دلسوزی دانا بود \* داد خاموش درون گوید برت

پیوند همسران متدین به دین و مذهب با سطح اعتقادی یکسان، بهترین حالت ازدواج است. بنابراین مشاوران باید دختران و پسران را به این امر توجه دهند تا آنان در زندگی زناشویی از نظر تفاوت در اعتقادات مذهبی رنج نبرند و بتوانند فرائض و مراسم دینی را به طور مشترک انجام دهند.

در مواردی که پسر و دختر از نظر ایمانی و اعتقادی اختلاف دارند، مثلاً یکی متدین و مؤمن و دیگری بی بند و بار و به اصطلاح متجدد است، وظیفه مشاور آگاهی دادن آنان به مشکلات بعد از ازدواج است. این امر چنانچه کاملاً توجیه و تفهیم گردد، مطمئناً در تصمیم‌گیری آنان در جهت همسرگزینی تأثیر خواهد

در مورد اختلاف آداب و رسوم اعم از این که در دو جامعه یا در طبقات اجتماعی یک جامعه یا راجع به ساکنان قسمت های مختلف جغرافیایی یک کشور باشد، مشاور باید دختر و پسر را از نظر آداب و رسوم رایج آگاهی دهد و اختلاف آداب و رسوم جامعه یا طبقه اجتماعی هر یک از طرفین را مقایسه نماید.

در صورتی که در این مقایسه اختلاف جدی و مشکل زا وجود داشت؛ باید طرفین را به اهمیت موضوع توجه دهند. تغییر ویژگی های فرهنگی در بعضی از جوامع به دلیل ریشه دار بودن آنها بسیار مشکل است. گاه این موضوع در مسائل زناشویی زوجین که از دو جامعه یا دو طبقه اجتماعی متفاوت می باشند، مشکلات جدی ایجاد می نماید.

در مورد رسم های غیر معقول و اعتقادات و باورها که نقش تعیین کننده در ازدواج دارند، باید مشاوران جداً وارد عمل شوند و در رابطه با باورها و سنت هایی که غیر معقول بوده و ممکن است شالوده زندگی زناشویی را سست نماید، اطلاعات لازم بدهند و زوجین را در مورد عواقب بعدی آنها توجیه کنند.

موضوع لباس پوشیدن از دو جنبه حائز اهمیت است یکی این که پوشش زنان مرتبط با عقاید دینی است و دیگر این که از نظر

اجتماعی واجد ارزش است. بنابراین در ازدواج نحوه لباس پوشیدن نقش مهمی دارد که بایستی زوجین را بدان توجه داد. مشاوران باید در مسائل فرهنگی که برخاسته از اعتقادات و عادات ریشه دار است هیچ موردی را در زمینه ازدواج نادیده نگیرند و به زوجین آگاهی و اطلاعات لازم را بدهند. آری ای عزیز اهل شور و مشورت:

با مشاور کن تو شور و مشورت

تا شوی اهل فلاح و معرفت

راهنمای خوب و بد باشد به علم

می برد بالا تو را در منزلت

البته ای عزیز بزرگوار از مشورت با مشاورانی که از دین و معنویت بی خبرند و با افکار غربی و الحادی سر و کار دارند بصورت جدی پرهیز نما؛ آری:

از مشاورهای بی دین کن حذر

چون که بی دینی بود خود درد و سر

انحراف ایجاد کنند در ذات و سر

با همان علمی که دور است از نظر

چون که بی دینی بود خود درد و سر

کی رهاند جان و دل را از ضرر

دان که فریاد خموش هر بشر

راه فطرت بوده نه راهی دگر

با مشاورهای غربی ای پسر

می شوی خوار و ذلیل و در بدر

آنکه از معنا بود دور در بصر

کی کند ارشاد تو را در این سفر

وی که با افکار غرب خون جگر

راه خود گم کرده اندر جام و دهر

او که خود غافل بود از خیر و شر  
فکر وی باشد همیشه پر خطر  
مشکلات را کند بر جسته تر  
قلب و جان را کند دور از ظفر  
چون ندارد اعتقاد با هر نگر  
خود بود در سطح حیوان یا بتر  
همسر عاقل کند از وی حذر  
در همه عمرش چه در سیر و حضر  
پس عزیزم کن عبور از این گذر  
تا شوی آرام و گیری صد ثمر  
با مشاورهای مومن چون پدر  
کن تو شور و مشورت بی هر سپر  
چون خدا خوانند به هنگام سحر  
جز خدا چیزی نخواهند تا به فجر  
حرفشان آرد سعادت را چو زر  
بهر جان دارد هزار و یک اثر  
چون که دین گوید همه زیر و زبر  
می برد بالا تو را با بال و پر  
راه حق سبز است چو برگی بر شجر  
بهر هر زوجی ز پایین تا به سر

این حقیر خواند تو و صدها نفر

سوی حق و خالق نور و قمر

### **در انتخاب همسر شایسته به چه شرایط و معیارهایی باید توجه ویژه نمود و اهمیت آنها بخاطر چیست؟**

گر که خواهی ای عزیز با مرام

راه فطرت را روی هر روز و شام

انتخاب کن نامزدی را مثل ماه

با همان معیاری که گفته امام

یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی قبل از ازدواج، در نظر گرفتن معیارهایی برای انتخاب همسر است. به جرأت می توان گفت بیشترین مشکلاتی که در زندگی مشترک به وجود می آید، این است که زن و مرد، همسر مناسب خود را انتخاب نکرده اند و پس از چند سال زندگی متوجه می شوند این دو مناسب یکدیگر نبوده اند.

انتخاب همسر، سنگ زیربنای یک زندگی موفق است و باید گفت که اکثر شکستها در زندگی مشترک، از بناگذاری نامناسب این سنگ زیرین ناشی می شود. روانشناسان و متخصصان خانواده که راهنمایی نسل جوان را وظیفه خود می دانند و برای رهایی دختران و پسران جوان از یک زندگی سرد و بی روح و یا یک جدایی اجتناب ناپذیر، دل می سوزانند، آنان را به ریشه های مشکلات احتمالی توجه داده اند و از این طریق سعی کرده اند که اشتباهات را به حداقل ممکن کاهش دهند.

یکی از مهمترین این موارد «انتخاب مناسب همسر» است. اگر این انتخاب درست و هشیارانه صورت بگیرد، مشکلات بعدی که خواه ناخواه در هر زندگی به وجود

خواهد آمد، با درایت و گذشت برطرف می شود. آری در غررالحکم آمده است که امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند: "وقتی خداوند خوبی بنده ای را بخواهد، به او قناعت عطا کند و همسرش را شایسته گرداند." (1)

ای عزیز متدین، انسان دین دار تلاش می کند رضایت خویش را در مورد هر آنچه دنیایش می نامد نهادینه کند. تقویت این رضایت مندی خود عاملی قوی برای آرامش نسبی و در نهایت پیشرفت است. از جمله ابزارهایی که باعث تقویت آرامش روحی روانی و در نهایت رضامندی می شود وجود همسری شایسته است. هر کس که دارای همسری شایسته باشد و این نعمت الهی را قدر بشناسد؛ انسانی خوشبخت است. در همین زمینه پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) می فرمایند: « از سعادت مرد، داشتن همسر صالح است. »

آری هر دختر و پسری به مجرد جاری شدن خطبه عقد، به یک دیگر تعلق پیدا کرده و عمری میخوانند در کنار هم زندگی کنند، در غم و شادی شریک هم باشند، به کمک هم میخوانند فرزندان صالح و شایسته تحویل جامعه دهند و بالاخره در تمام مراحل زندگی غم خوار هم باشند. از این رو اسلام در ابتدا به این دوزوج جوان سفارش و تاکید جدی می کند که در انتخاب همسر نهایت دقت را معمول دارند. در روایات و احادیث برای همسر شایسته ویژگی هایی ذکر شده که اگر جوانان قبل از ازدواج به آن ها توجه کنند، یا اصلاً دچار اختلاف خانوادگی نمی شوند و یا خیلی کم با آن دست به گریبان می شوند.

شناخت ویژگی های مناسب و مطلوب هر یک از مرد و زن و انتخاب همسر

ص: 144



براساس آنها امری مهم است. جوانان باید شاخصهای مثبت را برای یک ازدواج موفق بدانند تا بر پایه آنها همسر و شریک آینده زندگی خود را انتخاب کنند. وجود این ویژگیها چه در باره خانم ها و چه در خصوص آقایان ضرورتی انکارناپذیر است. مع الوصف این پرسش که زن خوب یا مرد خوب کیست، و چه ملاکهایی را در انتخاب همسر باید رعایت کنیم، امری مهم و حائز اهمیت است. بنابر این با کدام معیار، باید سراغ انتخاب «شریک زندگی»

رفت، یا به درخواست و پیشنهاد یک ازدواج، «آری» گفت؟ آری گفتنی که بار سنگین مسئولیت زندگی را در یک عمر بر

دوش انسان می گذارد! متأسفانه باید اعتراف کرد که معمولاً معیارهای غلط و هوس های زودگذر و شناخت های ناقص یا انگیزه های مادی، در این انتخاب بزرگ و حیاتی و این مساله مهم و سرنوشت ساز نقش اصلی را ایفا می کند. بگونه ای که همین موضوع بعد از مدتی نه چندان دورعامل اصلی ناراحتیها، مشکلات و در نهایت جدایی و طلاق خواهد شد.

به هر حال، باید توجه داشت که انتخاب همسر، غیر از انتخاب لباس و یا گزینش نوکر و کلفت است؛ زیرا، شخص با

انتخاب همسر می خواهد شریکی در زندگی خانوادگی برای خود برگزیند؛ شریکی که تا پایان عمر همراه و همراز او باشد و از مصاحبت با او لذت ببرد. می خواهد او را شریک مال و زندگی خود و مهم تر از همه، پدر یا مادر فرزندان و محرم اسرار خویش

نماید. از این رو، عقل سلیم حکم می کند که انسان باید درباره همسر آینده اش تحقیق کند و از هرگونه عجله کاری و اغماض در جوانب قضیه پرهیز نماید، ویژگی های اخلاقی و روحی همسر مورد انتخاب را بشناسد و بنگرد که چه کسی را برای همسری

برمی گزیند. ازاین رو،

مرحله بررسی و شناخت جهت گزینش همسر، اهمیت بسزایی در زندگی انسان دارد؛ زیرا، تجربه نشان داده که بیشتر اختلافات خانواده ها و طلاقها و از هم پاشیدگی ها، منشأ آن شتابزدگی در انتخاب همسر بوده است. بنابراین، پیشوایان معصوم (علیهم السلام) درباره این امر خطیر و سرنوشت ساز دستور داده اند که هنگام انتخاب

همسر، ابتدا وضو بگیریید و دو رکعت نماز بجای آورید و آن گاه از خداوند مهربان درخواست نمایید که همسری شایسته که از لحاظ اخلاق و پاکدامنی و نگره داری مال و آبروی شوهر و زیبایی و فرزندآوری سرآمد زنان است، نصیب شما گرداند و سپس به سراغ انتخاب همسر بروید.

این دستور معصوم (علیهم السلام) بیانگر این است که فکر و اندیشه انسان به تنهایی کافی نیست، بلکه باید در این امر مهم

به حق تعالی پناه برد و از او استمداد نمود. شریعت اسلام برای گزینش همسر معیارها و ضوابطی را معین کرده است که باید جوانان در انتخاب همسر، آن معیارها را مراعات نمایند.

آری ای عزیز، سوالی که دغدغه خاطر همه جوانان بوده و تقریباً در تمام جلسات بحث و انتقاد یا پرسش و پاسخ در خصوص بهداشت روانی و ازدواج، از طرف عزیزان اعم از دختر یا پسر با دقت ویژه پرسیده می شد همین است که همسر آینده ام باید دارای چه خصوصیات و ویژگیهایی باشد تا بتوانم در کنار او احساس خوشبختی و آرامش نمایم و . . . در جواب سوال این

عزیزان بخاطر اهمیت خاصّ موضوع بطور مفصّل مطالبی مطرح می شد که در مجموع چکیده ساعتها بحث که بعضی از جلسات حدود چهار ساعت به طول می انجامید و هنوز مشتاق

بودند که ادامه پیدا کند؛ این بود که اگر طالب آرامش و خوشبختی واقعی در دنیا و رسیدن

به سعادت حقیقی در آخرت هستید به دنبال همسر دیندار باشید. متأسفانه بعضی از افراد فکر می کنند اگر با همسر دیندار و حزب الهی ازدواج کنند زندگی سخت و طاقت فرسایی خواهند داشت و از زندگی راحت، شیرین و لذت بخش محروم خواهند شد!!

در حالی که بطور حتم، عکس این برداشت صادق است. مع الوصف اگر همسر تان فردی دیندار بود همه چیز را به همراه خودش خواهد آورد. ولی اگر اهل دین و دیانت نبود

یقین بدانید همه چیز را از بین خواهد برد. . البته شرایط و مسائل دیگر هم که در ادامه خواهد آمد مهم است. اما اساس خوشبختی در دینداری همسر (دینداری واقعی) خلاصه می شود. آری ای عزیز دیندار بدان و هوشیار باش که:

همسران مومن و شیرین زبان

قلب شان باشد همیشه مهربان

از گناه و غیبت و ظن و گمان

دور و باشند در همه دور و زمان

چون نخواهند ذره ای را بهر جان

از کران این جهان تا بی کران

دان که با غفلت همی گویند چنان

همسر مومن شدن باشد فغان

چون نمی دانند که خلق مومنان

صاف و پاک است در درون و هم عیان

بر زن و فرزند خود در هر مکان

می کنند مهر و محبت همچنان

خانه گردد امن و آرام در جهان

با وجود مومن پیر و جوان

شور و معنایی دهند چون ارمغان

جان و دل را می کنند امن و امان

مومن پر شور همی باشد جوان

چون توان وی بود فوق توان

آنکه باشد خوش مرام و خوش بیان

می کند خنثی سموم شوکران

گر که زوج وی بود نامهربان

وفق ایمان می کند بر او حسان

چون که ایمان مانع است در هر زمان

می کند صدها گذشت بهر جنان

همسرش را نعمتی داند ز جان

زندگی با وی همی شیرین بدان

نقش ایمان در وجود هر روان

می کند آرام درون دلبران

پس عزیزم همسر مومن همان

یار و یاور بوده بر خرد و کلان

این حقیر گوید که ای آرامه جان

همسر مومن بود خواست نهان

در هر حال ای عزیز بزرگوار، بزرگان و رهبران دینی ما، صاحب نظران، روانشناسان،

متخصصان خانواده، شرایط و ملاکها و ویژگی هایی را برای ازدواج موفق توصیه می کنند. این توصیه ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد.

الف) ویژگی های فردی: مهم ترین مسائلی که در ازدواج مطرح می شود، زمان و سن مناسب و میزان رشد فرد برای ازدواج است. در این باره، سه شرط اساسی را به اختصار می توان نام برد:

شرط اول: بلوغ جسمانی، روانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، ذهنی، فرهنگی و آرمانی. شرط دوم: داشتن هدف و

انگیزه برای ازدواج. شرط سوم: داشتن اطلاعات لازم در مورد انتظارات، تکالیف و وظایف در زندگی زناشویی.

ب) معیارهای انتخاب همسر: معیارها و ملاک هایی که در انتخاب همسر باید در نظر گرفته شود دو نوع است.

اول. آنهایی که رکن و اساس اند و برای یک زندگی سعادت‌مندانه حتما لازم اند. مانند: متدین بودن، حُسن خلق و اخلاق نیک، عقل و... .

دوم. آنهایی که شرط کمال هستند و برای بهتر و کاملتر شدن زندگی اند و بیشتر به سلیقه و موقعیت افراد بستگی دارد. مانند: ظاهر و زیبایی و... .

ظاهر و زیبایی بر قلب شما

در مسیر عاشقی دارند ندا

خلق و ایمان بوده برتر ای هما

وفق حرف معصوم و صنع خدا

همسران مومن اندر هر کجا

می برند بالا تو را تا ماورا

فرد بی ایمان کند بر خود جفا  
زندگی را می کند دور از صفا  
دان که زیبایی بسی باشد بلا  
می کند عشق تو را از سر جدا  
عاشق زیبایی در هر ماجرا  
می کند آرامش خود را فدا  
گر چه زیبایی همی آرد رضا  
با خدا گردد فراتر از طلا  
همسر زیبا بدون هر خطا  
با همان ایمان شود اهل وفا  
سیرت زیبا اساس است در قوا  
صورت زیبا شود بی شک فنا  
این حقیر گوید که همسر در دو جا  
با ولایت می شود از غم رها

تصویر

# معیارهای انتخاب همسر



## معیارهای انتخاب همسر چیست؟

دین و خلق وی بود اصل و اساس

چون دو عالم را همی آرد به کام

دین وی باشد برایت چون حصار

حافظ جان و دل است از دیو و دام

یار دلسوزت بود بهر حلال

می برد بیرون تو را از هر حرام

1) متدین بودن: بدون شک پایبندی به ارزشهای اسلامی، یکی از عوامل مهم خوشبختی در زندگی زناشویی است. ایمان به عنوان یک عامل درونی، افراد را از ارتکاب به اعمال خلاف انسانی

باز می دارد. افزون بر این زن و مرد با ایمان و تقوی، از هر جهت برای تربیت فرزندان صالح، شایسته ترند. اعتقادات مذهبی از انعطاف ناپذیرترین باورهای فردی است و امکان تغییر آن در طول زندگی کمتر است، لذا رعایت این امر از واجبات ضروری برای ازدواج است. (1) اسلام هم مهم ترین شرط یک ازدواج موفق را داشتن سرمایه های معنوی می داند. (2) آری همانگونه که اشاره شد

ص: 151

---

1- جواد، حکیمیان، مراحل تربیت و تکامل انسان، اصفهان، پویان مهر، ص 28

2- محمد، صفحی، ص 48



بزرگ ترین ویژگی یک همسر مناسب این است که متدین باشد، یعنی به اصول و فروع دین و تمام آن چه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از طرف

خدا برای سعادت بشر آورده ایمان داشته باشد. حلال خدا را حلال و حرام او را حرام بداند. آری ای عزیز متدین:

خوستگاری که بود اهل نماز

اهل ایمان و جهاد و ذکر و راز

بی شک و شبهه بگو بله به آن

چونکه خوشبخت کند و سر فراز

چرا که دین می تواند انسان را از هرگونه انحراف های روحی و اجتماعی مصون دارد و زمینه و بستر مناسب را برای سعادت

و خوشبختی هر فردی فراهم نماید، مسلماً زن و مرد با ایمان مطابق موازین و برنامه های دینی زندگی می کنند و فرزندان خود را تربیت کرده و احساس مسئولیت نسبت به این امر می نمایند.

مع الوصف ای عزیز بزرگوار تدین همسر از اهمیت بسیاری برخوردار است و تأثیر بسزایی در سعادت زندگی خانوادگی دارد. بدون این معیار، ارزشهای اخلاقی همچون صداقت، وفا، گذشت و فداکاری در زندگی قابل پیاده شدن نیست. در روایات اولیای گرامی اسلام به این نکته بسیار عنایت شده است، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از برشمردن انگیزه های مختلف در گزینش همسر به دینداری و متدین بودن او اشاره کرده، می فرماید "زن را به چهار چیز کابین می بندند: ثروت، دین، زیبایی و حسب و نسب؛ پس بر تو باد به ازدواج با زن دیندار." چرا که همسر متدین در زندگی سودمندتر از همسر زیبا، یا

ثروتمند، یا دارای حسب و نسب، ولی غیر متدین است. از این رو، شایسته است که در

گزینش همسر؛ زیبایی ظاهری، ثروت و حسب و نسب، دینداری او را تحت الشعاع قرار ندهد. آری همسر متدین و مؤمن حامی و تقویت کننده ایمان انسان است؛ و همسر غیر متدین موجبات تضعیف ایمان انسان را فراهم می سازد، بطوری که با گذشت زمان، بی ایمانی و بی تفاوتی او نسبت به معتقدات دینی در روح همسرش تأثیر گذارده و خواه و ناخواه او را در انجام تکالیف دینی، سست و بی تفاوت می کند. همسر متدین به همان اندازه

که در فکر و عقیده با شوهر متدین هماهنگ است، در عمل نیز در کنار او قرار می گیرد. هماهنگی در التزام به دستورات دینی همچون رعایت حجاب، پرهیز از معاشرتهای آلوده، خودداری از مصرف مال حرام، تعهد به رعایت اخلاق اسلامی و انجام عبادتهای دینی و دهها مورد دیگر که در زندگی پیش می آید، از تفاهم و هماهنگی زن و شوهر حکایت می کند. اما اگر زن و شوهر از نظر عقیده و دینداری در دو قطب مخالف قرار داشته باشند، از کوچکترین مسائل زندگی تا مهمترین آن و از شروع مراسم عقد و عروسی تا پایان زندگی، کشمکش و درگیری مستمر در زندگی این زن و شوهر وجود خواهد داشت؛ که همگی از مراعات نکردن معیار دینداری در گزینش همسر ناشی می شود. علاوه بر اینکه همسر متدین، فرزندان مؤمن و نیکوکار به جامعه تحویل می دهد و از بی بندوباری و افسار گسیختگی آنها جلوگیری می کند. او می کوشد فرزندان خود را طبق الگوهای دینی و مذهبی پرورش دهد. از این رو، در تمام مراحل زندگی آنها را به دینداری و رعایت دستورات دینی فرا می خواند.

بنابر این ای خواهر و برادر مومن، همانطور که اشاره شد یقین بدان انسانی که دین ندارد هیچ ندارد، هرچه هم داشته باشد، هیچ محسوب می شود. برای کسی که پایبند

دین، نباشد هیچ تضمینی وجود ندارد که پایبند به رعایت حقوق

همسر و زندگی مشترک باشد. در واقع، سعادت حقیقی بدون دیانت محال است.

شخصی برای گرفتن راهنمایی درباره انتخاب همسر، خدمت

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد. حضرت به او فرمودند: «علیک بذات الدین» بر تو باد که همسر دینداری بگیری و نیز فرمودند: «کسی که با زنی به خاطر ثروتش ازدواج کند، خداوند او را به حال خودش وامی گذارد؛ کسی که به خاطر زیبایی اش با او ازدواج کند، در

او امور ناخوشایند خواهد دید؛ کسی که به خاطر دین و ایمانش با او ازدواج کند، خداوند همه آن امتیازات را برایش فراهم می کند.» همچنین حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر مردی با زنی برای جمال یا مالش ازدواج کند، به همین امر واگذار می شود. ولی اگر

برای دیندار بودن با او ازدواج کند، خدا مال و جمال را نیز نصیبش می گرداند.» و باز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «با زن دیندار ازدواج کن تا خدا به زندگی تو برکت دهد.» یا فرموده اند: «کسی که به خاطر دین و ایمان کسی با او ازدواج کند، خداوند

همه دنیایش را برایش فراهم می سازد.» و نیز امام باقر (علیه السلام)

می فرمایند: «شخصی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شرفیاب گردیده و در مورد ازدواج با آن سرور مشورت کرده حضرت فرمودند: با شخصی که اهل دیانت و تقوا باشد ازدواج کنید.» و نیز می فرمایند: «نباید زیبایی زن را بر دینداریش ترجیح داد.» منظور این است که در هنگام انتخاب همسر، زیبایی را اولویت اول خویش قرار ندهید. همچنین می فرمایند: «موقعی شخصی که راضی به دینداری و امانت داری او هستید برای خواستگاری نزد شما آمد، به او زن بدهید.»

البته ای عزیز با ایمان، دینداری را فقط از روزه و نماز و یا از انجام مراسم مذهبی

توسط فرد نمی توان کشف کرد. این قبیل امور کارهای ساده ای هستند که انسان تدریجاً به آنها عادت کرده است، بلکه

دینداری را علاوه بر موارد مزبور به وسیله امانتداری، وفای به عهد، اجتناب از مال حرام، راستگویی، رعایت حقوق دیگران و . . . می توان تشخیص داد. امام صادق(علیه السلام) می فرمایند: به نماز و روزه مردم مغرور نشوید؛ زیرا بعضی مردم به نماز و روزه عادت کرده اند آن چنان که از ترک آنها ناراحت می شوند و در تشخیص مراتب دینداری، آن ها را به وسیله راستگویی و امانتداری امتحان کنید. بهترین وسیله برای تشخیص دینداری افراد، معاشرت و در صورت امکان معامله است. «

سیرتش اصل است و باشد ماندگار

چون که فردا را کند آرام و رام

نامزدی پارسا همانند طلاست

پاک و کم عیب است بدون هر کلام

2) حُسن خلق و اخلاق نیک: انسان باید از گزینش همسر بد اخلاق بپرهیزد، اخلاق نیکو زندگی را خوشایند و دلپذیر می کند و اخلاق بد زندگی را تلخ و سبب عذاب روح می شود. (1) شخصی برای امام رضا در نامه ای نوشت یکی از بستگانم از دخترم خواستگاری کرده ولی بد اخلاق است آیا دخترم را به او بدهم؟ حضرت فرمودند: اگر بد اخلاق است مبادا دخترت را به همسری او در آوری. (2) و از نظر اسلام خانواده ای پست است که «دین» و «اخلاق» در آن حاکم نباشد. (3)

ص: 155

---

1- محمد، وحیدی، احکام خانواده، ج 1، ص 93

2- حر، عاملی، ج 20، ص 81/ محمد، وحیدی، احکام دختران، ص 224

3- مظاهری، خانواده در اسلام، اصفهان، بنیاد المهدی، 1384، ص 169

از ویژگیهای مهم دیگر همسر، خوش اخلاق بودن او است، اگر شوهری بهترین خانه، ماشین، لباس، قیافه، و کلا بهترین

امکانات مادی را داشته باشد، اما بد اخلاق و خشن باشد، تمام افراد خانواده ناراحت خواهند بود، به طوری که آرزو می کنند روی خاک بنشینند و پست ترین لباس ها را بپوشند و بدترین غذاها را بخورند، اما در خانه گرفتار خشونت، بدزبانی و بد اخلاقی نباشند.

آری ای عزیز، بدون شک اخلاق هر کس در زندگی او تأثیر مستقیم دارد، ولی این تأثیر در محیط خانواده محسوستر

و نقش آفرین تر است، زیرا مسائل عاطفی در خانواده بر مسائل دیگر غلبه دارد و محیط خانواده بیشتر بر مبنای خصوصیات اخلاقی اعضای آن شکل می گیرد. اگر اعضای خانواده از اخلاقی پسندیده برخوردار باشند، محیط خانواده به بهشتی سرور انگیز

تبدیل خواهد شد، ولی اگر به بد اخلاقی خو گرفته باشند، همواره خود را در جهنمی سوزان گرفتار خواهند دید.

بنابراین، می توان گفت که اخلاق پسندیده پس از مسأله دینداری از جمله عوامل خوشبختی زن و شوهر است و نقش تعیین کننده ای در زندگی مشترک آن دو ایفا می کند. چرا که زندگی مشترک، دارای فراز و نشیبهایی است که برخورد صحیح با آنها نیاز به روحیه ای قوی و اخلاقی پسندیده دارد و زن و شوهر اگر از این مزیت بهره ای نداشته باشند، نمی توانند با تفاهم و همکاری متقابل، بر مشکلات زندگی چیره شده، بار سنگین آن را به مقصد برسانند.

مع الوصف ای عزیز متواضع، خوش اخلاقی همسر، نقش مؤثری در زندگی انسان دارد و باید مورد توجه کامل قرار

گیرد؛ زیرا همانطور که اشاره شد آنچه مایه سازش

و تحکیم روابط است، حسن خلق است، نه اموری مانند ثروت و زیبایی. آری همسرِ بداخلاق و ناسازگار، مایه غم و اندوه و کدورت خواهد بود و بدون شک طراوت و شادابی را از طرف مقابل و دیگر اعضای خانواده می رباید. چه از طرف زن باشد چه از طرف مرد.

به خاطر همین است که معصومین (علیهم السلام) در روایات و احادیث جوانان را از ازدواج با افراد بداخلاق نهی نموده اند و خوش اخلاقی را به عنوان یکی از شرایط همسر شایسته محسوب کرده و روی این معیار در گزینش همسر تکیه ویژه نموده و از آن در ردیف

دیانت و دینداری همسر یاد فرموده اند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره صفات و ویژگی های همسر شایسته می فرمایند: «با کسی که اخلاق و دینش مورد پسند باشد ازدواج کنید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد.» یا «حسین بن بشار واسطی» به امام رضا (علیه السلام) نامه نوشت که یکی از

بستگانم خواستار ازدواج با دختر من است، ولی بداخلاق است؛ حضرت فرمودند: «اگر اخلاقش بد است، دختر به او نده.»

روزی از دانشمندی ریاضیدان نظرش را درباره زن و مرد پرسیدند. جواب داد: . . . اگر زن یا مرد دارای (اخلاق) باشند پس مساوی هستند با عدد یک = 1 اگر دارای (زیبایی) هم باشند پس یک صفر جلوی عدد یک میگذاریم = 10 اگر (پول) هم داشته باشند دو تا صفر جلوی عدد یک میگذاریم = 100 اگر دارای (اصل و نصب) هم باشند پس سه تا صفر جلوی عدد یک میگذاریم = 1000

ولی اگر زمانی عدد یک رفت (اخلاق) چیزی به جز صفر باقی نمی ماند و صفر هم به تنهایی هیچ نیست، پس آن انسان هیچ ارزشی نخواهد داشت.

خلق وی باشد مطابق با امام

از همان خلق خوشش گیری پیام

صورتش باشد عزیز و با حیا

چون که ایمانش قوی باشد مدام

3) زیبایی و شادابی: بدون تردید، زیبایی سرمایه گران بهایی است که می تواند در ایجاد محبت و دلبستگی و استحکام پایه های زناشویی نقش مهمی ایفا کند. (1) اما نباید ازدواج را بر اساس آن قرارداد. چون زیبایی در معرض زوال و تغییر است و نمی تواند پایه محکمی برای ازدواج باشد. آری زیبایی یک امتیاز است و در شیرینی و سعادت زندگی زناشویی تأثیر به سزایی دارد. زیبایی همسر در حفظ و تقویت عفت و ایمان همسرش تأثیر دارد. اگر همسری از زیبایی همسرش راضی باشد، چشم، فکر و عقلش متوجه دیگران نخواهد شد و دچار خیانت به همسر نمی شود، مگر اینکه از فطرت انسانی خارج شده و از ایمان و عفت بی بهره باشد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برای اطمینان خاطر مرد از زیبایی زن، اجازه داد پیش از ازدواج، مرد او را ببیند، تا خاطر وی از نظر زیبایی و دلپسندی زن مطمئن گردد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «در انتخاب همسر همان گونه که درباره زیبایی صورت همسر تحقیق می کنید، درباره موی او نیز سؤال و تحقیق کنید؛ زیرا موی یکی از زیبایی هاست.» از طرفی یکی از امامان معصوم (علیهم السلام) هنگامی که محاسن و موی مبارکشان را با حنا رنگ کرده و خود را آراسته بودند، شخصی با تعجب به ایشان عرض کرد: خود را چه زیبا کرده اید؟!

امام (علیه السلام) فرمودند: آراستگی و زیبایی مرد بر عفت زن می افزاید. بنابراین هم زن و هم

ص: 158

مرد باید زیبایی را مد نظر داشته باشند.

البته زیبایی یک امر نسبی است و هر همسری باید در دید همسر خود زیبا و مورد پسند باشد. به خاطر همین است که می‌گویند لیلی در دید معنون زیبا و دلچسب بوده و گر نه زیبایی آنچنانی نداشته است. مهم این است که باید بین زشت بودن و زیبا نبودن فرق گذاشت.

یعنی شما نباید با شخص زشت ازدواج کنید چون باید یک عمر در کنار او زندگی و از وجود او لذت و بهره ببرید و این اهداف مشروع با شخص زشت فراهم نمی‌شود. اما این که میزان زیبایی باید چقدر باشد به سلیقه شما بستگی دارد. لذا اگر ایشان

در چشم شما زشت می‌نماید با وی نباید ازدواج کنید ولی اگر زیبا است؛ ولی بهره‌ی وی از زیبایی کم است به سلیقه‌ی خودتان بستگی دارد. چون زیبایی یک معیار و اندازه معین و قانون استاندارد ندارد بلکه تا حدودی به سلیقه افراد بستگی دارد.

حتی ممکن است همانطور که اشاره شد فردی در نظر کسی زیبا و در نظر دیگری زشت باشد. به بیانی می‌توان گفت زیبایی به اندازه‌ای باید باشد که همدیگر را بیسندند و جذابیت کافی برای همدیگر داشته باشند. به عبارت دیگر از نظر ظاهری

نیز باید کفو همدیگر باشند.

گرخوش اخلاق است وهم اهل مرام

می رود سوی حقیقت گام به گام

بر چنین نامزد تو کن هر روز و شب

هم محبت هم دعا و هم سلام

ص: 159



4) علم و عقل: هرگاه شخصی از نظر عقلی خوب و سالم باشد می توان به او اعتماد و تکیه کرد و اگر از نظر عقلی مشکل داشت فریب اعمالش را نباید خورد. (1) که شاهد این سخن روایتی از حضرت صادق (علیه السلام) به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است: "هر گاه از کارها و حالات مردی نزد شما تعریف کردند [گول نخورید] پس باید در خوبی عقلش دقت کنید." (2) اداره و تداوم زندگی و پیمودن راه سعادت و درستکاری و برطرف نمودن مشکلات زندگی مشترک کار ساده ای نیست. زن و شوهر برای تحقق آنها و همچنین تربیت فرزندان شایسته، باید به نیروی عقل و فهم مجهز باشند. بدون شک ای عزیز با هوش "سلامت عقل" نیز از مهم ترین ویژگیهای یک همسر شایسته محسوب می شود. متأسفانه بسیاری از افراد، مقیدند که همسر زیبا داشته باشند، در صورتی که زیبایی در آمار جهانی بهداشت، فقط 25 نمره دارد در حالی که به تفکر و اندیشه 300 نمره داده اند. زیبایی اگر چه مهم است اما بدون تردید دوره محدودی دارد، بنابر این:

نامزدی خواهم به سیرت پاک پاک

خلق نیکش بعد از آن باشد ملاک

ظاهرش گر چه مهم است در حساب

صورت زیبا رود روزی به خاک

مع الوصف ما نمی توانیم نقش بی بدیل سیرت پاک و عقل و تفکر را انکار کنیم. برخی افراد در ازدواج جایی برای تفکر باز نگذاشته اند. اولین چیزی که در تفکر

ص: 160

- 
- 1- محمد، وحیدی، احکام خانواده، قم، سنابل، 1385، ج 1، ص 79
  - 2- حر، عاملی، وسایل الشیعه، آل البيت الاحیاء التراث، ج 1، ص 40

جلوه گر می شود، عامل هوش است. زندگی با یک فرد کم هوش، بسیار مشکل است. حضرت علی - علیه السلام - فرمودند: «با انسان احمق و نفهم ازدواج نکنید زیرا معاشرت با او بلائی عظیم است و فرزندانش نیز ضایع خواهند شد.» (1) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «یا علی هیچ فقری بدتر از نادانی

و جهالت نیست و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست.»

ازدواج با عقل شود هر گاه عجین

می کند غوغا به پا در عشق و دین

عاقلا نه گر کنی تو انتخاب

عاشقانه می شوی یاری معین

علم و دانش نیز برای انسان یک کمال واقعی است و در سعادت انسان، تأثیر بسیاری دارد. با فرد عالم و فهیم بهتر می توان تفاهم کرد و زندگی با او لذت بخش تر است.

اهل و بیتش سالم و دور از گناه

عقل و هوشش مثل دژی با دوام

در تناسب شانی همچون دین حق

از اصول انتخاب است ای همام

(5) اصالت خانوادگی: هر فردی جزئی از خانواده است و مانند یک شاخه از یک درخت است؛ بنابراین باید دید این شاخه به کدام درخت متصل است و آن درخت به چه ریشه ای و آن ریشه از چه چیز تغذیه شده است. (2) منظور از اصالت

ص: 161

---

1- . حر، عاملی، وسایل الشیعه، آل البيت الاحیاء التراث، ج 20، ص 84

2- محمد، وحیدی، احکام خانواده، ج 1، ص 109

خانوادگی، شهرت، ثروت و موقعیت اجتماعی نیست زیرا بعضی از خانواده ها ذاتاً شریف، بزرگوار، آبرومند و متدین هستند گرچه فقیر باشند و بعضی خانواده ها پست، فرومایه، بی آبرو و بی دین هستند گرچه ثروتمند و دارای مقام باشند. بنا بر این همسر انسان باید از خانواده ی اصیل و تربیت شده و نجیب باشد، زیرا او بهتر می تواند کودکان را تربیت کند. اگر زن، خود فاقد تربیت باشد نمی تواند فرزند خوب پرورش دهد. زن و مرد باید در

خانواده هایی رشد یافته باشند که پدر و مادری متدین، عاقل و دلسوز، با همه وجود در رشد و تعالی فرزند کوشیده باشند. بر خلاف خانواده هایی که والدین، فرزندان را به حال خود رها کرده و در پی هوی و هوسهای خود هستند و یا این که در کانون خانوادگی آنان بویی از محبت و احترام به شخصیت دیگران استشمام نمی شود.

لذا ای عزیز بزرگوار، اگر در پی انتخاب همسر می باشی، باید سعی کنی تا حدی که برایت مقدور است با خانواده هایی

شریف و اصیل وصلت نمایی و از ازدواج با خانواده های پست و فرومایه جدا خودداری کنی. چرا که در خانواده های اصیل، والدین کوشیده اند از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود نمونه و الگو باشند و بدون تردید پدر و مادر صالح از نظر ارثی نیز سرمایه های بس گرانبهائی را به فرزندان خود انتقال می دهند. افرادی که در خانواده ای اصیل رشد می یابند، سجایای اخلاقی را از پدر و مادر خود به ارث می برند و در برخورد با دشواریها و فراز و نشیبهای زندگی، هرگز از جاده درستی و راستی خارج نمی شوند. بنابراین در انتخاب همسر باید دقت بسیاری نمایی که

همسرت از خانواده اصیل، نجیب، خوشنام و خوش سابقه باشد، و تنها به قیافه ظاهری و زیبایی و یا مدرک تحصیلی او اکتفا نکنی؛ زیرا فرزندان،

معمولاً وارث پیشینه های سوء خانواده و والدین خویشند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: "برای نطفه های خود گزینش کنید و

با کسانی که همتای شما نیستند، ازدواج نمایید." و نیز در روایتی دیگر می فرمایند: "از دامن های پاک (و خانواده های اصیل) همسر بگیرید؛ زیرا بخشی از صفات خوب و بد آباء و اجداد [از طریق ژن ها و کروموزوم ها به نسل بعد طبق قانون وراثت] منتقل

می شود." (1)

با توجه به رهنمودهای رسول گرامی اسلام، همسر انسان باید در خانواده ای متدین، با اصالت و با فرهنگ رشد کرده باشد تا فطرت پاک و خدادادیش دچار تغییرات محیطی و ردائل اخلاقی نشود.

چون که باشد متقی و اهل راز

می کند فرزند خود را چون غلام

آن غلامی که بود تابع حق

بهر مولایش ز نفس گیرد زمام

(6) کفو همدیگر بودن: یکی از اصول اساسی و رازهای موفقیت

ازدواج، کفو و همتا بودن دختر و پسر با هم است، زیرا تنها در صورت همتا و همشان بودن دو زوج است که درک متقابل آنان از یکدیگر امکان پذیر است.

برخی تصور می کنند کفویت تنها به شرائط ظاهری از قبیل مسائل نژادی و یا وضعیت مادی و رفاهی بستگی دارد. در صورتی که چنین نیست، بلکه همتایی و هم سوئی آرمان ها، خواست ها و تمایلات روحی و روانی افراد، میزان آگاهی های علمی و دینی و میزان تعهد عملی به مکتب و مذهب، ارزش نهادن به ویژگی های اخلاقی

ص: 163

در شرع مقدس اسلام، هم گفته شده دختر و پسر باید کفو یکدیگر باشند. عمده‌ی مسأله در باب کفو، عبارت است از

ایمان؛ یعنی هر دو مؤمن، هر دو دارای تقوی و پرهیزگاری و هر دو معتقد به مبانی الهی و اسلامی و عامل به آن‌ها باشند، این که تأمین شود، بقیه‌ی چیزها اهمیت ندارد، وقتی تقوی و پاکدامنی و طهارت دختر و پسر معلوم شد، سایر چیزها را خدای

متعالم تأمین می‌فرماید. (1) کفو هم دیگر بودن یعنی تناسب، همتایی، هماهنگی و هم

شأنی در زمینه‌های مختلف مالی، مذهبی، اخلاقی، خانوادگی، دانش و سواد، ظاهر و قیافه و سنخیت جسمی و روحی. بدیهی است که علت بسیاری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های زندگی خانواده‌ها عدم تناسب و هم‌کفو بودن زن و شوهر است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «زن عارفه فهمیده فرزانه، باید در کنار مرد

عارفه فهمیده فرزانه قرار گیرد نه غیر آن.»

بدیهی است که همتایی صددرصد امکان ندارد. باید کوشش شود هر چه ممکن است این فاصله طبیعی بین افراد کمتر

باشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی جویر را، که فرد تازه مسلمان و به لحاظ دینی بسیار متدین، ولی از لحاظ شرایط اجتماعی و اقتصادی و ظاهری ضعیف بود، به خواستگاری دختر زیاد بن لبید، که از شریف‌ترین مردان قبیله بین بیاضه بود، فرستادند. زیاد که از این پیشنهاد متعجب شده بود به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسید و عذر خود را در عدم این درخواست این گونه بیان کرد: ما تنها با افراد هم‌شأن خود از انصار ازدواج می‌کنیم. آن‌گاه حضرت به

“زیاد” فرمودند: “ای زیاد! جویر مؤمن است و هر مرد مؤمنی، هم‌تا و کفو زن مؤمنه و هر مرد مسلمانی

ص: 164

همتا و کفو زن مسلمان است پس دخترت را به ازدواج او

در آور و از او روی مگردان. « در این روایت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ملاک تناسب را امور دینی و اعتقادی دانسته اند. آن حضرت

ایمان را که اعتقاد قلبی همراه با اعتراف زبانی و عمل جوارحی است. ملاک هم شأنی دو فرد مؤمن دانسته و اسلام را، که اقرار زبانی است، ملاک هماهنگی مرد و زن مسلمانان دانسته اند. از این رو، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که اگر خداوند

امیرالمؤمنان (علیه السلام) را برای فاطمه (علیها السلام) نیافریده بود، برای فاطمه (علیها السلام) هم شأنی در روی زمین وجود نداشت. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «کسی که برای خواستگاری نزد شما آمد و نسبت به دین و امین بودن وی رضایت داشتید، حتما زمینه این ازدواج را فراهم نمائید، که منع ازدواج کفو با کفو از جانب شما زمینه ساز فتنه در روی زمین و فساد بزرگ است.»

کفو همدیگر شوند از هر نظر

در اموری مثل مذهب تا خیام

علم و دانش، مال و ثروت در نگاه

از شئون کفو و باشد در مشام

نگاه

(7) سلامت جسم و روح از آلودگی اعتیاد و بیماری: منظور از

سلامتی جسمی و روحی، عاری بودن همسر از بیماریها، نقص ها و معلولیت های جسمی و روحی عمیق و غیر قابل درمان و تحمل است. چرا که بعضی از بیماریها در طول عمر همراه انسان است و مانع از انجام وظایف همسری شده و به

زندگی لطمه می زنند. لذا

ص: 165

باید از ازدواج با آنها خودداری کرد. اسلام نیز از ازدواج با بیمارانی که دارای امراض جزام، جنون و . . . باشند نهی فرموده است. و همچنین اسلام از ازدواج با افرادی که گرفتار آلودگیهای روحی و اخلاقی، مانند فسق، شرابخواری و . . . هستند نهی فرموده است.

روح و جسمش سالم است و شاد و رام

در زناشویی کند حق را تمام

با حجاب و عفت است در این جهان

خود نمایی کی کند بهر عوام

8) عفت و نجابت: زندگی زناشویی بر پایه انحصار و اعتماد برپا می شود زن و شوهر قصد دارند تمام وجود یکدیگر را تصاحب نمایند و دیگری در این کانون انحصاری راه نداشته باشد. بنابر این هر دو باید نجیب و عفیف بوده و از هر نوع آلودگیهای اخلاقی پاک باشند. اگر همسر آینده انسان نجیب نباشد، بدون تردید مشکلات متعددی را در زندگی مشترک ایجاد خواهد کرد. زیبایی و جمال، یک نقطه قوت و مثبت است و می تواند یک ملاک به شمار آید، اما در صورتی که با پاکدامنی، نجابت و تقوا در تعارض قرار نگیرد. گاهی عشق و علاقه، "چشم بصیرت" را از دیدن واضح ترین چیزها و آشکارترین عیب ها و کاستی ها غافل می سازد. جمال اگر ارزش است اما کمال، عفت و نجابت ارزشمندتر و معیار برتری است.

در خاتمه بصورت خلاصه باید گفت دین مقدس اسلام که نشأت گرفته از وحی است بیش از تمام ادیان؛ دستوراتی صریح و روشن درباره ازدواج و انتخاب همسر برای پیروان خود داده است که هر کس بر اساس آنها اقدام نماید، مسلماً در تاءمین

ص: 166

سعادت و خوشبختی خود کوشیده و اساس نیکبختی و شادکامی خود را در زندگیش پی ریزی کرده است و هر کسی توجه به دستورات دین مقدس اسلام نکرده باشد خود زیر بنای بدبختی و تیره روزی خود را پایه گذاری کرده است و در پی آمدهای ناگوارزندگی، خود را باید ملامت و سرزنش نماید. چرا که انتخاب همسر یکی از مراحل حسّاس زندگی است که تا پایان عمر در سرنوشت هر فردی تأثیر می گذارد و سعادت انسان

بعد از عنصر دینداری، تا حدود زیادی مرهون گزینش همسری شایسته است. ارزش همسر شایسته از تمامی ارزشهای مادی برتر بوده و با هیچ معیار مادی قابل سنجش نیست، آری همسر شایسته می تواند خوشبختی و سعادت انسان را دنیا و آخرت تضمین کند.

البته ای عزیز «دینداری» و «اخلاق پسندیده» دو معیار مهم در این گزینش است که در روایات اسلامی در ردیف یکدیگر ذکر شده اند. از این رو، برای تأمین سعادت خانواده ضروری است که جوانان در گزینش همسر به این دو معیار عنایت ویژه داشته باشند و زیبایی، ثروت و حسب و نسب ظاهری، مسأله تدبیر و اخلاق را تحت الشعاع قرار ندهد.

از آنجا که خصوصیات همسر شایسته از اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر می رسد که بهتر است بصورت خاص ویژگیهای هر یک مطرح شود. هر چند برخی از آنها مشترک می باشد.

### **حال بصورت خاص زن شایسته و مناسب چه خصوصیات باید داشته باشد؟**

هر زن شایسته ای در این زمان

قسمت مردی شود بی هر گمان

ص: 167



1) دیانت و تقوی و حسن خلق: همانطور که دیانت و تقوی و حُسن خلق از معیارهای شوهر شایسته می باشد، برای زن نیز از جمله حسنات و ضوابط شایستگی است. اگر شوهر در زندگی یادآور خدا شد او را همراهی و اگر خدا را فراموش کرد، یادآور او شود و به او تذکر دهد. در حفظ دین و تقوا و انجام وظایف الهی و اجتماعی، شوهرش را یاری کند. خوش زبان و مهربان باشد و مانند مادری مهربان از او پرستاری و محافظت کند. خانه را محل استراحت شوهر قرار دهد و هنگام بروز مشکلات و ناراحتیها دلداریش دهد.

2) حفاظت از اموال: از ویژگیهای مهم همسر مطلوب آن است که از اموال همسر خود به نحو شایسته ای مراقبت کند. امام رضا (علیه السلام) در این خصوص فرموده اند: "برای بنده فایده ای بهتر از این نیست که دارای همسری باشد که هرگاه او را می بیند، مسرورش سازد و در غیاب او از خود و مال همسرش حفاظت کند."

3) کم خرج و کم مهریه: از جمله صفات پسندیده همسر صالحه و شایسته انسان، کم خرج بودن و رعایت اقتصاد در هر شرایطی

از زندگی است. این تعادل در اقتصاد می تواند در جاهای مختلفی خود را نشان دهد. کسی که به مشقت افتادن همسر خود را نمی خواهد، همسری با خیر و برکت است. امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرمایند: « از برکت زن، کم خرج بودن او است. » البته

این موضوع به صورت عملی نیز به اثبات رسیده است که به هر اندازه

چشم و هم چشمیها و ولخرجیها کم تر باشد، صمیمیت و خوشبختی یک خانواده هم بیشتر شده است. پس کم خرجی

همسر، از ملاکها و معیارهای خوب بودن وی به شمار می رود و نقش بسزایی در میزان رضایتمندی شریک زندگی او ایفا می کند. این بحث آنچنان مورد اهمیت است که امام صادق(علیه السلام) می فرماید: « بهترین زنان شما زنی است که اگر چیزی به او داده نشود راضی باشد. »(1) این موضوع، می تواند

مصادقاتهای مختلفی را در بر گیرد که از آن جمله، در میزان مهریه قابل بررسی است. اگر مهریه همسر، مناسب با شأن و منزلت واقعی وی باشد می تواند نقش فزاینده ای در میزان مناسبات زوجین ایفا کند. همچنان که نبی مکرم اسلام(صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «

بهترین زنان امت من، خوبترین و کم مهریه ترین آنها است» یا در نقطه مقابل آن امام صادق(علیه السلام) می فرماید: « شومی و ناخجستگی زن، زیاد بودن مهریه اش است.»

البته ای عزیز بزرگوار، اولین حقی که قرآن برای زن ذکر کرده است مهریه است. خداوند می فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» [مهریه زنان را به طور کامل به عنوان یک بدهی و عطیه، به آنان پردازید؛ اگر آن ها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.] تعابیر لطیفی که در این آیه شریفه به کار رفته است: اولاً، از مهریه تعبیر به صدقه شده است و

عکس این مطلب هم در روایات آمده است که مهریه

ص: 169

را صدق گفته اند و در اینجا صدقه به معنای آنچه به فقرا داده می شود نیست بعضی از مفسرین به مهریه صدق گفته اند، چون صدق و صدقه مشتق از ماده صدق است، صدق نشانه راستگویی مرد در اظهار علاقه به همسر است.

با این تعبیر شاید بتوان آیه را اینگونه تفسیر کرد که مهریه و صدق یا به تعبیر قرآن "نحله" برای این است که مرد به وسیله آن خود را به روح لطیف و ظریف زن که با حیا و عفاف ذاتی او در آمیخته است و او را از ابراز نیازهای جسمی و جنسی باز می دارد نزدیک کرده و پیوند استوار و محکمی با او منعقد سازد.

آری در مکتب اسلام مهریه نوعی حرمت نهادن کم نظیر یا بی نظیر است که در هیچ یک از ادیان و فرهنگ ها با این شیوه سابقه ندارد؛ ارج نهادن که برخاسته از صفا و صمیمت و علاقه درونی است پس مرد باید برای چیزی که مورد علاقه اوست هزینه کند و مایه بگذارد تا بتواند به او دست یابد. البته شیرینی و حلاوت مهریه در مقدار نیست بلکه نشانه راستگویی و اظهار علاقه و محبت مرد است و هرگز نمی توان علاقه را با میزان مهریه و اعداد و ارقام سنجید.

4) هماهنگی با شوهر: برای حفظ هر نظامی، هماهنگی ضروری است. بنابراین چنانچه زن با شوهر هماهنگی نداشته باشد و از او تبعیت ننماید نظام خانواده به هم خواهد خورد. بدیهی است هماهنگی زن با شوهر در امور است که خارج از منطق و وظیفه نباشد و متقابلاً شوهر نیز باید در این هماهنگی، مقابله به مثل نماید.

5) تمکین: یکی از وظیفه مهم زن تمکین در برابر شوهر خود می باشد. چرا که از جمله انگیزه های مهم در ازدواج رفع نیاز جنسی است. لذا ضرورت دارد طرفین در ارضای این نیاز اقدام کنند. آمادگی روحی و جسمی در موضوع مباشرت و آمیزش جنسی بسیار حساس و مورد سفارش پیشوایان دینی می باشد از این جهت بر هر زن و مردی لازم است حقوق همدیگر و نیازهای جنسی خود را کاملاً مراعات نموده و یکدیگر را کاملاً اشباع نمایند. در خصوص اهمیت مسائل جنسی در زندگی مشترک مطالبی در جلد سوم این مجموعه، تحت عنوان "تنها راه خوشبختی در زندگی زناشویی" توسط مولف آورده شده که خواندن آن کتاب برای همه همسرانی که ازدواج نموده و طالب آرامش هستند خالی از لطف نخواهد بود.

6) زینت و آرایش برای شوهر: زن باید برای جلب توجه شوهر به نظافت و آرایش خود برسد و لباس آراسته بپوشد. انجام این امر به قدری مهم است که در بعضی از موارد به از هم پاشیدگی اساس خانواده می انجامد. در اینجا لازم به یادآوری است که هیچ شوهری از زنی که برای دیگران خودآرایی و خودنمایی کند، خوشش نمی آید. بنابر این زن باید در منزل و برای شوهرش آرایش کند و بهترین لباسهایش را بپوشد و برایش دلبری کند. پیامبر عزیز خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: "بهترین زنان شما آن زنی است که برای شوهرش آرایش و زینت می کند، اما از بیگانگان خود رامی پوشاند." (1)

7) داشتن پوشش مناسب: زنان باید بدن خود را از نامحرم

بپوشانند. یکی از عللی که در غرب بنیان خانواده را سست و از هم گسیخته کرده است، خودنمایی زنان با بدن های بدون پوشش است. مردان ایرانی حتی افراد بی بند و بار و به اصطلاح متجدد، زنی را که با اندام بدون پوشش و لباس های کوتاه و تنگ در برابر نامحرم

ص: 171

ظاهر می شود را برای همسری نمی پسندند. . هنگام خروج از منزل سنگین و با وقار و بدون آرایش خارج شود و با مردان بیگانه گرم نگیرد و شوخی نکند.

8) داشتن جمال و کمال: زن باید از نظر فیزیکی سالم و از نظر زیبایی مورد پسند همسرش قرار گیرد. همسر زیبا و سالم با داشتن تدین و خصوصیات خلقی مناسب و سایر شایستگی ها، نعمتی است که مافوق آن متصور نیست.

9) اصالت خانوادگی: چون وراثت و تربیت اساس رفتار انسان را

تشکیل می دهد، بنابراین منظور از اصالت خانوادگی آن است که دختر در خانواده ای مؤمن و با فرهنگ تربیت شده و از نظر وراثت نیز مشکل خاصی نداشته باشد؛ در این صورت متخلق به اخلاق حسنه خواهد بود.

10) عاقل و خردمند: زنی که یک عمر با مردی مصاحبت دارد؛ باید باهوش و خردمند باشد. عقل و خرد از ویژگی های زن شایسته است: حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمود: از ازدواج با زنی که کم خرد است خودداری کنید. زیرا مصاحبت او گرفتاری سختی است و فرزندان او ضایع و مهممل خواهند بود. در توضیح این مطلب باید گفت چون وراثت در میزان هوش مؤثر است بنابراین احتمال کم هوشی در کودکان با والدین کودن و کم هوش زیادتر است. وانگهی زن کم هوش قادر به رفع نیازهای خانوادگی و به ویژه مسائل تربیتی فرزندان نخواهد بود.

11) تکبر در برابر نامحرم: بر خلاف مرد که باید متواضع و فروتن باشد؛ زن باید در برابر نامحرم آنچنان متکبرانه رفتار کند که

چشم و فکر هیچ نامحرمی اجازه به خود ندهد که به دنبال او حرکت نماید. تواضع و خوش اخلاقی زن فقط باید برای محارم خود باشد.

12) ترس بخاطر حفظ عفت: بر خلاف مرد که باید نترس و شجاع باشد؛ زن باید با احتیاط عمل کرده و نگوید که چون من نترس و شجاع هستم مثلاً در شب تاریک به جای خطرناک می روم و از هیچ کس نمی ترسم. چرا که زن بخاطر حفظ عفت خود باید از حضور در جاهای خطر ساز و مشکل آفرین پرهیز نماید.

در مجموع از ازدواج با زنی که دارای موارد زیر می باشد، باید خودداری کرد: بی بند و بار؛ بی حجاب؛ بد اخلاق و عبوس؛ بی عفت؛ سفیه و ناهنجار؛ خودپسند و از خود راضی؛ کینه توز؛ لجباز و ناسازگار؛ آری در غرر الحکم و منتخب میزان الحکمه آمده

است که امام علی علیه السلام می فرماید: "زن سازگار، یکی از دو آسایش است." (1) گفتنی است حضرت علی (علیه السلام) ضمن آموزش دعایی جهت ازدواج معیارهایی را برای انتخاب همسر بیان فرموده اند که عبارتند از:

الف- صالحه و شایسته: خانمی که کارهای شایسته و مورد پسند خدا را انجام دهد؛ ب- ودود: با محبت باشد؛ ج- ولود: نازا و عقیم نباشد؛ د- شکور؛ در مقابل نعمت های الهی شکرگذار باشد؛ ه- قنوع: اهل قناعت باشد تا در زندگی تو را به زحمت

نیندازد؛ و- غیور: نسبت به دین خدا و عفت غیر تمند باشد؛ ز- در برابر احسانی که به او می شود، قدردانی کند؛ ح- چنانچه از سوی تو کار ناروایی سرزد، عفو و اغماض کند؛ ط- اگر در زندگی یادآور خدا شدی، تو را همراهی کند و اگر خدا را فراموش

کردی، یادآور تو شود و به تو تذکر دهد؛ ی- آن گاه که از منزل خارج شدی، خودش را حفظ کند؛ ک- و هرگاه به منزل وارد شوی، با ورودت خوشحال و مسرور گردد؛ ل- چنانچه به او دستور و فرمان دادی، اطاعت کند و اگر برای او قسم خوردی،

ص: 173

باورت کند و تکلیف خود را انجام دهد؛ م- اگر ناراحت شدی و او را مورد غضب قرار دادی، اسباب خشنودیت را فراهم آورد.

در مجموع زنی که دارای موارد زیر می باشد، شایسته ازدواج است: کم خرج باشد و مهرش سنگین نباشد. ولود باشد. از زحمات شوهر و چیزهایی که به منزل می آورد تشکر و قدردانی نماید.

هیچگاه از شوهر چیزی را مطالبه نکند که قدرت تهیه آن را ندارد. هنگام خروج شوهر از منزل، خودش و اموال شوهرش را حفظ کند و هنگام ورود او، با خوشحالی به استقبال او برود. در حضور شوهر از مردهای دیگر تعریف و تمجید نکند. اگر مرتکب اشتباهی شد فوراً از شوهر عذر خواهی کند. اسباب خوشنودی شوهر را فراهم کند و موجب خشم و عصبانیت شوهر نشود و اگر عصبانی شد رضایت او را جلب کند. اگر شوهر فرمان داد، اطاعت کند و اگر قسم خورد، باور کند و تکلیف خود را انجام دهد. اهل قناعت باشد تا در زندگی شوهر خود را به زحمت نیندازد. چنانچه از شوهر کار ناروایی سرزد، عفو و اغماض نماید. خانه را لطیف، پاکیزه و زیبا و مرتب نگه دارد و در زندگی اقتصاد و میانه روی را رعایت کند و از اسراف و تبذیر و ولخرجی اجتناب کند. و در غذا پختن خوش سلیقه و کاردان باشد. به سلیقه شوهرش توجه کند. در تغذیه، بهداشت و سلامت جسم و روح بچه ها کوشا باشد و در معالجه، درمان و پرستاری از آنها جدیت نماید. امانتدار، راز نگه دار و راستگو باشد.

ص: 174



### حال بصورت خاص مرد شایسته و مناسب چه خصوصاتی باید داشته باشد؟

مرد شایسته بود مثل طلا

چون بود اهل وفا و با خدا

می کند بر همسرش جان را نثار

در اصول و هم فروع با صد صفا

1) دیانت و تقوی: شوهری که متدین و با تقوی باشد، حقوق همسرش را حفظ می کند و هیچ گاه در پی هوس های

نامشروع نیست، به او احترام می گذارد و از هرگونه ستم احتراز می کند. امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: "شایستگی داماد در تقوا و دیانت و امانت او نهفته است؛ هر کس واجد این شرایط باشد درخواست وی را بپذیرید."

2) حسن خلق: یکی از ویژگی های شوهر شایسته آن است که از نظر اخلاقی مهربان، خوشرو و نسبت به همسرش دوستی مخلص باشد. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: هرگاه فردی به خواستگاری دخترتان آمد که از نظر دین و اخلاق شما را راضی می کرد دخترتان را به ازدواج او در آورید.



مادی و معنوی خانواده اش کوشش و فعالیت نماید. بدترین شوهر کسی است که در خانه بنشیند و همسرش را برای تهیه مایحتاج خانه به کار وا دارد. در بحارالانوار آمده است که امام رضا علیه السلام می فرمایند: "کسی که از راه حلال برای تأمین رفاه

خانواده اش تلاش می کند، همچون مجاهدی است که در راه خدا جهاد می کند." (1)

4) عَفْت زبان: بیان، یکی از عوامل تشکیل دهنده شخصیت است. کسی که در گفتار با کلمات توهین آمیز و فحش و ناسزا دیگران را بیازارد، عفت زبان ندارد. چنین فردی قبل از هر کس همسرش را مورد حمله قرار می دهد و در برابر هر چیزی که مطابق میلش نباشد به ناسزاگویی می پردازد. بنابراین، داشتن عفت زبان یکی از خصوصیات یک شوهر شایسته است.

5) سخاوت و مهمان نوازی: فردی که خِسْت و بخل را بر خود و دیگران روا دارد، شوهر خوبی نخواهد بود. بخشش و فراهم کردن رفاه و توسعه دادن به زندگی خانواده از طریق مال حلال و دست و دل باز بودن، از خصوصیات یک شوهر خوب است. تهیه هدیه

و کادو برای همسر از اعمالی است که یک شوهر شایسته به مناسبت های مختلف انجام می دهد و نیز مردی که نان

خانه اش را کسی ندیده و در منزلش را به روی دوستان و اقوام ببندد، همسر خوبی نخواهد بود. این مرد باید بداند همسرش که در خانه پدر و مادر بزرگ شده و با خویشاوندانش معاشرت و رفت و آمد داشته، نمی تواند با آنان قطع رابطه کند.

بنابراین مهمان نوازی و معاشرت با خویشاوندان از صفات یک شوهر خوب است.

ص: 176

7) آراستگی: همانطور که شوهر متوقع است همسرش آراسته باشد، خودش نیز باید به وضع ظاهرش برسد و از نظر لباس و نظافت دقت کافی بنماید. خیلی از مردان به وضع ظاهر خود توجه ندارند و همیشه مورد انتقاد و اعتراض همسر خود قرار می‌گیرند. آری ای عزیز، در مکارم الاخلاق آمده است که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: "همان گونه که مردان دوست دارند زینت و آرایش را در زنان نشان ببینند، زنان نیز دوست دارند زینت

و آرایش را در مردانشان ببینند." (1)

8) امین و شجاع باشد: مرد باید شجاع و نترس باشد و از هرگونه پنهان کاری یا عدم صداقت با همسرش بری باشد؛ زن، امین او و او، امین زن باشد. در این صورت است که زندگی آنها، سعادت و خوشبختی را به دنبال خواهد داشت.

9) اصالت و نجابت خانوادگی: از ویژگی‌هایی که در شوهر اهمیت خاص دارد، یکی وراثت و دیگری محیط است که اصالت خانوادگی هر دورا در بر دارد. بنابراین دختران باید در نظر

داشته باشند فردی را به شوهری برگزینند که از یک خانواده نجیب و خوشنام بوده و در یک محیط خانوادگی سالم بزرگ شده باشد.

10) هوش و عقل: یکی از ویژگی‌های شوهر شایسته، داشتن هوش و ذکاوت کافی و تخصص است. چنین شوهری آموزش

لازم برای اشتغال به کسب حلال را دیده؛ و به هر اندازه علم و کمالش بیشتر، هوش و درایتش زیادتر باشد، شایسته تر خواهد

بود.

بطور خلاصه می‌توان گفت که زن باید از ازدواج با مردی که دارای

ص: 177

موارد زیر است، خودداری کند: بی دین؛ شرابخوار؛ بد اخلاق؛ بد چشم و بی بند و بار؛ بدبین؛ خسیس؛ بدون احساس مسئولیت؛ تنبل؛ کم عقل. و مردی که دارای موارد زیر است، شایسته همسری و ازدواج می باشد: دیندار، خوش اخلاق، عاقل، با تدبیر، زرنگ و فعال است. برای تأمین رفاه و آرامش خانواده اش کوشش می کند و دارای صفات عالی بخشش و سخاوت است. نظیف، پاکیزه و خوش لباس است. در زندگی

میانه رو است. همسرش را بسیار دوست دارد و به او اظهار دوستی و محبت می کند و لغزشهای همسرش را می بخشد. به زنان بیگانه نگاه نکرده و از آنها تعریف و تمجید نمی کند. عصبانی نمی شود و اگر شد خشم خود را فرو می برد و به همسرش آزار نمی رساند و ناسزا نمی گوید. به همسرش احترام می گذارد و در کارهای منزل به وی کمک می کند و از زحمات او قدردانی می نماید. در خاتمه ای عزیز خوب، در مکارم الاخلاق آمده است که پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: "بهترین مردان امت من، آن کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم و نوازش کنند و به آنان آزار نرسانند." (1)

دان که روزه دون هر نوعی شعار

می برد بالا تو را تا نزد یار

در فضای روزه و ذکر و دعا

راه حق گردد هویدا ای نگار

ص: 178

## با چه زنان و مردانی نمی توان ازدواج کرد؟

ازدواج با هر کسی بی قیل و قال

طبق دین و شرع بود بی شک محال

گر موانع بر طرف گردد ز آن

می شود آسان و گردد آن حلال

یکی از قاعده های ازدواج موضوع ممنوعیت نکاح با بعضی افراد است. لذا باید با کسی ازدواج کرد که از نظر شرعی و قانونی برای آن مانعی وجود نداشته باشد. در اینجا نظر جناب عالی را به بررسی موضوع ممنوع بودن ازدواج با گروهی از زنان

و مردان که در قانون مدنی ایران آن را جزء "موانع نکاح" شمرده اند

معطوف می نماید:

الف - موانع ناشی از خویشاوندی نسبی (خونی):

1- ازدواج با پدر و اجداد پدری و با مادر و جدده های مادری.

2- ازدواج با فرزندان و نوه ها و نتیجه ها، هرچه قدر که پایین تر برود.

3- ازدواج با برادر و خواهر و اولاد و نوه ها و نتیجه های آنان.

4- ازدواج با عمه، خاله، عمه و دایی هایی خود و عمه و خاله و عموها و دایی های پدر و مادر و اجداد.

ب - موانع ناشی از خویشاوندی سببی:

1- مرد نمی تواند با مادر و نیز جدده های زن خود و نیز مادر و جدده های رضاعی زن خود ازدواج کند و این حرمت، ابدی است. یعنی اگر مردی فقط برای چند دقیقه با زنی حتی ازدواج موقت نماید و حتی آنها همدیگر را هم نبینند این محرمیت حاصل شده و آن مرد با مادر و جدده های نسبی یا رضاعی همسر فعلی یا سابق خود برای همیشه

محرم است.

2- زن نیز نمی تواند با پدر و اجداد نسبی یا رضاعی شوهر خود ازدواج کند و تفصیل آن نیز مانند مورد بالا درباره زن نیز صادق خواهد بود.

3- زن پدر یا اجداد نسبی یا رضاعی انسان برای همیشه بر وی حرامند. لذا اگر زنی ولو چند دقیقه نیز به عقد مردی درآید و بعد هم جدا شود برای همیشه به پسر و نوه و نتیجه های آن مرد حرام خواهد بود.

4- عروس نیز برای همیشه به پدر شوهر و اجداد شوهرش حرام است.

تذکر: محرمیت حاصله از ازدواج های یاد شده هم خاص ازدواج دائم است و هم شامل ازدواج موقت می شود. وجود رابطه زناشویی لازم نیست و صرف جاری شدن صیغه نکاح، کافی برای این محرمیت خواهد بود.

5- اگر مردی با زنی ازدواج کند و آن زن، دختر یا دخترانی از شوهر قبلی اش داشته باشد، تا زمانی که این زن در عقد مرد است این دختران نیز با پدر خوانده شان محرم هستند و اگر بین زن و شوهر مزبور، رابطه زناشویی واقع نشده باشد پس

از جدا شدن، مجدداً این دختر بر پدر خوانده سابقش نامحرم خواهد بود و می تواند با وی ازدواج کند اما اگر بین زن و شوهر مزبور رابطه زناشویی رخ داده باشد دختر زن به پدر خوانده یا همان شوهر مادرش برای همیشه محرم است و جدایی مادر نیز نقشی در این میان نخواهد داشت.

6- کسی نمی تواند همزمان با دو یا چند خواهر ازدواج کند. لذا اگر مردی با زنی ازدواج نماید، تا زمانی که از وی جدا نشده نمی تواند با خواهرش ازدواج کند که البته در این مورد خواهر زن، محرم شرعی که ملزم به رعایت حجاب نیست نخواهد بود بلکه

ص: 180

از این جهت نامحرم است.

تذکر: اگر مردی زنش را طلاق رجعی (طلاق که مرد می تواند باز زن را به ازدواج خود در آورد) دهد، چون در این نوع طلاق در عده قانونی (مدتی که زن پس از طلاق یا فوت شوهر نباید ازدواج کند)، زن همانند زوجه مرد فرض می شود، تا پایان عده، حق ازدواج با خواهر زن وجود ندارد ولی در سایر طلاق ها یا عده ی عقد موقت، می توان در ایام عده با خواهر زن ازدواج نمود.

7- ازدواج با برادرزاده یا خواهرزاده زوجه، بدون اذن وی ممنوع است. لذا اگر مردی بدون کسب اجازه همسرش با برادرزاده یا خواهرزاده او ازدواج کند این عقد جایز و صحیح نخواهد بود ولی اگر بعداً بتواند رضایت همسرش را کسب کند ازدواج قبلی نافذ می گردد و نیاز به عقد مجدد نمی باشد. اما اگر همسرش از

موضوع عقد با خبر شود و آن را تنفیذ (تأیید) نکند عقد باطل می شود.

تذکر: اگر مردی با زنی ازدواج کند می تواند بعداً با خاله یا عمه وی ازدواج نماید و نیازی به اعلام موضوع به زن خود ندارد.

8- اگر مردی سه بار متوالی همسر خود را طلاق دهد، پس از وقوع طلاق سوم (سه طلاقه) این زوجه مطلقه، بر مرد حرام می شود خواه با وی رابطه ی زناشویی داشته یا نداشته باشد.

اگر مرد بخواهد دوباره با وی ازدواج کند باید این زن با مرد دیگری ازدواج دائم نموده و با وی رابطه زناشویی نیز داشته باشد و سپس از وی جدا شود و زن پس از تمام شدن ایام عده می تواند به عقد شوهر اول درآید. اصطلاحاً به شوهر دوم مُحَلَّل (حلال گرداننده) گفته می شود زیرا باعث از بین رفتن حرمت

ازدواج بین شوهر اول و

همسرش می‌گردد.

تذکر: موضوع یاد شده خاص طلاق و ازدواج دائم است. لذا اگر مردی پس از عقد موقت از همسرش جدا شود یا بر اثر فسخ بین زوجین، جدایی واقع گردد مشمول قاعده مزبور نخواهد بود.

1- اگر مردی همسرش را نثه بار طلاق دهد به صورتی که شش بار آن طلاق رجعی باشد این زن برای همیشه براین مرد حرام می‌شود که اصطلاحاً به وی (نه طلاقه) گفته می‌شود و محلل نیز در این مورد کارساز نخواهد بود.

ج- موانع رضاعی (شیری) یکی از اقسام خویشاوندی، قرابت ناشی از شیرخوارگی (رضاع) است.

بدین ترتیب که اگر زنی با شرایط ذیل به کودکی شیر دهد بین آن کودک و زن نسبت مادر و فرزند رضاعی پیش می‌آید و فرزندان آن زن نیز با شیرخواره، خواهر و برادر رضاعی می‌شوند و شوهر آن زن هم، پدر رضاعی می‌شود و شوهر آن زن هم،

پدر رضاعی وی محسوب می‌شود و خلاصه برادر و خواهر آن زن هم دایی و خاله او به شمار می‌روند و همین طور الی آخر.

شرایطی که سبب قرابت ناشی از شیرخوارگی می‌شود:

1- شیر زن ناشی از حمل مشروع باشد.

2- شیر، مستقیماً مکیده شود. لذا اگر شیر در فاشق یا سرشیشه ریخته شود و به کودک داده شود فایده ای ندارد.

3- کودک لااقل 15 دفعه متوالی و یا در یک شبانه روز از شیر بخورد. ضمناً نباید در بین دفعات شیر خوردن، از غذا یا شیر زن دیگری مصرف کند.

ص: 182

4- شیر خوردن کودک، قبل از تمام شدن دو سالگی او باشد.

5- مقدار شیری که خورده از یک زن و شوهر حاصل شده باشد.

بدین ترتیب خویشاوندی رضاعی از حیث محرمیت و ماهیت نکاح همانند قرابت نسبی است.

لذا همان گونه که خواهر و برادر یا مادر و مادر بزرگ نسبی محرم است، رضاعی آن نیز محرم می باشد ولی رابطه توارث بین آنان ایجاد نمی شود.

تذکر: اگر مادر بزرگی به نوه دختری خودش با شرایط مزبور شیر دهد، مادر آن کودک بر شوهرش حرام می گردد زیرا این مادر بزرگ با این کارش، دخترش را به خواهر رضاعی نوه اش تبدیل نموده و چون ازدواج با خواهر فرزند جایز نیست این زن

بر شوهرش حرام می شود.

د- موانع متفرقه:

1- گر مردی با علم به این که زنی شوهر دارد یا در عِدّه طلاق یا وفات به سر می برد وی را به عقد خود در آورد، هم عقد باطل است و هم آن زن برای ابد به او حرام می شود. اما اگر مرد به موارد مزبور جاهل باشد یعنی نداند زن، شوهر دارد یا عِدّه اش تمام نشده و زن را به عقد خود در آورد عقد باطل است؛ اما می تواند پس از اتمام عِدّه، زن را به عقد خود در آورد ولی اگر بین آنها رابطه زناشویی نیز برقرار شده باشد، زن بر وی حرام همیشگی خواهد شد.

2- اگر مردی همسر دائمی اش را که مسلمان و عقیقه است لِعان کند یعنی به وی نسبت زنا دهد یا فرزندش را از خود نفی کند و این کار را با شرایطی نزد قاضی انجام دهد بین این زوجین برای همیشه جدایی واقع می شود و بر هم حرام ابدی می

شوند.

3- اگر مرد یا زنی در حال احرام (حج) با فردی ازدواج کند و به حرمت این کار هم

ص: 183



آگاه باشد بین آن دو حرمت ابدی حاصل می شود.

4- اگر مردی با زن شوهر دار یا زنی که در عده طلاق رجعی است زنا کند آن زن برای همیشه به وی حرام می شود. تذکر: بعضی از فقها این کار را موجب حرمت ابدی نمی دانند.

5- اگر مرد بالغ با پسری لواط کند مادرو خواهر و دختر آن پسر بروی حرام ابدی می شوند؛ ولی مفعول می تواند با مادر و خواهر و دختر آن مرد ازدواج نماید.

6- ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان باطل و حرام است و با علم به حرمت، زنا محسوب می شود ولی مرد مسلمان می تواند با زنان کافر اهل کتاب (مسیحی، یهودی و زرتشتی) ازدواج موقت نماید و بعضی از فقها، ازدواج دائم را هم جایز می

دانند ولی ازدواج با زنان غیر اهل کتاب، جایز نیست.

تذکر: بعضی از فقها گفته اند چنانچه مرد مسلمانی دارای زن مسلمان باشد بدون اذن همسر مزبور حق ندارد زن اهل کتاب را به ازدواج خود در آورد.

7- ازدواج بین پیروان مذاهب اسلامی مثل شیعه و سنی اشکالی ندارد ولی جهت رعایت کفویت، بهتر است هر دو از یک فرقه باشند.

ه- رعایت مصالح کشور:

1- ازدواج مرد ایرانی با زن غیر ایرانی بلا مانع است ولی اگر زن ایرانی بخواهد با مسلمان غیر ایرانی ازدواج کند شرعاً اشکالی ندارد ولی برای ثبت آن و رسمیت داشتن باید از دولت کسب

مجوز کند و گرنه از نظر دولت این ازدواج رسمیت نخواهد داشت.

2- ازدواج ایرانیان عضو وزارت امور خارجه یا نیروهای مسلح با غیر ایرانی ها ممنوع

ص: 184

است و باید قبلاً مجوز آن از دولت اخذ شود و گرنه هم موجب تعقیب اداری و هم عدم به رسمیت شناختن آن خواهد شد؛ اگر چه شرعاً صحیح است.

تذکر: مطالبی که گفته شد بیشتر در مورد ایرانیان شیعه حاکم است و چون موضوع ازدواج از احوال شخصی محسوب می شود در مورد اهل سنت و نیز اهل کتاب، احکام شرعی مذهب خودشان رعایت خواهد شد، مگر این که آنان شخصاً رضایت خود را بر اعمال قوانین مدنی ایران بر روابط شخصی شان اعلام نمایند.

تصویر



### لطفاً درباره‌ی ازدواج از زبان شخصیت‌ها و ملل مختلف نکاتی مطرح گردد؟

ازدواج دارد پیامی ماندگار

بهر افراد بشر در روزگار

هر که با هر اعتقادی در جهان

ازدواج باشد برایش افتخار

از میان ضرب المثل‌های ملل مختلف غیرمسلمان و همین‌طور سخنان شخصیت‌های بزرگ جهان پیرامون ازدواج مواردی از سایتهای موجود انتخاب گردیده که نظر جنابعالی را به آنها معطوف می‌نماید. بدیهی است ازدواج در بین همه افراد بشر با هر اعتقادی معتبر بوده لذا توجه به موارد زیر اگر چه بعضاً در غالب شوخی و طنز بیان شده است ولی در خصوص اهمیت ازدواج، خالی از لطف و بدون فایده نخواهد بود:

1- هنگام ازدواج بیشتر با گوش هایت مشورت کن تا با چشم هایت. (ضرب المثل)

ص: 185

2- مردی که به خاطر " پول " زن می گیرد، به نوکری می رود. (ضرب المثل فرانسوی)

3- لیاقت داماد، به قدرت بازوی اوست. (ضرب المثل چینی)

4- زنی سعادتمند است که مطیع " شوهر " باشد. (ضرب المثل یونانی)

5- زن عاقل با داماد " بی پول " خوب می سازد. (ضرب المثل انگلیسی)

6- زن مطیع فرمانروای قلب شوهر است. (ضرب المثل انگلیسی)

7- زن و شوهر اگر یکدیگر را بخواهند در کلبه ی خرابه هم زندگی می کنند. (ضرب المثل آلمانی)

8- داماد زشت و با شخصیت به از داماد خوش صورت و بی لیاقت. (ضرب المثل لهستانی)

9- دختر عاقل، جوان فقیر را به پیرمرد ثروتمند ترجیح می دهد. (ضرب المثل

ایتالیایی)

10- داماد که نشدی از یک شب شادمانی و عمری بد اخلاقی محروم گشته ای. (ضرب المثل فرانسوی)

11- دو نوع زن وجود دارد؛ با یکی ثروتمند می شوی و با دیگری فقیر. (ضرب المثل ایتالیایی)

12- در موقع خرید پارچه حاشیه آن را خوب نگاه کن و در موقع ازدواج درباره مادر عروس تحقیق کن. (ضرب المثل آذربایجانی)

13- برای یافتن زن می ارزد که یک کفش بیشتر پاره کنی. (ضرب المثل چینی)

- 14- تاک را از خاک خوب و دختر را از مادر خوب و اصیل انتخاب کن. (ضرب المثل چینی)
- 15- اگر خواستی اختیار شوهرت را در دست بگیری اختیار شکمش را در دست بگیر. (ضرب المثل اسپانیایی)
- 16- اگر زنی خواست که تو به خاطر پول همسرش شوی با او ازدواج کن اما پولت را از او دور نگه دار. (ضرب المثل ترکی)
- 17- ازدواج مقدس ترین قراردادها محسوب می شود. (ماری آمپر)
- 18- ازدواج مثل یک هندوانه است که گاهی خوب می شود و گاهی هم بسیار بد. (ضرب المثل اسپانیایی)
- 19- ازدواج، زودش اشتباهی بزرگ و دیرش اشتباه بزرگتری است. (ضرب المثل فرانسوی)
- 20- ازدواج کردن و ازدواج نکردن هر دو موجب پشیمانی است. (سقراط)
- 21- ازدواج مثل اجرای یک نقشه جنگی است که اگر در آن فقط یک اشتباه صورت بگیرد جیرانش غیر ممکن خواهد بود. (بورنز)
- 22- ازدواجی که به خاطر پول صورت گیرد، برای پول هم از بین می رود. (رولاند)
- 23- ازدواج همیشه به عشق پایان داده است. (ناپلئون)
- 24- ازدواج مجموعه ای از مزه هاست هم تلخی و شوری دارد. هم تندی و ترشی و شیرینی و بی مزگی. (ولتر)
- 25- انتخاب پدر و مادر دست خود انسان نیست، ولی می توانیم مادر شوهر و مادر زنمان را خودمان انتخاب کنیم. (خانم پرل باک)

- 26- با زنی ازدواج کنید که اگر "مرد" بود، بهترین دوست شما می شد. (بردون)
- 27- با همسر خود مثل یک کتاب رفتار کنید و فصل های خسته کننده او را اصلاً نخوانید. (سونی اسمارت)
- 28- برای یک زندگی سعادت‌مندانه، مرد باید "کر" باشد و زن "لال". (سروانتس)
- 29- ازدواج بیشتر از رفتن به جنگ "شجاعت" می خواهد. (کریستین)
- 30- تا یک سال بعد از ازدواج، مرد و زن زشتی های یکدیگر را نمی بینند. (اسمایلز)
- 31- پیش از ازدواج چشم هایتان را باز کنید و بعد از ازدواج آنها را روی هم بگذارید. (فرانکلین)
- 32- خانه بدون زن، گورستان است. (بالزاک)
- 33- تنها علاج عشق، ازدواج است. (آرت بوخوالد)
- 34- تا ازدواج نکرده ای نمی توانی درباره آن اظهار نظر کنی. (شارل بودلر)
- 35- ازدواج عبارتست از سه هفته آشنایی، سه ماه عاشقی، سه سال جنگ و سی سال تحمل! (تن)
- 36- شوهر "مغز" خانه است و زن "قلب" آن. (سیریوس)
- 37- عشق، سپیده دم ازدواج است و ازدواج شامگاه عشق. (بالزاک)
- 38- قبل از ازدواج درباره تربیت اطفال شش نظریه داشتم، اما حالا شش فرزند دارم و دارای هیچ نظریه ای نیستم. (لرد لوچستر)
- 39- مردانی که می کوشند زن ها را درک کنند، فقط موفق می شوند با آنها ازدواج کنند. (بن بیکر)
- 40- با ازدواج، مرد روی گذشته اش خط می کشد و زن روی آینده اش.

41- خوشحالی های واقعی بعد از ازدواج به دست می آید. (پاستور)

42- ازدواج کنید، به هر وسیله ای که می توانید. زیرا اگر زن خوبی گیرتان آمد بسیار خوشبخت خواهید شد و اگر گرفتار یک همسر بد شوید فیلسوف بزرگی می شوید. (سقراط)

43- قبل از رفتن به جنگ یکی دو بار و پیش از رفتن به خواستگاری سه بار برای خودت دعا کن. (یکی از دانشمندان لهستانی)

44- مطیع مرد باشید تا او شما را بپرستد. (کارول بیکر)

45- من تنها با مردی ازدواج می کنم که عتیقه شناس باشد تا هر چه پیرتر شدم، برای او عزیزتر باشم. (آگاتا کریستی)

46- هر چه متأهلان بیشتر شوند، جنایت ها کمتر خواهد شد. (ولتر)

47- هیچ چیز غرور مرد را به اندازه ی شادی همسرش بالا نمی برد، چون همیشه آن را مربوط به خودش می داند. (جانسون)

48- زن ترجیح می دهد با مردی ازدواج کند که زندگی خوبی نداشته باشد، اما نمی تواند مردی را که شنونده خوبی نیست، تحمل کند. (کینه‌بارد)

49- اصل و نسب مرد وقتی مشخص می شود که آنها بر سر مسائل کوچک با هم مشکل پیدا می کنند. (شاو)

50- وقتی برای عروسی ات خیلی هزینه کنی، مهمان هایت را یک شب خوشحال می کنی و خودت را عمری ناراحت! (روزنامه نگار ایرلندی)

51- ازدواج قرارداد دو نفره ای است که در همه دنیا اعتبار دارد. (مارک تواین)

52- با قرض اگر داماد شدی با خنده خداحافظی کن. (ضرب المثل آلمانی)

53- تا ازدواج نکرده ای نمی توانی درباره ی آن اظهار نظر کنی. (شارل بودلر)

54- دوام ازدواج یک قسمت روی محبت است و نه قسمتش روی گذشت از خطا. (ضرب المثل اسکاتلندی)

55- ازدواج پدیده ای است برای تکامل مرد. (مثل سانسکریت)

تصویر



### آیا می توان برای یافتن همسر باتقوا و مناسب دعا کرد؟

گر که خواهی تو شوی اهل فلاح

با همان زوجی که آری در نکاح

کن دعا هر روز و هر شب در خفا

چون ائمه(علیهم السلام)در فضایی بی مزاح

خداوند متعال برای هر کاری اسبابی قرار داده است که برای به نتیجه رسیدن آن، باید از طریق اسباب آن عمل کرد. راه پیدا کردن همسر مناسب، تحقیق و شناسایی دقیق است، البته در این راه باید از خداوند هم کمک خواست تا ما را در شناخت صحیح هدایت کند و تلاشهای ما به نتیجه ی مطلوب برسد.

دعاهایی که در روایات و از زبان ائمه(علیهم السلام) بیان شده است همگی باید به همراه تلاش و کوشش و تحقیق

ص: 190

همه جانبه برای انتخاب همسر باشد. یکی از دعاهایی که در این زمینه از ائمه (علیهم السلام) نقل شده، دعایی است که از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است، ایشان فرمودند: «هر یک از شما که خواست ازدواج کند باید ابتدا دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت سوره ی فاتحه‌الکتاب و سوره ی یس را بخواند، وقتی که

از نماز فارغ شد بعد از حمد و ثنای پروردگار این گونه بگوید:

پروردگارا، همسری مهربان و بچه آور و شکرگزار و باغیرت به من عطا کن که اگر به او نیکی کردم شکرگزار باشد، و اگر به او بدی کردم مرا ببخشد، و اگر یاد خدا کردم مرا یاری کند، و اگر خدا را فراموش کردم مرا به یاد خدا بیندازد، و اگر از نزد او خارج

شدم (اسرار و اموال و آبروی مرا) حفظ کن، و اگر بر او وارد شدم مرا خوشحال سازد، و اگر او را به کاری امر کردم مرا اطاعت کند، و اگر بر علیه او قسم خوردم (که او کاری را انجام دهد) او (آن کار را انجام داده) و مرا از آن قسم بری‌الذمه کند، و اگر بر او غضب کردم مرا راضی سازد. ای پروردگار صاحب جلال و اکرام، چنین همسری را به من ببخش! پس به درستی که من او را از تو خواسته‌ام و به من نمی‌رسد مگر آن چیزی که تو منت می‌گذاری و عطا می‌کنی.

### **راهکارها و دستور العمل کنترل مثبت غریزه جنسی و شهوت چیست؟**

از عمر ناچیزت، بشر، هر دم حیا کن

دنیای دون، را از درون دل رها کن

غافل مشو از راه حق در دار فانی

یعنی ره حق را ز عمق جان بنا کن

همان طور که می‌دانی شهوت جنسی غریزه ای نیرومند است، که اگر



هدایت نشود و در معرض محرک های محیطی مثل دیدن فیلم های مبتذل، صحنه های هوس انگیز و رفقای لابیالی و فاسد قرار

گیرد، تحریک شده و تمام قوای انسانی را مقهور خویش می سازد. یعنی نیروی جسمانی و مغز و اعصاب را به سرعت رو به تضعیف می برد و ذهن را مسموم، اندیشه را مغشوش و قدرت تصمیم گیری و اراده را تباه می کند و در یک کلمه انسان را از انسانیت ساقط می کند. به طوری که کنترل آن مشکل و خطر آن برای انسان بسیار شدید می گردد. البته بیان این نکته لازم است که کنترل غریزه جنسی به صورتی که منطبق با فطرت انسانی باشد، امری ممکن و در عین حال پیچیده و دشوار است. آنهایی که از مبانی اخلاقی و معنوی محکمی برخوردارند

و نیز از شرایط خانوادگی خوب و مطلوبی از حیث ارزش های اخلاقی بهره مند هستند و اراده قوی دارند، به خوبی می توانند با تلاش و اراده ی مردانه از پیامدهای منفی آن مصون باشند.

آری ای عزیز بزرگوار، غریزه ی جنسی حسی است که در تمام انسان ها وجود دارد و اگر کسی بپذیرد که این غریزه را ندارد نشان دهنده ی نقص اوست. اما مسئله اینجاست که این غریزه باید کنترل شود وگرنه برای انسان مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت. اما چگونه؟ چه راه حل ها و روش هایی برای کنترل این حس وجود دارد؟! برای کنترل این حس و تقویت عزم و اراده جهت تعدیل و کنترل غریزه جنسی راه های متعددی وجود دارد که از باب اهمیت در خاتمه نظر جنابعالی به برخی از راه های کنترل مثبت غریزه جنسی با استفاده از آیات و

روایات معطوف می گردد:

می شود روزی درون آدمی

از پلیدی پاک و دور از هر بدی

راه عقبا را رود داد درون

سوی فطرت، فارغ از هر نوع کژی

1- ترک زمینه گناه:

روح تو باشد فراری از گناه

چون که باقی بوده و باشد چو ماه

گر که خواهی تو شوی اهل فلاح

لطف حق را تو بنخواه با نیم نگاه

ترک زمینه های گناه زیر مجموعه ای دارد که مهمترین آنها عبارت است از:

\* کنترل چشم و یا دوری از نگاه های مسموم و مناظر تحریک آمیز: از نظر علم و تجربه ثابت شده است که یکی از عوامل اصلی و ناخودآگاه تحریک و ترشح غدد و هورمونهای جنسی، نگاه است. نگاه به نامحرم هر چند اگر بدون قصد تلذذ باشد عمل طبیعی و غریزی خود را انجام می دهد و زمینه تحریک شهوت انسان را

در زمان نگاه یا بعد از آن ایجاد می کند. تحریک غریزه جنسی به گونه نامشروع نیز آثار شوم و نکبت بار فراوانی بر ابعاد مختلف انسان و جامعه بشری ایجاد می نماید. قرآن کریم در دو آیه متوالی دستور به اغماض و نگهداری چشم از نگاه حرام و هوس آلود داده است. در آیه اول می فرماید: قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم. . . به مؤمنان بگو دیدشان - را از نامحرمان - فرو

ص: 193

نشانند و نهانگاه های خود را - از وقوع در حرام - نگه دارند و در آیه بعدی می فرماید: *و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن*. . . به زنان مؤمن بگو - چشمهایشان را فرو گیرند و نهانگاه های خویش را محافظت کنند. (1) جالب این است که در هر دو مورد خداوند متعال نخست دستور به مراقبت از نگاه محرک و عفت چشم می دهد و آن گاه به حفاظت از عورت فرمان داده است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

می فرمایند: نگاه هوس آلود، تیری است مسموم از تیرهای شیطان، هر کس آن را به جهت خوف الهی ترک کند، خداوند ایمانی به او می بخشد که حلاوت آن را در قلب خود احساس می کند. (2)

دقیقا باید مواظب چشم خود بود که مبادا به نامحرم و کلاً هر آنچه که شهوت انگیز است، نگاه شود. *عن الصادق (علیه السلام): «نظر دوختن تیری مسموم از تیرهای ابلیس است و چه بسا نگاهی که حسرت درازمدتی را (در دل) به ارث بگذارد».* (3) تا حد امکان انسان باید از حضور در مجالس مختلط یا برخورد با نامحرم پرهیز نماید. چشم چرانی و نگاه به نامحرم، گذرگاه ورود به منجلاب انحرافات و فساد جنسی است. نگاه های آلوده، تخم شهوت را در دل بارور ساخته، صاحبش را به فتنه، انحراف و گناه مبتلا می کند.

حضرت امام صادق - علیه السلام - فرمود: چشم چرانی، تخم شهوت را در دل می کارد و چنین کاری برای نگاه کننده کافی است که منشأ فتنه گردد.

ص: 194

---

1- سوره نور، آیه 30 - 31

2- الاخلاق، سید عبدالله شبر، قم، انتشارات بصیرتی، ص 127

3- (سفینه البحار، شیخ عباسی قمی، ماده نظر)

نگاه کردن به ناموس دیگران، خواست شیطان است. چشمی که تیرهای آلوده نگاه را به نامحرمان پرتاب می کند، محل کمین شیطان است. شیطان از کمان چشم های او ناموس دیگران را نشانه می گیرد.

النَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنًا (1)

پس باید مراقب چشمان خویش باشی، تا شیطان از آن برای تخریب ایمانت استفاده نکند.

\* کنترل گوش و یا گوش ندادن به آوازه‌ها و موسیقی های تحریک کننده و مبتذل: باید از شنیدنی هایی که ممکن است به حرام منجر شوند و زمینه ساز حرام باشند، پرهیز نمایی. مانند موسیقی های مبتذل، صدای شهوت انگیز نامحرم و... بنابراین

باید مراقب گوش و چشم خود باشی. چرا که هر چه که انسان می بیند در او اثر می گذارد. دقت کن که انسان با یک لطیفه ی خنده دار می خندد و با شنیدن یک ناسزا عصبانی می شود، آری دیدن و شنیدن مطالب جنسی در قلب و جان آدمی اثری

زهر آلود دارد. در حدیثی از حضرت صادق(علیه السلام) آمده است: مردی از آن حضرت درباره شنیدن آواز محرک پرسید. حضرت از آن نهی کرده و این آیه را خواندند: «ان السمع والبصر والفؤاد کلّ اولئک کان عنه مسؤولاً» (2) «به یقین گوش و چشم و دل هر یک مورد سؤال خواهند بود» و فرمود: گوش از

آنچه شنیده و قلب از آنچه بدان دل بسته و چشم از آنچه دیده

ص: 195

---

1- روضه المتقین، ج 9، ص 434.

2- سوره اسراء، آیه 36

است باز خواست خواهند شد. (1) از جمله موارد گمراه کننده ماهواره می باشد که در این خصوص باید گفت:

داشتن ماهواره کی باشد برایت افتخار  
آن که نابود و کند روح و روانی بی شمار  
دشمن نادان در این دنیا نموده حمله ای  
بر زن و فرزند و ناموس و همه ایل و تبار  
غرب و استعمار پیر هر یک شدند با هم یکی  
ناتوی فرهنگی را کردند درون کار و زار  
اینتر و چت هم بود در دست شیطان بزرگ  
ساتر حقّ است و هر آن می کند صدها شکار  
ناتوی سختی شده بعد از شیخون وسیع  
جامع شر گشته در جام ظریف روزگار  
مصدر صدها گنه گشته برای هر جوان  
باعث گمراهی آدم شده در شوره زار (2)  
اعتقاد و دین ما را می کند هر دم ضعیف  
با شعاع خوش خط و خالش بدون هر نوار  
دامن غیرت کند نابود و اندر این جهان  
مسلخ پاکی و عفت در صراط ماندگار  
با بیان ظن و تحریف و نگاهی شبهه ناک  
می کند نابود تمام هستی و دار و ندار  
فتنه و افساد آن گردد نمایان بر بشر  
فطرت ناب درون هر دم کند از آن فرار  
مجمع خوب است و بد در وادی روح و روان  
گر چه اینک بوده چون تیغی به دست نابکار

در همه جا می‌کنند خدعه و نیرنگ و کلک

حمله آن ناکسان باشد وسیع همچون ضرار

ص: 196

---

1- مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج 2، ص 459، ابواب یکتسب به، باب 80

2- منبع هر نوع گوشه گشته ز فیلم های خراب قابل حمل است و دائم می شود دید ای خمار

بی شک و تردید هدف باشد جوانان عزیز

سنگر هر یک نماز است در دیار زرنگار

مومن مخلص کند خنثی تمام مکرشان

ظالم بی دین اگر چه غافل است از کردگار

حافظ روح و روان بی شک بود ایمان ناب

دافع هر نوع ضرر باشد همان پروردگار

این حقیر گوید مواظب باش عزیزم هر زمان

تابع حق باش و کن خود را راها از هر شعار

\* ترک مصاحبت با دوستان ناباب: دوستانی که باعث می شوند انسان مزه گناه را مززه کند، در واقع دشمن هستند و باید از آنها پرهیز کنی. از امام سجاد(علیه السلام) نقل شده: «النهی عن مصاحبه خمسۀ و محادثتهم و مرافقتهم فی طریق و هم الکذاب والفسق والبخیل والاحمق والقاطع لرحمه؛ حضرت همراهی و سخن گفتن و رفیق بودن با پنج کس را نهی فرموده: کذاب، گناهکار، بخیل، احمق و کسی که قطع رحم کرده است»<sup>(1)</sup> افرادی که روابط نامطلوب و ناسالم دارند و با افراد منحرف و بی بند و بار دوست و رفیق هستند، کم کم به انحراف کشیده می شوند و تحت تأثیر امور شهوانی قرار می گیرند. مخصوصاً تأثیرپذیری جوانان از دوستان و همسالان نشان بیش از سایر گروه ها است. چرا که در سنین بلوغ صحبت های آهسته و درگوشی بین نوجوانان بیش تر می شود و محور این گفتگوها، غالباً مسایل جنسی و امور شهوانی است که به صورت مخفیانه و به دور از انظار بزرگ ترها طرح می شود. بنابراین باید از مرادده و ارتباط با افراد لایابالی و بی بند و بار پرهیز و در

ص: 197

---

1- سفینه البحار، شیخ عباسی قمی، ماده صحب

عوض با افراد مؤمن و ارزشی رابطه دوستی برقرار شود. اجتناب

شدید از گفتگوهای دوستانه و نشست های غفلت زا و معاشرت با دوستان ناباب و گوش سپردن به سخنان تحریک آمیز باید در دستور کار قرار گیرد. از حضرت امام باقر(ع) این گونه روایت شده است: "هر کس به سخن گوینده ای گوش فرا دهد او را بندگی کرده است، پس اگر ناطق از خدا بگوید شنونده، خداوند را

بنده شده و اگر از شیطان و سخنان شیطانی بر زبانش جاری کند قطعاً بندگی شیطان کرده است"<sup>(1)</sup> مع الوصف ای عزیز بزرگوار، برای پیشگیری از انحرافات اخلاقی از دوستی های آلوده و مشکوک جداً پرهیز نموده و با افراد سالم و مذهبی ارتباط برقرار و رفت و آمد فرما. آری ای عزیز بزرگوار:

وفق سنت با تو گویم این ندا

بهر دوست خوب و بد در این سرا

همنشینی با گل و گل واژه ها

می کند خوشبو درون خانه را

گر که مومن باشد و اهل دعا

با همان ایمان کند غوغا به پا

دوست مخلص اندر این دار فنا

می دهد روح و روانت را شفا

دان رفیق خوب بود همچون طلا

می کند از تو برون صدها بلا

ص: 198



عیب تو گوید بدون هر ادا  
تا شوی پاک از عیوب و افترا  
در تمام سختی های هر بنا  
با وفای خود دهد دل را صفا  
یا که باشد برتر از صدها عصا  
از همان گام نخست تا انتها  
حرف و بحثی را نگوید ناروا  
بهر دوست خود همی گوید ثنا  
از خیانت می کند خود را جدا  
چون که قلبش سالم است از ماسوا  
بر جمالش گر کنی ای با وفا  
یک نظر از عمق جان در هر کجا  
یاد حق و آخرت بی هر صدا  
می شود با روح و جانت آشنا  
دون تردید می شوی اهل بقا  
ذات حق گردد برایت پر بها  
دوست دانا در حریم کبریا  
می برد بالا تو را تا ماورا  
بعد آن گویم نکاتی را به جا  
بهر دوست بد درون هر فضا

همنشین تو در این صحن و سرا  
گر که باشد یک رفیق بی حیا  
می کند هر دم خیانت یا جفا  
بر رفیق و دوست خود اندر خفا  
از حرام و شبهه کی دارد ابا  
چون که ایمانی ندارد در قفا  
می زند کید و کند دوست را فدا  
در مسیر نفس دون با صد هوا  
همچو مار و کژدم و درد و با  
می کند پر خون درون را چون عزا  
نیش وی نابود و گرداند تو را  
زهر آن بدتر ز زهر اژدها  
کار او باشد خطا اندر خطا  
چون که غافل بوده از بحث قضا  
این حقیر گوید که ای دوست خدا  
با رفیق خوب شوی از بد رها

2- ترک فکر گناه و توبه: ترک زمینه گناه سهم به سزایی در ترک فکر گناه دارد. از این رو هر چه بیشتر و دقیقتر زمینه گناه ترک شود؛ فکر گناه کمتر به سراغ انسان می آید. این فکر گناه است که شوق در انسان ایجاد می نماید. مسلماً تا شوق و میل نسبت به گناه ایجاد نشود انسان مرتکب آن نخواهد شد. پس از هر غفلت و اشتباهی نیز باید سریعاً توبه کرد، و با عبادت و اطاعت مضاعف آن را جبران نمود. پرهیز از

فکر و ترسیم صحنه های محرک در ذهن و خیال یک تکلیف و وظیفه الهی است.

عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرت (علیه السلام) فرمود: عیسی (علیه السلام) به اصحاب خود گفت: . . . موسی به شما دستور داد که زنا نکنید و من به شما دستور می دهم که فکر زنا هم در سر نپرورانید تا چه رسد به این که زنا کنید؛ زیرا کسی که خیال زنا کند مانند کسی است که در خانه ای نقش و نگار شده دود و آتش به پا کند. چنین کاری گرچه خانه را نمی سوزاند ولی زینت و صفای آن را مکدر کرده و فاسد می کند. (1) آری ای عزیز:

ساعتی گر تو کنی فکری حنیف

دشمنت سالها شود خوار و خفیف

کن غرایز را مهار با فکر دین

تا شوی با نفس دون خود حریف

در ضمن فراموش نکن که هیچ گاه

خداوند رابطه خود را با بنده اش قطع نمی کند. این بنده است که خود را از خدا دور کرده و به غیر خدا مشغول می شود. خداوندی که به تعبیر برخی روایات، عاشق بنده اش است و اگر بنده یک قدم به طرف او برود او چندین قدم به طرف بنده اش می آید. (2)

3- دوری از محیط های آلوده و ناسالم: از ورود به محیطی که میل ارتکاب به گناه را بیشتر می کند، اجتناب کن. اساسا انسان خوب است گاهی در زندگی خود انقلاب کند و شرائط نامساعد خود را عوض نماید.

تغییر دوستانی که در حفظ تقوای مبالغه ای مبالغه ای، به دوستانی که تقوا دارند؛ رفت و آمد به محافل دینی و مراوده با مردم مؤمن و سالم و با تقوا و... اساسا دوری از محیط آلوده و محرک های شهوانی

ارتباط با

ص: 201

---

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 240

2- سوره انعام/ آیه 160

انسانهای پاک، و به خصوص عالمان با تقوای دین در این جهت که انسان علقه های قدیم را ترک و به علقه های جدید روی آورد، مفید است. یکی از علل و عوامل انحرافات جنسی و به طور کل انحرافات اخلاقی، محیط آلوده و محرک های شهوانی است. محیط از طریق وارد نمودن عناصر محرک در گرایش های انحرافی، منجر به طغیان غریزه جنسی در انسان می شود. مسایلی از

قبیل بدحجابی، روابط ناسالم و آزاد دختر و پسر، برخی از سریال های تلویزیونی و فیلم های خارجی مخصوصاً ماهواره و هم چنین استفاده نادرست از اینترنت در تحریک شهوت و غریزه جنسی مؤثر است. شاید برای برخی از افراد یادآوری و تذکر مسایل دینی و اخلاقی چیزی بیهوده و غیر ضروری تلقی شود،

زیرا آن ها نه در فکر سلامت خویش هستند و نه مسایل اخلاقی و دینی را می پذیرند، اما برای شما عزیز بزرگوار که روحیه مذهبی قوی داری و همین مسأله باعث شده تا نگران آینده خود باشی، گفتن این مسایل مهم و ضروری است. مع الوصف اگر

واقعاً می خواهی از عمرت به خوبی استفاده کنی و در راه درست و سالم گام برداری، باید سعی کنی از محیط های آلوده و دیدن عوامل تحریک کننده، جداً پرهیز نمایی.

4- اشتغال به برنامه شبانه روزی: حتماً باید شبانه روز خود را با برنامه ریزی صحیح و متناسب وضع روحی و جسمی خود پر

کنی و هیچ ساعت بیکاری نداشته باشی. زیرا با وجود فراغت، هم مواد غذایی در تقویت غریزه به مصرف می رسد و هم فکر و خیال مصروف چاره سازی در تفریح آن می شود و لذا در روایات بر اشتغال و کار و پرهیز از فراغت (بی کار و وقت آزاد) تأکید بسیار شده است. حضرت امام صادق (علیه السلام) در حدیث پردامنه «مفضل» می فرمایند: «...» و همین گونه انسان اگر بی کار

و فارغ باشد، به بیهودگی و سرمستی دچار می شود و بر اثر آن به مسایلی مبتلا می شود که زیان آن هم بر خود و هم بر نزدیکان او سنگینی خواهد کرد. . .  
" (1) آری ای عزیز بزرگوار در

اوقات بیکاری و سوسه های نفس و شیطان به سراغ انسان می آید و او را به فکر گناه و سپس به خود گناه می کشاند. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:  
براستی و حقیقت که این نفس (انسانی) پیوسته و مرتب به بدی امر می کند در نتیجه هر کس آن

را به خود واگذارد (و به کاری نگمارد) نفس او را به سمت گناهان می کشاند» (2)

5- تلاوت قرآن: بی شک انس با قرآن، تلاوت، تدبر و تفکر در مضامین آن، خود شفای هر دردی است که به سرعت کار هر

پیشانی را رو به سامان می برد و زخم های پنهان را التیام می دهد و همت ها را تا آسمان ها بالا می برد و بشر را از فرورفتن در عالم حیوانات نجات می بخشد. امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرمایند: " قرآن را فرا گیرید زیرا قرآن بهار دلهاست و از نور آن بر مرض ها و دردهای خود مرهم بگذارید زیرا آن داروی شفابخش سینه هاست و آن را نیکو تلاوت کنید که به یقین سودمندترین قصه هاست" (3)

6- نماز: اگر فکر و ذهن با خواندن نماز متوجه خدا گردد و همیشه نماز خود را اول وقت اقامه نمایی، خداوند شما را یاری می کند تا از هر گناهی مصون بمانی و تحت تأثیر شهوت و

غریزه جنسی قرار نگیری. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» به درستی که نماز انسان را از هر

ص: 203

---

1- بحار الانوار، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج 3، ص 87

2- (الغرر والدرر، باب النفس به نقل از سرالاسراء، استاد علی سعادت پرور، ج 1، ص 544، ح 4).

3- وسائل الشیعه، ج 4، ص 825، ابواب قرآن، باب 1، ح 7

گونه آلودگی و عمل زشت و گناه دور نگه می دارد. نماز واقعی نه تنها والاترین عامل کنترل شهوت و دفاع در برابر هجوم انحرافات اخلاقی تلقی می شود، بلکه عامل تهاجمی علیه انحرافات و شهوت ها نیز محسوب می گردد. مع الوصف نماز با توجه و در

اول وقت را همواره عادت همیشگی خود قرار ده. التزام به نماز با توجه و در اول وقت، در انسان احساس دل بستگی و ارتباطی به خدا ایجاد می کند که در ایجاد همت ترک گناه بسیار یاور است. آری ای عزیز:

میخانه به رویم چو شود باز، به هنگام نماز

گویم خدایا تو بده، باده ز پیغام نماز

تا روح من خسته شود صاف، ز اذکار نماز

در اوج وفا همی شوم پاک، ز انجام نماز

7- روزه گرفتن: روزه گرفتن قوای حیوانی و شهوانی انسان را تضعیف می کند اگر قوای شهوانی ضعیف گشت قهراً فکر گناه هم کم رنگ می شود. عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: «اذا شبع البطن طغی؛ هرگاه شکم پر شود طغیان می کند. (1) مفهومی این است اگر شکم بر نشود طغیان نمی کند و بهترین قسم جوع و گرسنگی

همان روزه گرفتن است. البته تذکر این نکته بسیار ضروری است که اولاً: روزه نباید برای بدن ضرری داشته باشد وگرنه شرعاً حرام است. ثانیاً: برای کارهای روزمره مخل نباشد. ثالثاً: اگر نه مضر بود و نه مخل بهتر است روزهای دوشنبه و پنجشنبه باشد. ولی در هر صورت اگر برای روزه گرفتن عذری است مورد بعدی

یعنی ورزش دو برابر شود. (این دو بند خاص افراد مجرد می باشد)

ص: 204

دان که روزه دون هر نوعی شعار

می برد بالا تو را تا نزد یار

در فضای روزه و ذکر و دعا

راه حق گردد هویدا ای نگار

8- ورزش: هر روز ورزش لازم است البته ورزش هایی که برای بدن ضرری ندارد مثل نرم دویدن و نرم طناب زدن و انجام حرکت های کششی و اگر برای روزه گرفتن عذری هست زمان ورزشی دوبرابر شود مثلاً از بیست دقیقه به چهل دقیقه افزایش یابد.

گر که خواهی عقل سالم در بدن

ورزش و نرمش نما بی هر سخن

چون که با ورزش شود جسمت قوی

روح تو لذت برد از جسم و تن

9- اعتدال در خوردن: بی تردید پر خوری و بی نظمی در خوردن در ذخیره سازی و انباشتن موادی که نیازمند تفریح باشد مؤثر است، ولی در صورت اعتدال و کم خوری سهم ناچیزی از آن صرف تهیه آن مواد می شود. در حدیثی که قبلاً از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) نقل شد، آن حضرت پس از آن که جوانان را به ازدواج ترغیب می کنند

می فرمایند: "هر کس قدرت بر ازدواج ندارد و روزه بگیرد یقیناً روزه

نیروی غریزه او را تضعیف می کند"<sup>(1)</sup>

10- فکر مرگ: یکی از چیزهای بسیار مفید که فکر گناه را یا از بین می برد و یا کم می کند فکر مرگ است. اگر انسان با این واقعیت انس بگیرد و مردن را باور دل سازد؛ نقشی سازنده و

بالا برنده برای جلوگیری از شهوت پرستی دارد. قال امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): «اذکروا هادم اللذات و منغص الشهوات و داعی الشتات؛ یاد

ص: 205

کنید (مرگ را) در هم کوبنده لذات را و تیره و تلخ کننده شهوات را و دعوت کننده جدایی ها را» (1) یاد

مرگ دل را از تعلق به شهوات جدا می سازد و انسان را از گناه و فکر گناه باز می دارد. مثلاً یکی از بزرگان چنین می فرمود: تمام خاطرات تلخ و شیرین گذشته را در حد امکان مثل یک فیلم از ذهن بگذرانند و به خود بباورانند که همه اینها گذشت و چند روز باقی مانده عمر هم می گذرد. آری ای عزیز از اعماق جان باید گفت:

ای که رفتی از جهان بده به من تو یک پیام

جان من تشنه و تویکی دو تا بگو برام

از همان برزخ و وعده خداوند جنان

تا که عبرتم شود ز نفس دون گیرم زمام

مع الوصف:

ای که در اشعار و خطم می کنی الان نظر

هیچ و می دانی شده فرصت تمام در این سفر

کوله بارم خالی و دستم تهیست از کار نیک

عمر من گردید تمام و روز و شب کردم ضرر

پس عزیزم قدر خود را دان در این دنیای دون

تا که فرصت داری از فرصت نکن آئی گذر

می شود عمر تو و هر مرد و زن روزی تمام

با چنین فکری چرا غفلت کنی ای در به در

ص: 206



گو چه کردی با خودت در عمر محدود حیات  
یا چه بردی تو ز فرصت های نیک و پر ثمر  
گر بخواهی یا نخواهی فرصتت باشد چو شمع  
لحظه لحظه سوزد و گردی همی بی بال و پر  
پس ببر از نور آن تا می توانی توشه ای  
عاقل خوش فکر کند جان را مبرا از خطر  
کن کمی اندیشه تو در آنچه تا اینک گذشت  
تا که بینی در کجایی و کمی گیری اثر  
دام شیطان می شود هر لحظه پهن در پیش تو  
کن رها دام و ز فتنه کن عبور ای باهنر  
جان تو آرام و آرامش همی آرد به تن  
از همه افسردگی گردی رها ای خونجگر  
راه حق و فطرتت را کن مشخص در اصول  
تا شوی فارق ز مکر و فتنه و هر درد و سر  
داد خاموش درونت این بخواهد روز و شب  
پس تو کن آن را اجابت تا شوی اهل ظفر  
بهر عقبا شو مهیا در سرای زندگی  
تا سعادت سویت آید در دو عالم ای بشر  
دان که با اخلاص همی گویم به افکار ذبون  
من در این دنیا ندارم غیر تو یاری دگر

راه خوشبختی یکی باشد در این دنیا عزیز

وان همان راهیست که قرآن گفته بر اهل بصر

بی شک و تردید همان راه علی (علیه السلام) و آل اوست

پس نما تو انتخاب تا که شوی بیمه ز شر

چون حقیر دانی همه دنیا بود لهو و لعب

غیر آنکه بهر حق خالص کنی در جان و سر

12- پرورش تقوا و معنویت در وجود خویش: همه آنچه بیان شد، به نحوی می توانند در پیشگیری از انحرافات اخلاقی و طغیان شهوت و غریزه جنسی نقش داشته باشند، اما آن چه بیش از همه ضروری است و به صورت زیربنایی در شخصیت و رفتار انسان مؤثر است. پرورش معنویت و تقویت ایمان و تقوای الهی است. چرا که ای عزیز در عصری زندگی می کنی که جهان به شدت در مادیات فرو رفته و یک سره غرق در جاذبه های نفسانی و امور شهوانی گردیده است. در شرایط کنونی، خلأ عظیم و هولناکی از اخلاق و معنویت پدید آمده و تمامی مشکلات انسان ها نیز از همین جا ناشی شده است. لذا:

هر که جز حق می شود روزی تباه

مال و جاه و چهره های همچو ماه

پس نبند هرگز به دونی جان و دل

چون شوی بی شک اسیر و بی پناه

مع الوصف اگر با تقویت ایمان و نیروی اراده، باورها و اعتقادات خود را تقویت کنی، بدون شک بخشی از مشکلاتت به ویژه در زمینه مسایل اخلاقی، شهوانی و

ص: 208

غریزه جنسی در مان می شود. اگر از ته دل باور نمایی که تمام اعمال و رفتار را خدا می بیند و بر اساس عملکردت به آن ها پاداش می دهد و اساساً سعادت و خوشبختی انسان به دست خودش می باشد، در این صورت احتمال اینکه مرتکب گناه نشوی؛ بسیار زیاد است... در هر حال در باره ی آثار زیانبار دنیوی و خصوصاً آخروی پیروی از شهوات مطالعه و فکر کن و عذاب هایی را که خداوند به گناهکاران وعده داده است را در نظر آور تا

بدینوسیله باورهای مذهبی در وجودت تقویت شود و این رباعی را با خود زمزمه کن:

ای خدا جان و جهانم، همه دیوانه توست

ای شها روح و روانم، همه پروانه توست

می و مستان، همه دردی کش میخانه توست

جام شادی و طرب، از ره خمخانه توست

یقین داشته باش، تا زمانی که نیروی ایمان و تقوا در وجودت بارور و تقویت نگردد، هیچ ضمانتی برای جلوگیری از شهوت و انحرافات اخلاقی برایت وجود ندارد. به خصوص در وضعیت کنونی

که عوامل تحریک کننده بسیار زیاد است. بنابراین قبل از هر چیزی سعی کن نیروی ایمان و تقوا را در وجود خویش بارور کنی.

13- پرهیز از یاس و ناامیدی: باید از افت و خیز در این راه نهراسی و امید خود را از دست ندهی. انسان مؤمن پس از لغزش و خطا، نادم و پشیمان می شود و سریعاً آن را با استغفار جبران نموده و نمی گذارد یأس و ناامیدی که از وسوسه های شیطان است، او را در این مبارزه طولانی ضعیف و سست نماید؛ چرا که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: "التائب من الذنب کمن لا ذنب له" یعنی کس که پس از ارتکاب گناه توبه نماید مانند کسی است که مرتکب گناه نشده است.

ص: 209

البته ای بزرگوار، انتظار نداشته باش همه چیز معجزه وار و یک شبه حل شود، بلکه نیاز به تمرین و صبر دارد. این راهی است که انسان برای رسیدن به کمال بایستی بپیماید و بصورت تدریجی هم حاصل می شود. علاوه بر توکل بر خدا، توسل به اهل بیت و به خصوص حضرت زهرا(علیها السلام) را هم فراموش نکن و از آن ناامید نشو. امید است با رعایت این نکات که فریاد خاموش فطرت هر انسانی به دنبال آن است به خصوص توجه به تقوا و نماز بتوانی گزینه جنسی و حس شهوت را در خویش کنترل و مهار نمایی. در مجموعه ای عزیز بزرگوار باید همواره این رباعی را با خود زمزمه کنی:

چشم دل دیده گشا تا نبرد خواب مرا

داد خاموش درون داد بزن تا به خدا

با همان دیده شوم شاد در این صحن و سرا

اضطراب و صد گناه هر یک شوند از من جدا

در هر حال ای عزیز بزرگوار، خلاصه مطلب این که: راه حل دین در خصوص نوع مقابله و مواجهه با گزینه جنسی نخست ازدواج و نکاح مشروع است و در صورت عدم امکان، کنترل مثبت با شرحی که بیان شد و سپس کنترل منفی با وجود همه زیان های آن، ولی هیچ گاه به بی بند و باری و افسارگسیختگی و آلودگی به گناه رضایت نمی دهد و زیان آن را به مراتب

خسارت بارتر و ویرانگرتر از ضرر کنترل منفی می داند.

مع الوصف ای عزیز مومن، اگر کسی انتظار داشته باشد که هر شب در برابر برنامه جنسی و فیلمهای مستهجن باشد و قسمت مهمی از وقت گرانبهای خود را

به مطالعه رمانهای عشقی و دیدن ماهواره پردازد و در کوچه و خیابان به اندام دختران و زنان نگاه کند و با این حال بخواهد که هیچ گونه آلودگی پیدا نکند؛ سخت در اشتباه است. این گونه تحریکات مصنوعی که هیچ گونه ضرورتی ندارد؛ مسیر فکری هر جوانی را از مسائل اصولی تغییر می دهد و به سوی مسائل جنسی حاد می کشاند. این تحریکات دائمی بهترین فصول زندگی یعنی دوران جوانی را بر باد می دهد و اعصاب جوانان را در هم می کوبد. پس لازم است که همه بشدت از این

امور بپرهیزند و از دیدن این فیلمها و عکسها و مشاهده ماهواره و مطالعه رمانها و چشم چرانی های بی مورد و عمدی اجتناب کنند و اعصاب نیرومند خود را تضعیف نکنند. و برای این کار لازم است همانطور که اشاره شد خود را به کارهای دیگری مثل ورزش، مطالعه، و... سرگرم کنند. آری ای عزیز بزرگوار:

دیدن سکس و کمی فیلم خراب

می کند روح و روانت را کباب

جسم و اعصاب و همه روح و روان

از همان گیرد اثر با یک جواب

ذهن و جانت را درون این جهان

می کند خوار و خفیف با صد تقاب

گر روی سویش بدون هر گمان

می شوی وابسته اش تو ای جناب

در قیاس آنچه در فیلم است بدان

همسر و مهرش شود همچون حباب

طبق تحقیقی در این دور و زمان

این چنین فیلم ها کنند جان را مذاب

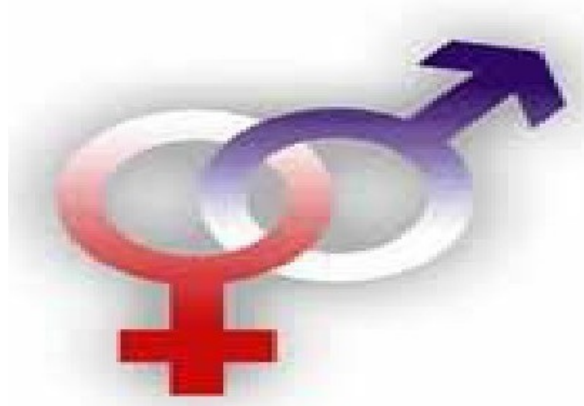
فیلم خود را بهر سود سازند چنان

صوری باشد نقش هر یک با خضاب

در درون زندگی دانی همان  
غیر آن باشد که خواندی در کتاب  
آنکه مظلوم گشته در دید و بیان  
دختر و خانم بود در این رکاب  
رویت سکسی حرام در هر مکان  
بر تو آرد روز و شب صدها عذاب  
نوع رفتارت شود با صد نشان  
دور از ایمان و خدا و راه ناب  
در مسیر دین و آن داد نهان  
مانعیست بر عقل و حکمت چون شراب  
فطرت را می برد از عمق جان  
سوی غفلت با همان موج سراب  
زندگی را می کند دور از امان  
با تو گوید یک جواب با صد خطاب  
همسر و فرزند و هم امثال آن  
با چنین فیلم ها شوند دور از حجاب  
بر تو آرند روز و شب درد و فغان  
لحظه ها گردد برایت پر عقاب  
فیلم مستهجن و مبتذل چنان  
زندگی را می کند پر پیچ و تاب  
گر چه در ظاهر برد تا کهکشانشان  
لیک و آن باشد برایت همچو خواب  
این حقیر گوید شوی با آن خزان

کن رها آن راز دوران شباب

تصویر



ص: 212

1. قرآن کریم.
2. ابن شعبه، حسین بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه وآله وسلم، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات مؤسسه نشر اسلامی، بی جا، قم، (1374)
3. امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السلام، غررالحکم و دررالحکم، ترجمه محمد علی انصاری قمی، انتشارات مهر آئین، بی جا، بی جا، (1378)
4. امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السلام، نهج البلاغه، انتشارات مرکز البحوث السلامیه، بی جا، بیروت، (1387ق)
5. الطبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، (1371)
6. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، (1404ق)
7. الیس سیجل وهمکاران، زوج درمانی، ترجمه ی ج. صالحی فدردی، ج. وسید امین یزدی، تهران، نشر میثاق (1375)
8. الیس، آ. و هارپر، ر، زندگی عاقلانه، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران، انتشارات رشد. (1377)
9. آلبرت الیس، هیچ چیز نمی تواند ناراحت کند، ترجمه: فیروز بخت و عرفانی، مؤسسه رسا، فصل 8. (1382)
10. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات، (1366)
11. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، چاپ دهم، قم: انتشارات ام ابیها. (1379)
12. ایزدی، سیروسبحران های زندگی زن، تهران، انتشارات چهره. (1356)
13. بابایی، علی، جزء سی قران بصورت منظوم، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)
14. بابایی، علی، دیوان حقیر، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)
15. بابایی، علی، تنها راه سعادت...، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1388)



16. بارکر، چارلز، آیین کامیابی، ترجمه هوشیار رزم آزما، انتشارات سپنج، بی-چا، بی جا، (1373)
17. بارکر، فیلیپ، خانواده در مانی پایه، ترجمه محسن و زهره دهقانی، تهران انتشارات رشد. (1357)
18. بک، آرون تی عشق هرگز کافی نیست: روشهای نو برای حل مشکلات زناشویی و خانوادگی بر اساس شناخت درمانی، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران انتشارات پیوند. (1370)
19. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، چاپ اسلامی، (1337) 20. پیامبر اسلام، محمد بن عبد... صلی الله علیه وآله وسلم، نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم، مترجم و گردآورنده ابوالقاسم پاینده، انتشارات بدرقه جاوید، بی چا، بی جا، (1386)
21. تورینر، پل، راز تفاهم در زندگی زناشویی، ترجمه ناصر فرجی، تهران، جوان، (1379)
22. ثنایی، باقر اسیب شناسی خانواده، پژوهش های تربیتی، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه تربیت معلم. (1370)
23. حر عاملی، شیخ محمدبن حسن: وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه ال البیت، (1413هـ-، ق)
24. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، انتشارات مطبعه الحکمه، بی-چا، بی جا، (1412ه ق)
25. حیدری، مجتبی، دینداری و رضامندی خانوادگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، (1385)
26. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران، (1373)
27. دیلمی، ابی محمد الحسن، ارشاد القلوب، بی جا، شریف رضی، (1412 ق)
28. سارو خانی، باقر، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران انتشارات دانشگاه تهران. (1376)
29. سی وای چاری، مشاور لحظه ای شما، مهندس قادر، ارسباران، (1382)

30. صدری، حسن، هنر همسررداری، انتشارات میراث ماندگار، چاپ چهارم، قم، (1386)
31. طباطبایی، محمدحسین: میزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی 32. طبرسی، رضی الدین ابی نصر الحسن بن الفضل، مکارم الاخلاق، انتشارات دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی جا، (1376)
33. عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، انتشارات مکتبه الاسلامیه، (1339)
34. علاسوند، فریبا، زنان و حقوق برابر، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران، پاییز (1382)
35. فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی: ستیزه های خانواده و طلاق (ویرایش مهم)، تهران انتشارات منصوری. (1372)
36. قائمی، علی، خانواده و مسائل همسران جوان، تهران انتشارات امیری. (1362)
37. قاسم سبحانی فخر، انعکاس اعمال انسان در دنیا، انتشارات فیضیه، (1377)
38. گری، جان، مردان مریخی، زنان ونوسی، تهران، همشهری، (1376)
39. کاشانی، فیض، محجه البیضاء فی تهذیب الإحیاء، دفتر انتشارات اسلامی قم، بی جا، قم، (1361)
40. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، (1365)
41. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، محمدهادی بن محمدصالح المازندرانی، انتشارات دارالحديث، بی جا، قم، (1387)
42. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران، (1365)
43. مجلسی، محمدباقر، حلیه المتقین، انتشارات تهران ناس، بی جا، تهران، (1372)
44. محدث، جلال الدین، شرح غرر و درر تمیمی آمدی، ترجمه محمد علی انصاری، انتشارات دانشگاه تهران، بی جا، تهران، (1346)
45. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، انتشارات دارالحديث، چاپ اول، قم، (1375)

46. محمدی نیا، اسدا...، آیین همسررداری، انتشارات سبب اکبرعلیه السلام، چاپ پنجم، قم، (1388)
47. مصطفی شورکی، رهایی از افسردگی، انتشارات ارجمند، (1379)
48. مطهری، عدل الهی، انتشارات صدرا، (1373)
49. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، انتشارات بنیاد خیریه فرهنگی المهدی، بی جا، بی جا، (1384)
50. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، (1377)
51. مکارم الاخلاق فی حق الزوج علی المراه (ط بیروت ص 215 و 214)
52. منجزی، فرزانه و همکاران، «اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی با رویکرد اسلامی بر رضایتمندی زناشویی زوج ها»، (بهار 1391)
53. ملکی، حسن، چگونه با تفاهم زندگی کنیم، زنجان، نیکان کتاب، (1385)
54. متقی هندی، حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، (1409 ق)
55. وایزیتگر، هندری (1983) هیچ کس کامل نیست، ترجمه پریچهر معتمد گرجی تهران، انتشارات فیروزه. (1375)
56. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، انتشارات دارالنعمان، بی جا، نجف اشرف، بی تا.
57. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل الشیعه، انتشارات مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، بی جا، بیروت، (1987 م)
58. استفاده از سایت های مختلف و معتبر داخلی و خارجی

و اما اشاره پایانی اینکه عناوین و مطالب این کتاب از بین سوالات مستمعین در جلسات آموزش خانواده، کارگاه‌های آموزشی، مجامع هم اندیشی و بحث و انتقاد که بصورت پرسش و پاسخ، توسط مولف پاسخ داده، استخراج و به این صورت که ملاحظه فرمودید، به لطف الهی تدوین گردید. انشا. . که بتواند مورد رضایت یار قرار گیرد. البته برخی از سوالات چون نزدیک به هم هستند پاسخهای آنها هم از باب ضرورت و اهمیت در بعضی مواقع با استفاده از منابع مختلف، نزدیک به هم می باشد.

در ضمن ایشان همانند پدر بزرگوارشان با خدا عهد بسته اند تا زمانی که قدرت و توان دارند برای رضای یار، در محافل و مجالس مذهبی و علمی که دعوت می شوند بدون هر گونه انتظار و منت سخنرانی نموده و بابت آن هیچ گونه مبلغ، هدیه و... دریافت نکنند. در این راستا یکی از ائمه جمعه فرموده اند: که خداوند متعال در سخنرانی و بیان نعمت را بر ایشان تمام کرده

است.

کلیه اشعار این کتاب توسط مولف با تخلص حقیر در قالبهای مختلف سروده شده است که یک بیت یا قسمتی از قالبهای مزبور به مناسبت موضوع در این مجموعه آورده شده است و بعضاً اصل آنها بصورت کامل در یکی از کتابهای مولف تحت عنوان "دیوان حقیر" موجود می باشد و نیز برخی از ابیات هم فی البداهه به مناسبت موضوع توسط مولف سروده شده است. البته متذکر می گردد که امتیاز همه کتابهای مولف که در ده ها جلد پیش بینی شده و اسامی برخی از آنها در ادامه آورده می شود در این است که به مناسبت موضوع همراه با اشعاری از نویسنده تدوین شده که در نوع خود کم نظیر است. در هر حال به نظر می رسد که در اینجا لازم است به صورت خلاصه و کاملاً گذرا برای آشنایی بیشتر به گوشه هایی از زندگی و سوابق علمی و اجتماعی مولف اشاره شود.



ایشان در خرداد 42 در اصفهان متولد و در شهریور 64 ازدواج و دارای یک پسر و دو دختر می باشد و... سوابق علمی و اجتماعی وی عبارت است از: تلمذ درس خارج فقه (معادل دکترا) در حوزه و تحصیل در دو رشته متفاوت دانشگاهی و ادامه آن در مقطع دکترای تخصصی phd در رشته فلسفه تعلیم و تربیت. همچنین گذراندن دوره های متعدد تخصصی و فوق تخصصی مدیریت، برنامه ریزی و تربیتی، کامپیوتر و... در بیش از دو هزار ساعت - سخنرانی در محافل عمومی، دانشگاهی، مدیریتی و... - استاد دوره های ارتقای مدیریت - مدرس آموزش خانواده - داور مسابقات قرآنی - دبیر و استاد دانشگاه - هجرت داوطلبانه به کردستان و داشتن مسئولیتهای مختلف رزمی در جبهه ها - دریافت بیش از ده حکم قهرمانی در مسابقات ورزشی - داشتن مسئولیتهای متفاوت انقلابی، اجتماعی و اداری - کسب عناوین برتر و موفق کشوری و استانی در زمینه های مختلف مدیریتی، فرماندهی و... در ضمن در بیش از بیست سال مسئولیت اداری بنابر اعتراف دیگران به همه قولها مخصوصا مالی و تجهیزاتی که داده؛ بصورت کامل عمل نموده است.

مجتبی بابایی

کتابهای زیر تا کنون از این شاعر و مولف چاپ و منتشر شده است.

شایان ذکر است که مولف در اوایل دهه شصت اراده نموده که به لطف الهی بیش از صد جلد کتاب در مجموعه ای تحت عنوان "فریاد خاموش درون" منتشر نماید که متأسفانه بخاطر مسئولیتهای اداری تا کنون حدود پانزده جلد آنها بیشتر منتشر نشده است؛ که برخی از آنها در زیر آمده است. انشا... .

مابقی بر اساس فیش برداریها در صورت حیات و توفیق الهی منتشر خواهد شد. همچنین دهها مقاله در مجلات تخصصی دانشگاهی و روزنامه های داخلی و بین المللی منتشر کرده است.

\* جزء سی قران بصورت منظوم، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)

\* دیوان حقیر، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1388) چاپ دوم 94 انتشارات دارخوین

\* تنها راه سعادت در پرتو بهترین نوع مدیریت و ولایت، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389) چاپ دوم 94 انتشارات دارخوین

\* بهترین روش زناشویی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).

\* منظومه همسرمداری (1394). چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین

\* بهترین راه انتخاب همسر چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).

\* بهترین روش برای دوران خوب نامزدی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).

\* تنها راه خوشبختی در همسرمداری، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).

\* ارزشمندترین لحظه ها استفاده از فرصتها، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین

\* معنا درمانی (درمان افسردگی و.. بدون استفاده از داروهای شیمیایی) چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1395).

\* عطر یاد، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1385)

\* نه گفتار، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389) فطرت و کمال انسانی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین

\* پرستش، کاملترین پاسخ به عالیترین نیاز، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین

\* سالمترین پیام برای سعادت واقعی بشر، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین

\* مقصد نهایی انسان، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین

\* نقش عجیب مذهب در ایجاد آرامش همسران، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394)

\* بصیرت افزایی رمز و راز ولایت مداری و سعادت چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1395)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباچه ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

